تاریخ دنیای قدیم

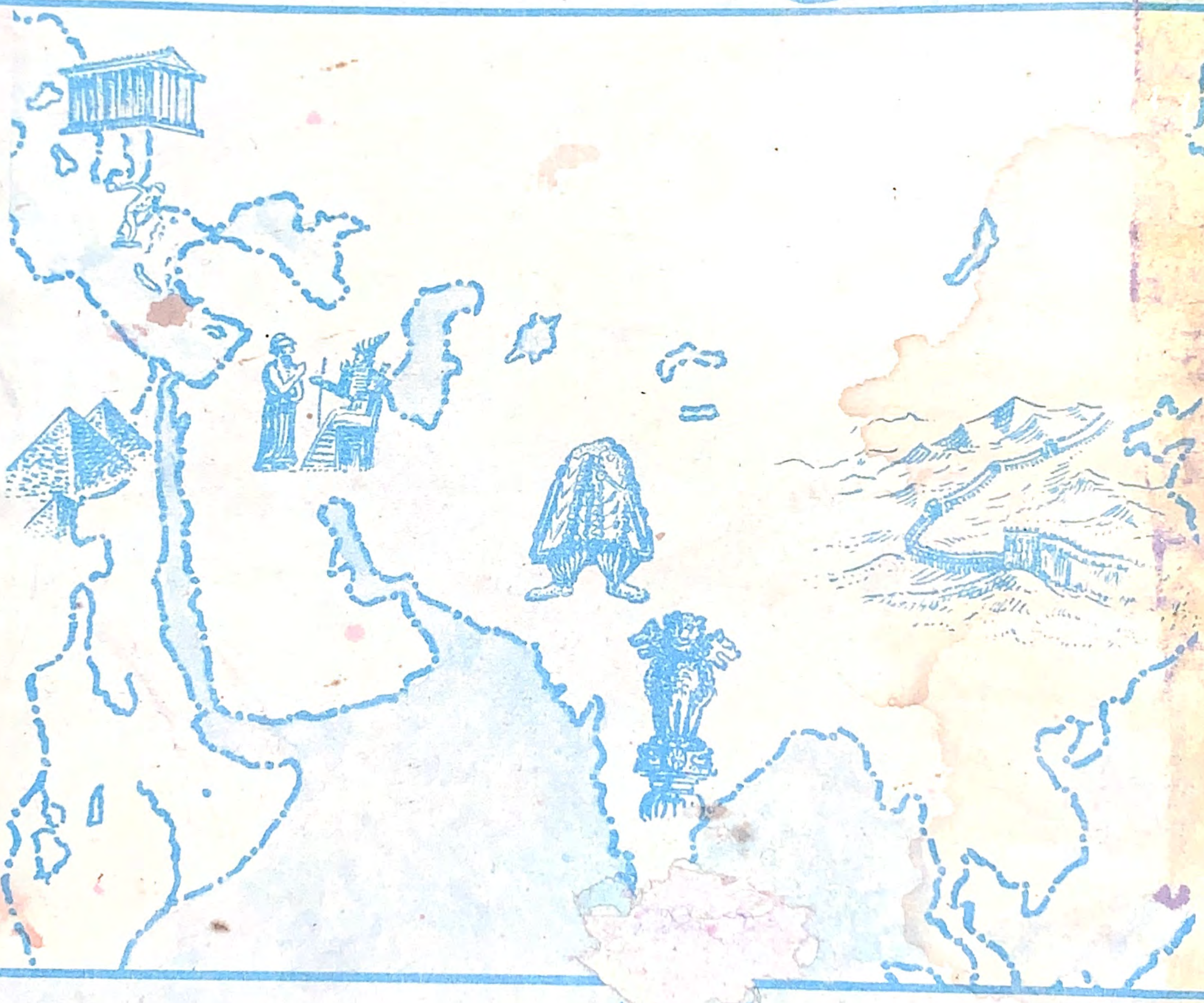

برای

صنف پنجم

کابل

۱۳۵۹

وزارت تعلیم وتربیهٔ جمهوری دموکراتیک افغانستان

ریاست تالیف وترجمه

تاریخ دنیای قدیم

کتاب درسی برای صنف پنجم

۱۳۵۹

کابل

در تألیف این کتاب اشخاص ذیل سهم گرفته‌اند

مؤلفین

۱ــ راحله‌رو شنا

۲ــ محمد جان جهانیار

۳ــ غلام احمد اقبال

٤ــ غلام فاروق کمال

٥ــ شیر محمد خاور

٦ــ عنایت الله

۷ــ عبدالغفور پویا

۸ــ داکتر باطن شاه‌ظفرزی

۹ــ عبدالودود وفامل

رسامان:

۱ــ بهزاد سلجوقی

۲ــ محی الدین ایثار

در تهیه موادو ترتیب کتاب رفیق همدم همکاری کرده‌است.

تحت نظر را برت شاکروف داکتر تاریخ

بسم الله الرحمن الرحيم

شاگردان عزیز !

انقلاب دوران سازثور که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیروزگردید برضد زیربنای فرتوت و پوسیدهٔ نظام فیودالی وساختمانهای ناقص روبنای آن ازجمله روابط طبقاتی تعلیم وتربیه به مبارزه آغاز نمود. وبرای ایجاد یك سیستم مترقی همگانی و انقلابی تعلیم وتربیه پیکاربی امان خواهد نمود.

رژیم انقلابی ودموکراتیك درهمه ساحه های زندگی جامعه ما تحولات عمیق وبنیادی رابمیان خواهدآورد که دربخش تعلیم وتربیه برای نوسازی وشگوفانی فرهنگ وتربیت انسان نوین تحول بزرگ آموزشی وپرورشی را پیریزی نموده که ازسرچشمه زلال انقلاب شکوهمند ثور آبیاری میشود .

شاگردان عزیز !

شما ازسیستم تعلیمی جدید. که براساس حاکمیت خلق وبراساس ضرورت های مادی ومعنوی مردم زحمتکش کشورطرح شده ودرکشور انقلابی وقهرمان خود استفاده میکنید وظیفهٔ شما نسل جوان فراگرفتن تعلیم انقلابی و دانش نوین است که بشریت مترقی آنرا بوسیله کاروپیکارتدوین وتکامل بخشیده است .

تنها انسان مجهز با کسب دانش مترقی میتواند بوطن، خلق، انقلاب وجریان پیشرونـدهٔ تاریخ مفید واقع گردد. هیچ سعادت وافتخار بالا تر ازخدمت بخلق وتربیهٔ انسان اندیشمند وجود ندارد.

وزارت تعلیم وتـربیهٔ جمهوری دمـوکراتیك افغانستان افتخار دارد که همگام بااین تحول عظیم کتاب موجود رابدسترس شماقرار میدهد. امید است ازین کتاب هرچه بیشتر استفاده اعظمی بعمل آید یقین است علم ودانشی راکه شما کسب مینمایید دراعمارجامعهٔ نوین عاری ازاستثمارفرد ازفرد نقش پرثمری را ایفانماید.

فهرست مندرجات

عنوان	صفحه
تاریخ چیست ؟	۱
تاریخ به معنای عام	۱
تاریخ به‌معنی خاص	۱
طرز استفاده بهتر از ین کتاب	۲
اسناد تاریخ چیست ؟	۳
بخش اول کمون اولیه (جامعه اشتراکی)	۵
فصل اول زندگی انسان باستان	۵
فصل دوم زراعت ومالداری	۱۸
بخش دوم شرق باستان	۲۷
فصل سوم مصر باستان	۲۸
فصل چهارم بین النهرین	۴۵
فصل پنجم‌هند باستان	۵۶
فصل ششم چین قدیم	۶۷
فصل‌هفتم افغانستان باستان	۷۷
فصل هشتم کوشانی‌ها	۸۹
بخش سوم اروپای باستان	۹۹
فصل نهم یونان باستان	۱۰۰
فصل دهم روم قدیم	۱۲۲
معنی وتشریح‌مفاهیم‌وکلمات‌جدید	۱۴۶

تاریخ جهان قدیم

برای صنف پنجم

تاریخ چیست ؟ تاریخ علمیست که واقعات زندگی بشر از زمان‌های قدیم تا امروز را تدقیق و مطالعه می کند .مثلاً انسان های اولیه چطور زندگی داشتند ؟ چه کارهایی برای رفع احتیاجات زندگی خود می کردند ؟چطور زندگی بشر از مراحل اولی تا امروز تغیر کرده وشکل موجوده را بخود گرفته است؟ علم تاریخ به استناد این تحقیقات ومطالعات می تواند تغییرات آینده رانیز درجوامع بشری پیشگویی نماید .

اولین کس که تاریخ نوشت هرودت یونانی بود که بنام پدر تاریخ شهرت دارد. هرودت گذارشات جهان را از زمان‌های قدیم تا عصر خود یعنی قرن پنجم قبل از میلاد نوشته وآنرا تاریخ نام نهاد .از آن وقت تا حال همزمان با پیشرفت علم ودانش مفهوم وتعریف تاریخ نیز تغیر کرده وانکشاف یافت.به اساس جدیدترین تحقیقات وانکشافات که درقسمت علم تاریخ دراواسط قرن نزدهم بمیان آمد تاریخ را می توان چنین حدبندی وتعریف کرد .

تاریخ به معنای عام :

عبارت از مطالعه زندگی انسان ومبارزاتش باطبیعت درزمان ومکان معین می باشد.

تاریخ به معنای خاص :

پس از آنکه طبقات درجوامع بشری بمیان می آید . تاریخ جوامع بشری

عبارت از مطالعه مبارزات طبقات استثمارشونده بااستثمارگر و تغییراتی که به‌اثر این مبارزات در زندگی ،قانون ،دولت ،صنعت ،فرهنگ وغیره رخ داده است می باشد.

طرز استفادهٔ بهتر از ین کتاب :

در کتاب تاریخ صنف پنجم شما از شیوه‌های گوناگون زندگی انسان‌های قدیم معلومات بدست خواهید آورد . به اسناد و آثار مهم تاریخی کشور خود و دیگر کشورهای جهان قدیم آشنا خواهید شد . کارنامه‌های جنگها ،جشن ها و مبارزات مردمان قدیم را باطبیعت وطبقات استثمارگر مطالعه خواهید کرد .

برای دانستن تاریخ جهان قدیم اولتر از همه خواندن دقیق کتاب حتمی است. خواندن دقیق قسمی است که وقتی یک پراگراف ویا یک صفحه کتاب را می خوانید دربارهٔ معنای آن باید فکر کنید همیشه کوشش کنید معنای آنچه را که می خوانید خوب بدانید .

درین کتاب شما به کلمات ،اصطلاحات و لغات نو بر می خورید که ممکن معنای آنها را نفهمید. آنوقت به آخر کتاب مراجعه کنید در انجا لست لغات و اصطلاحات نو به ترتیب الفبا (از حرف الف تای) نوشته شده و معنای مکمل آنها تشریح شده است . بعد از یافتن معنای کلمات وشرح اصطلاحات جمله را دوباره بخوانید تا معنای مکمل جمله را بدانید .اگر لغت موردنظرتان را در آخر کتاب نیافتید و یا معنای آنرا نفهمیدید ازمعلم تاریخ بپرسید .

بسیاری وقت‌ها برای آنکه یک موضوع خوبتر فهمیده شود عکس‌ها، نقشه‌ها، اشکال وچارت هادر کتاب گنجانیده شده است .توجه ودقت کافی برای مطالعه اشکال نیز بسیارمهم بوده ودرفهمیدن یک موضوع به‌شما کمک زیاد خواهد کرد.

تمرینات در اخیر هر فصل یکی از اجزای دیگر این کتاب است وصرف برای آن در کتاب گنجانیده شده که شاگردان عزیز فهمیده بتوانند که کدام موضوعات فصل را خوب یادگرفته اند و کدام موضوعات را باید دوباره بخوانند تا سؤال ها ویا تمرینات مربوطه راجواب بگویند . هر وقت جواب تمام سوال‌های تمرینات

را فهمیدید به مطالعه فصل بعدی شروع کنید.

درصنف به توضیحات معلم خوب متوجه باشید. فراموش نکنید که معلم بالای کدام چیزها زیاد تر تأکید کرده و توجه شمارا می خواهد. یك کار دیگر را که باید شاگردان عزیز بخاطر داشته باشند این است که متن کتاب را خط به خط و کلمه به کلمه از یاد نکنند. درخواندن یك جمله ویا یك صفحه مقصد مهم است نه حفظ طوطی وار کلمات آن.

نتیجه گیری درخواندن تاریخ مرحله آخری اما اصلی است. یعنی ما تاریخ را برای آن می خوانیم که تجارب گذشته را آموخته و بسوی یك هدف عالی که زندگی بهتر است پیشروی کنیم. وقتی یك واقعه تاریخی مثلا قیام برده ها را دریك قسمت کتاب خود می خوانید در بارهٔ علل و نتیجه آن خوب غور و دقت کنید. مشکلات انسان های قدیم را باانسانهای امروزی مقایسه کرده ودربارهٔ مشکلات موجود عوامل وطرق حل آن ها باهمصنفان ومعلم خود بحث ونتیجه گیری نمائید. درتحلیل ونتیجه گیری خود از اشکال، اسناد دو نقشه های متن کتاب بقسمی که معلم دروقت تشریح درس از ان ها استفاده می کند کاربگیرید.

اسناد تاریخ چیست؟ وچطور درفهمیدن تاریخ مردمان قدیم به ما کمك می کند؟

تاریخ برای دریافت چگونگی زنده گی انسان های قدیم به اسناد وشواهدی نیازمنداست که بامطالعهٔ آن گذارشات زمانهای قدیم درك و فهمیده شده میتواند نوشته ها، اشکال، تصاویر، مجسمه ها، ابزار، قبرها، خانه ها وشهرهای قدیمی که دراثرحفریات اززیرخاك بیرون می شود همه ازجمله اسنادتاریخی بشمار می روند. علمای تاریخ این نوشته ها واثارتاریخی رامطالعه کرده ازروی آن گفته می توانند که درکدام وقت ها ودرکجا این چیزها وجود داشته و مردم همان وقت ازاین چیزها چطوروچرا کارمی گرفتند؟

خواندن اکثر کتیبه ها یا اسناد تاریخی کاری است بسیار مشکل زیرا زبانها ورسم الخط هـای قـدیم به مرور زمـان تغـیر کـرده وانکشاف یافته است . تنها باستان شناسان ومؤرخین می توانندآن نوشته هـارا مطالعه کرده و بخوانند . بعضی از این نوشته‌ها بیانگر قدرت حکومتهای قدیم وقیامهای ملی وخلقی می باشد. بعضی دیگر انکشافات علمی واقعات مهم را در زمان های قدیم واضع می‌سازد .

کسانی که این اسنادمادی تاریخ رااززیرخاك بیرون میاورندبنام باستانشناس یادشده وعلمی که به اساس چنین اسناد دربارهٔ زندگی انسانها بحث میکند بنام علم باستان شناسی یاد می‌شود .

ازروی ایـن کشفیات وتحقیقات واضع شده است کـه در زمان‌های قـدیم مردمانی زندگی داشتند که‌نسبت به‌پیشرفتهای زندگی امروزبسیارپسمانده بودند . مثلا نوشتن وخواندن رایاد نداشتند . فلـزات رانمی‌شناختند . سامان ولـوازم زندگـی شان را ازسنگ ،چوب و یا استخوان می ساختند .

بخش اول

کمون اولیه (جوامع اشتراکی اولی)

فصل اول ـ زندگی انسانهای باستان

مقدمه :

انسانها اززمان های بسیارقدیم به روی زمین زندگی‌میکردند . ابـزار کار آنها خیلی ساده و ابتدائی بود . زندگی آنها نیزبسیار ساده بوده از طریق چیدن میو ه درختان، کندن ریشه گیاهان وشکارحیوانات کوچک وبزرگ وحشی غذای خودرا تهیه میکردند . امابه تدریج آلات و ابزار کارشان تکامل کرد وبهتر شد . با تکامل ابزار کاردماغ انسان نیزانکشاف یافت . اندیشه وزبان بمیان آمـد. زندگی انسانهای بسیار قدیم ازروی آلات وابزارو آثاریکه تـوسط باستان شناسان کشف گردیده است فهمیده می‌شود . سر انجام انسانها در حدود ۳۳۰۰ ق م به ایجاد خط مؤفق شدندوزندگی‌شان پس‌ازایجاد خطازروی نوشته هائیکه از ایشان باقیمانده‌است‌خوبتر روشن‌میشودزنـدگی‌انسانهای‌قدیم‌ازروی‌آلات وابزاریـکه توسط‌حفریات بدست‌آمده به دوره های ذیل تقسیم می شود .

الف ـ دورهٔ سنگ :

۱ـ عصرسنگ قدیم: دراین‌دوره‌ابزار کارانسانها عبارت‌بوداز‌سنگ، چوب وشاخهای حیوانات که به شکل طبیعی واصلی آن به کار میرفت .

۲ ـ عصرسنگ میانه (تراش‌سنگ): دراین وقت‌ابزار کارانسانهـا تکـامل کرده بهترشد . چنانکه ابزارسنگی برای‌اینکه ازان‌خوبتر استفاده‌شود بایکدیگـر تراش شده نوك و کنارآن بخاطربریدن اشیا تیزمیشد .

شاخهای حیوانات رابـه نوك چوب وصل‌میکردند وبه جای نیزه ازآن کـار میگرفتند .

با به وجود آوردن ابزار کارپیشرفته ازقبیل‌تیروکمان کارهاخوبتروبهتر صورت میگرفت وزندگی انسانها روزبه روزبهبود میافت .

انسانهای قدیم بالاخره حیوانات را اهلی کردند وزراعت رایادگرفتند. پس ازان به دنبال شکارازیکجا به جای دیگر سرگردان نمی شدند . انسانهای زراعت پیشه دریک منطقه زندگی دایمی اختیار کرده خوراك خودرا از زمین و زراعت بدست می‌آوردند .

۳ــ عصرسنگ صیقل: این عصربه سببی بنام سنگ صیقل یا سنگ جدید یاد میشود که انسانها در آن زمان سنگهاراصیقل نموده‌سوراخ میکردند. ازین‌سنگ‌ها تبر، چاقو وغیره میساختند . همچنان برای حاصل گیری اززمین‌ها ابزاروآلات زراعتی بهترساختند . تا این‌زمان انسانهای قدیم دارایی شخصـی نداشتند . هَمـه دارووندار آنها که عبارت ازوسایل‌وابزارکاربود به تمام افراد جامعه تعلق‌داشت وازحاصل کارهمه مساویانه استفاده میکردند .

ب ـدورهٔ فلزات:

بااستفاده ازآتش انسان ها قادرشدند که درپهلوی‌ابزارسنگی ابـزارو آلات فلزی نیزبسازند . بوجودآمدن ابزار فلزی پیشه زراعت را انکشاف داد . دورهٔ فلزات بدوقسمت تقسیم می‌شود .

۱ـ عصرمس و برونز (مفرغ)

انسان‌های قدیم اول به کشف مس‌موفق شدندچون آلات‌وابزارمسی‌مقاومت ودوام زیاد نداشت بنابران مس را باقلعی مخلوط وازان‌فلزسخت‌تری بنام مفرغ یا برونزبدست آوردند .

۲ـ عصر آهن :

بعدها انسان های قدیم بکمک آتش توانستند فلز سخت دیگری رابنام آهن کشف کنند . با کشف آهن آلات وابزار زراعتی بیش از پیش بهبودی یافته وحاصلات زراعت زیاد شد .

انسانهای قدیم چطور زندگی میکردند

پیدایش انسانهای اولیه :

طبق عقیده علما انسانهای نخستین که در حدود ۶۰۰ـ۷۰۰ هزار سال پیش زندگی میکردند بامردم زمان ما خیلی فرق داشتند. آنها شبیه میمون‌های بزرگ بودند. این مردم بنام انسانهای میمون نما یاد شده‌اند . انسانهای میمون نما از ترس حیوانات وحشی به درخت ها بالا میشدند . هنگام بالاشدن به درخت مجبور بودند که حالت قایم به خود اختیار کنند. کف دست آنها در هنگام بالاشدن به درخت ها به حرکات گوناگون عادت کرد .

شکل (۱)

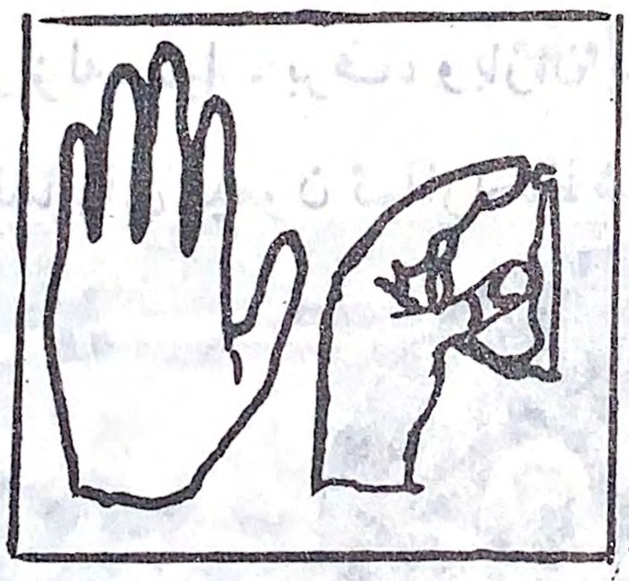

(۱)

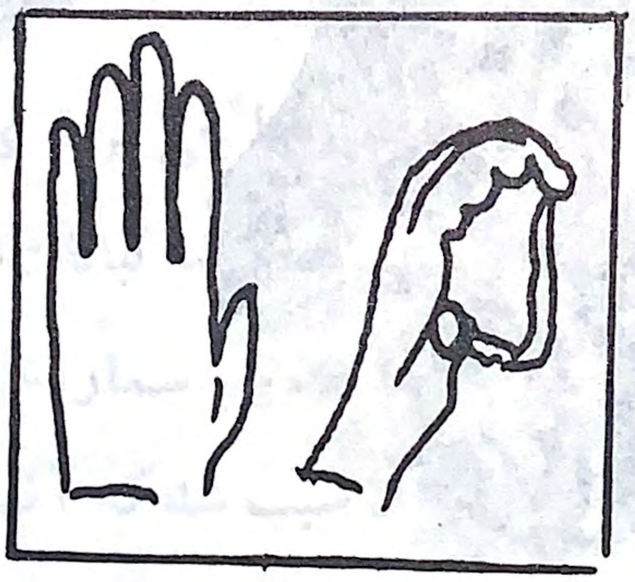

(۲)

۱ـ دست میمون های بزرگ.

۲ـ دست انسانهائیکه درحدود (۳۰) هزارسال پیش از امروززندگی میکردند . فرق مهم بین دستهای انسانها ومیمون ها چیست ؟

باگذشت هزارهاسال تغییرات اقلیمی و انبوهی جنگلهاازبین رفت. انسانهای میمون نمامجبورشدند که‌ازدرختان پایین بیایند وبه‌زندگی‌جدیدی درروی زمین شروع کنند. عادت کردن به حالت قایم انسانهای میمون نمارا قادر ساخت که ایستاده راه بروند. دستهای آنان‌برای برداشتن اشیاءوجمع آوری‌میوه هاوریشه های نباتات آماده شده بود. آنها درهنگام دویدن به جلوخم میشدند. دستهای آنان اززانوهادرازتر بود. گاهگاه توتهٔ چوبی رامانند عصاباخود حمل میکردند.

انسانهای میمون نمابه صورت‌گروپ‌های کوچك زندگی اجتماعی داشتند. آنهامیتوانستندباانداختن‌سنگ‌واستفاده‌ازچوب‌درمقابل‌جانوران‌دیگرحیوانات وحشی‌ازخود دفاع کنند. انداختن سنگ به طرف حیوانات وحشی و استعمال‌چوب برای‌جمع آوری میوه وکندن ریشهٔ نباتات دست های آنهارا قوی و قابل‌کارکردن ساخت.

گریختن ازیک‌جابه‌جاهای‌دیگرازترس حیوانات وحشی وخطرات طبیعی از قبیل زلزله، سیل، برف، وباران پاهای آنهارابه دویدن عادت داد.

انسانهای میمون نماازلحاظ شکل باانسانهای‌امروزی فرق داشتند.

شکل (۲)

سرانسانیکه تقریباً یك ملیون سال‌پیش‌ازامروزدرامریکای جنوبی زندگی داشت. این شکل ازروی جمجمه هائیکه یافت شده رسم‌گردیده است.

آنهاجمجمه بزرگ، پیشانی بیرون بر آمده وزنخ درازداشتند دست هایشان درازوازانوهاپـایان بود . اندازهٔ مغز آنهابه نسبت انسانهای امروزی کمتر امابه‌مقایسه مغزمیمونهازیادتر بود.

چیزی که انسانهای میمون نمارابه انسانهای پیشرفته تبدیل کرد کاراست. ازآثاریـکه بدست آمده است برمیاید که نیاکان انسانهای امروزی درسر زمین های وسیع وپرجنگل جنوب اروپـا، افریقاوجنوب شرق آسیازندگی میکردند .

شکل (۳) ابزارسنگی انسانهای اولیه

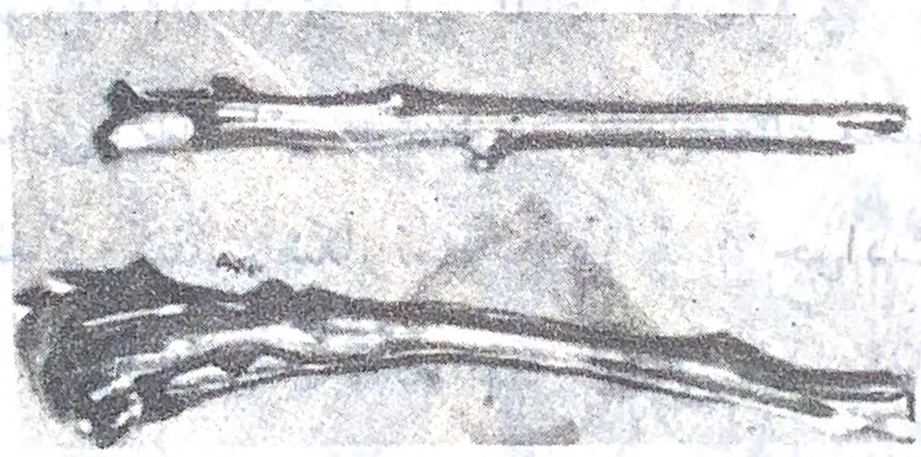

شکل (۴) ابزارچوبـی انسان های اولیه

ابزارهای کار آنهاخیلی‌ساده وابتدایی بود. ازسنگهای طبیعی برا ی حمله برحیوانات وحشی وازچوب برای جمع آوری میوه‌و کندن ریشه نباتات‌استفاده میکردند. به وسیلهٔهمین ابزار کارطبیعی‌شـکارحیوانات‌مانند سو سمار،خرچنگ وغیره صورت‌میگرفت.استعمال ابزارطبیعی‌و تـکرارآن سبب شد که آنهاآلات وابزاربرای‌انجام‌دادن کارهای گوناگون دیگر نیز بسازند . در نتیجه انسانهابه مرحلهٔابزارسازی‌و کارآگاهانه قدم گذاشتند .

مصنوعات یعنی چیزهایی که توسط آنهادر آنوقت ساخته میشد بسیا رساده بود. سنگهای طبیعی رابرای پیشبردو بهترساختن عملیهٔ شکا رتراش کرد ند. میخ های برای کندن ریشهٔ نباتات ساخته شد. همچنان شاخهای حیوانات رابرسر چوبها بستند وآلاتی به شکل نیزه بوجودآوردند.

گله های اولیهٔ انسانها :

انسانهای قدیم به‌جمع آوری وچیدن میوه، کندن ریشه های نباتات وشکار حیوانات میپرداختند. ولی باگذشت هزارهاسال دیگر آنهانمیتوانستند بهمان‌ترتیب به زندگی خود ادامه بدهند. کمبودموادغذایی وشرایط خراب اقلیمی زندگی آنهارا بامشکل روبروکرده بود. بدین علت آنهامجبور بودند که ازیك جابه جای دیگر برای‌شکار وتهیه‌غذا کوچ کنندوهم برای‌برآورده‌ساختن‌احتیاجات زندگی خویش ابزار کارخود راانکشاف بدهند. آنهاپس‌ازانکشاف ابزارکار که مدتهای زیادرادربرگرفت به‌شکارحیوانات‌گاومیش‌وحشی، گوزن‌وفیل‌ماموت‌شروع کردند.

تا این زمان انسانهای قدیم گوشتخوار وگیاهخواربودند. آنها نمیتوانستند به صورت انفرادی وتنها با حیوانات قوی رقابت کنند. گرسنگی وکمی مواد غذایی آنها راتهدید میکرد. بدین لحاظ مجبوربودند به شکل‌اجتماعات‌بزرگتری زندگی کنند، شکارنمایند ودرمقابل حوادث ایستادگی نمایند.

دراین وقت یخچالهای شمالی میدان های همواررا فراگرفت. جنگل های جنوب اروپا دراثراین یخچال ها ازبین رفت. همچنان‌یخچال ها ازقله های کوههای‌آسیای میانه وهمالیا به جنوب شرق ومرکزقارهٔ‌آسیا سرازیرگردید. به این ترتیب شرایط زندگی بسیارسخت شد. با وجود این حالت انسانها به زندگی خود ادامه دادند. درزنده ماندن آنها دوعلت عمده وجود دارد. یکی‌آنکه‌آنها دراین وقت موجودات با شعوو ابزارساز بودند وبرای مقابله با حوادث طبیعی به‌کارآگاهانه اقدام کرده‌بودند. دوم انیکه زندگی‌اجتماعی داشتند. زیراساختن ابزاروشکارحیوانات بزرگ بدون کارد سته جمعی امکان نداشت. پس به همین

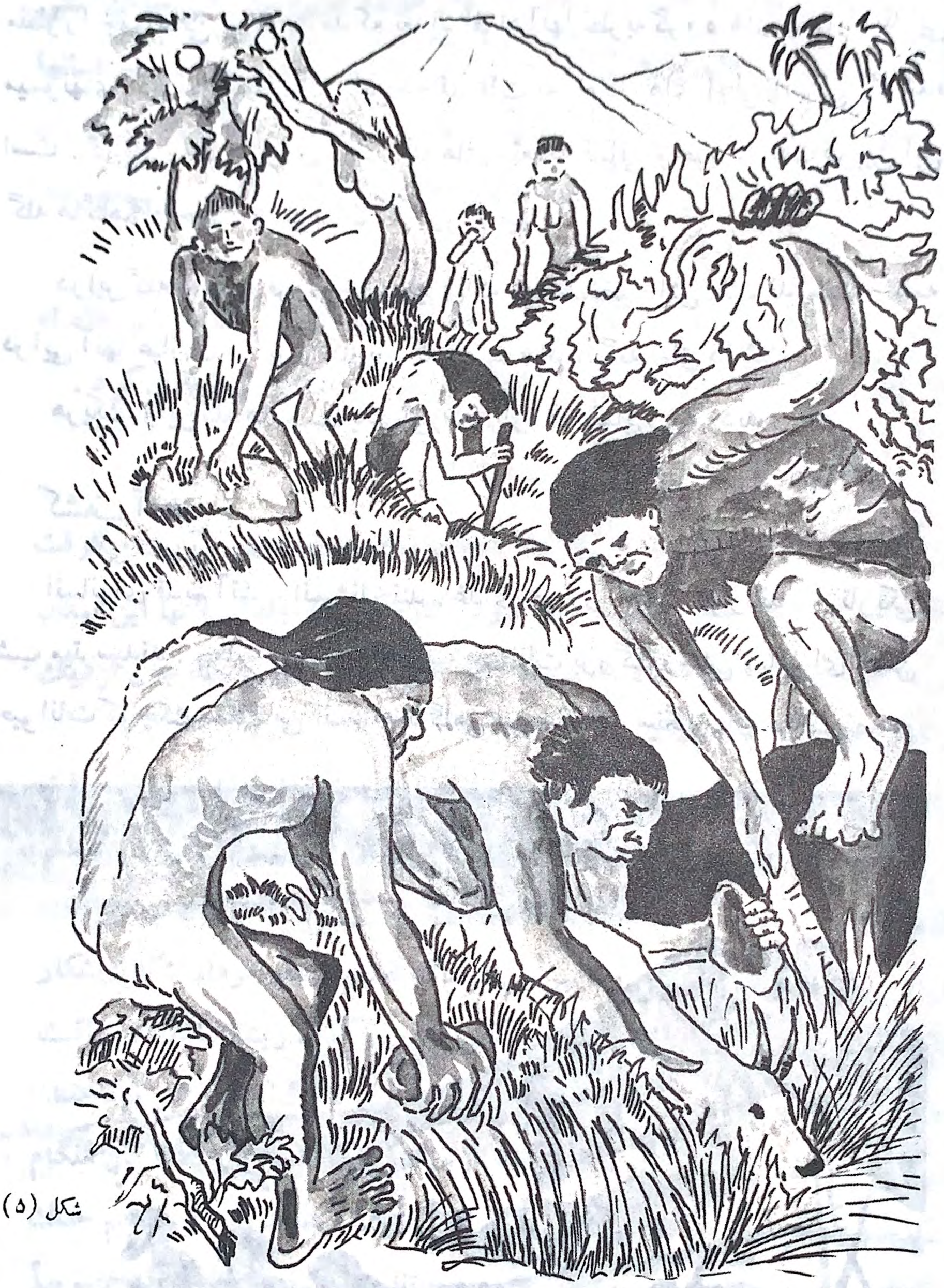

شکل (۵)

۱ــ ما چطور میدانیم که این تصاویر مرد مان قدیم را نشان می دهد ؟

۲ــ فرق بین مرد مان قدیم و مرد مان امروزی چیست ؟

۳ــ آیا مردم به این ترتیب در فصل زمستان زندگی کرده میتوانند ؟

منظورا جتماعاتی بوجود آمد که تعداد افراد آنها نظر به گروه های بسیار ابتدایی میمونهای آدم نما بیشتر بود . این اجتماعات به نام گله های اولی انسانی یاد شده است . درین زمان درروی زمین گله های متعدد انسانی وجود داشت دربین این گله ها گاهگاه جنگ برسر مناطق شکار رخ میداد .

دراین گله ها هیچ فرد ازخود چیزی که مال شخصی اش باشد نداشت . همه درایی آنها عبارت از ابزار کاربود که به تمام افراد گله تعلق داشت .

هریک ازاین گله ها توسط یک تن (مرد یازن) رهنمایی میگردید .

کشف آتش :

انسانهای قدیم آتش رانمیشناختند . غذای خود را خام میخوردند . ازتاریکی شب میترسیدند . زمانیکه آنها به طرف حیوانات بزرگ وحشی ویا برای کشتن حیوانات کوچک سنگ می انداختند گاهی این سنگ با سنگ های دیگر تصادم

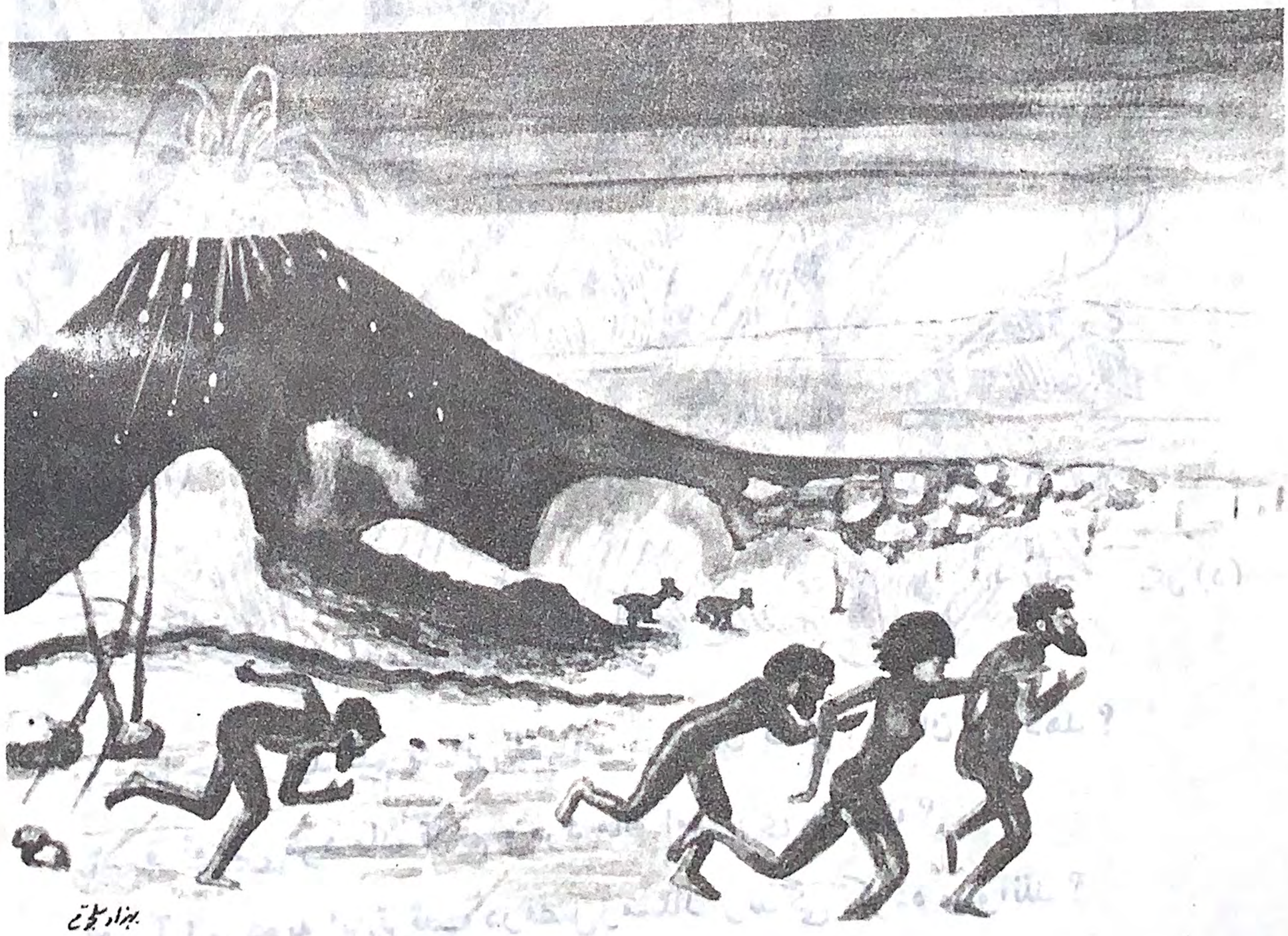

بهزاد سلجوقی

شکل (٦)

نموده از آن جرقه بوجود می آمد وگیا هان خشک دوروپیش این سنگ آتش میگرفت . همچنان آتشفشانها که در اثرعوامل دا خلی زمین بوجود میامد انسانها رامتوجه آتش میساخت . زیراوجودآنهاگرم میشد . جاهای تاریک روشن میگردید آنها حیوانا تیرا که دراثر آتش فشان سوخته بودند جمع آوری میکردند ومیخوردند این غذای جدید لذیذ تربود وبه آسانی هضم میشد .

دراثراین عوامل انسانها آتش را شنا ختند وبه اهمیت پی بردند . این حادثه درپیشرفت وانکشاف ابزارتولید وزندگی اجتماعی انسانها تأ ثیرزیادی کرد .

سوم – طایفه های انسانی :

تکامل ابزار کاروبهترشدن شکل کار که به صورت دسته جمعی صورت میگرفت انسانهای قدیم را بیشتربه هم نزدیک کرد . کاروفعالیت اجتماعی آنها این امکان را بوجودآورد که افرادیک گله ویاتمام گله هایی که در یک یا چند جای نزدیک زندگی میکردند با هم یکجا شوند .

تقسیم طبیعی کاردربه وجودآوردن نظام طایفه یی تأثیرزیادداشت . پیشرفت نیروهای تولیدی ومهمترازهمه ساختن ابزارپیشرفته مانند نیزه وزوبین تقسیم طبیعی کاررا به میان آورد .

دراین تقسیم، کاربه اساس سن وجنس بین افرادگله تقسیم میشد. مردان شکاری شکار میکردند. بعضی از زنان واطفال به جمع آوری میوه وکندن ریشهٔ نباتات ومراقبت چوچه های حیوانات شکارشده میپرداختند وبسیاری بزرگسالان ابزار میساختند. در اثر این تقسیم افراد گله ها گاهگاه ازهم دور میشدند زیرا مردان در هنگام شکاربه جاهای دور میرفتند وبا گله های جدید آشنا میشدند وزمانی با هم جنگ میکردند. بدین ترتیب یاخوردبه گلهٔ جدید میپیوستند ویا افرادآن گله ها (مخصوصاً زنها) را به گلهٔ خود میاوردند . در حقیقت انسانهای قدیم با این عمل خود گله های خویشاوندیاطایفه رابوجودآوردند وگله های اولیه جای خودرابه اجتماعی بزرگتر گذاشت .

روابط جامعهٔ طایفه یی :

درجامعهٔ اشتراکی ابتدایی روابط بین انسانها به نوعیت وچگونگی کار وابزار ارتباط داشت . تمام دارایی آنها عبارت از ابراز وآلاتی بود که توسط آنها کار صورت میگرفت .

این وسایل وابزار مال وملک شخصی کس نبود . چون ابزار کار رابصورت جمعی بکار میبردند و کار آنها دسته جمعی بود و ازحاصل کار همه افراد جامعه استفاده میکردند . هر کس به اندازهٔ قدرت وتوانش کار میکرد وهمه مساویانه از حاصل کار بهره میبردند .

مادرسالاری :

درجامعهٔ طایفه یی ابزار کار پیشرفت کرد. انسانها ابزارجدید ازقبیل تیر و کمان را ساختند . سنگها را بشکل خوبتر وبهتر صیقل کردند. این پیشرفتها سبب استحکام نظام طایفه یی گردید . دراثر این عوامل افراد گله های یک طایفه میتوانستند دریک رشتهٔ کار لیاقت وتجربه پیدا کنند وحاصل کار را زیاد نمایند . ولی باوجود زیادشدن حاصل کاربدست آوردن مواد غذایی ازطریق شکاریک کار تصادفی بود. انسانهای قدیم همیشه نمیتوانستند ازطریق شکار احتیاج جامعهٔ خود را برآورده سازند . گاهگاه به قلت مواد غذایی دچار میشدند وتعدادی از افراد طایفه از بین میرفتند .

زنها به دوختن لباس که ازپوست حیوانات بدست میامد وساختن ظروف مشغول بودند. جمع آوری میوه ها وگیاه های خوراکی برای تهیهٔ موادغذایی مخصوصاً درهنگام قحطی وظیفهٔ آنها بود. به این ترتیب فعالیت و کار زن که حاصل همیشگی داشت مرکز شغل حیات بشری گردید .

ازدواجهای گروهی که زن میتوانست بیش ازیک شوهر داشته باشد و کدام قاعده و قانونی مشخص در این مورد نبود نیز براهمیت نقش زنها افزود . زیرا

زن ما درجامعه بود و افراد جامعه به دور مادر خویش جمع میشدند و پدر خود را نمیشناختند . تمام این عوامل براهمیت زن درجامعه افزود وبه همین سبب این دورهٔ جامعهٔ اشتراکی به نام مادر سالاری یاد میشود .

پیدا شدن اندیشه وگفتار :

اندیشه وفکر کردن در اثر فعالیت و کار انسان بوجود آمده است . انسانهای قدیم پس از آنکه ازمرحلهٔ جمع آوری غذا به مرحلهٔ ساختن ابزار و کار آگاهانه قدیم گذاشتند شعور آنها تحریک شد . به تفکر و اندیشه پرداختند . کوشیدند تا برای رفع احتیاجات خویش چاره های بهتر بیابند . بدین‌سبب قدرت فکر کردن واندیشیدن را پیدا کردند . چون کار انسانها دسته جمعی بود پس تفکرو اندیشهٔ آنها که حالت ابتدائی داشت نیز دسته جمعی بود . یعنی برای رفع احتیاجات زندگی جمعاً فکر میکردند .

انسانهای قدیم برای انتقال فکر واندیشهٔ خود به وسیله یی ضرورت داشتند تا بتوانند ذریعهٔ آن افکارخودرا بدیگران انتقال بدهند . خوردن گوشت و میوه در انکشاف ذهن ایشان تأثیر زیادی داشت . مغز انسان باگذشت مدت زیاد انکشاف زیادکرد . انسانهای قدیم در زمان برخورد باحیوانات وحشی وبزرگ ویا حادثات طبیعی فریاد ها وآوازهایی ازحنجرهٔ خویش بیرون میکردند. دراثر تکرار این چنین عمل انسانهای قدیم باآن فریاد ها وآوازها آشنایی کامل پیدا کردند وپس ازشنیدن آنها میدانستندکه چی‌حادثه یی رخ‌داده است . گاهی این آوازها به شکل‌لفظ های کوتاه ازدهن خارج میشد . باگذشت سالهای زیادکلمات اشکال‌گوناگون بخودگرفت . جملات بمیان آمد . سرانجام لهجه های مختلف ولسان های متعدد به وجود آمد .

فرهنگ جامعه طایفه یی :

درنخستین مرحلهٔ زندگی اشتراکی (کمون اولیه) انسانها ذهن بسیارضعیف داشتند وبه مشکل میتوانستند چند چیزرا حساب کرده به ذهن بسپارند ، پسانها در

اثر تکامل ابزار کارفکر بشر قوی شد . تعداد کلمات زیاد گردید و انسانها توانستند مطالب زیاد به ذهن بسپارند. حیوانا تی را که در موقع شکار میدیدند از شکل و علایم آنها که بخاطر سپرده بودند می فهمیدند که با کدام حیوان روبرو هستند . همچنان درهنگام راه پیمایی های دور و دراز میتوانستند ذریعهٔ ستاره هـا راه وسمت را بیابند این امر آنها رادرانتخاب طرق بیشتر شکار و تربیت بدنی علاقه مند ساخت. در این نظام برای اولین مرتبه خط تصویری بوجود آمـد . آنها باترسیم اشکال حیوانات وانسانها مقاصد خود را به دیگران انتقال میدادند .

شکل (۷)

هنر نقاشی و مجسمه سازی در عهد تراش سنگ به شکل ابتدایی وجود داشت و انسانها تصویر های اسپ وحشی ،گوزن و گاومیش وحشی را بـــر دیوار های مغاره ها نقاشی میکردند .

ازعاج وشاخهای حیوانات وسنگهامجسمه های بسیار کوچک گوزن ، انسان وحیوانات میتراشیدند . هنر موسیقی نیز درجامعهٔ ابتدایی وجود داشت . آلهٔموسیقی آنها بشکل کمان ازچوب وتاریکـــه ازپوست حیوانـــات بدست میامد ساخته شده بود . همچنان آنها باالات موسیقی ضربه یی مانند دهل وتولـــه آشنایی داشتند .

مردمان قدیم درابتدا کدام مذهب ودین نداشتند. وآنها هیچ چیز را نمیپرستیدند. کار کردن یگانه وسیله یی بود که زنده گی آنها را تأمین میکرد . پسانها انسانهای قدیم به پرستش گیاهان وحیوانات وحشی پرداختند وبه سحروجادو عقیده پیـدا کردند . صحنه های شکار که درمغاره های(دوره تراش سنگ)رسم شده است بیانگر عقیده انسانهای قدیم به سحروجادواست .

سوالات:

۱ ـ درعصرسنگ قدیم انسانها چگونه زندگی میکردند ؟

۲ ـ انسانهای میمون نما ازلحاظ شکل با انسانهای امروزی چه فرق داشتنـد؟

۳ ـ چرا انسانهای قدیم مجبوربودند که زندگی اجتماعی داشته باشند ؟

٤ ـ انسانهای قدیم چگونه به کشف آتش مؤفق شدند ؟

٥ ـ ثروت ودارایی انسانها عبارت ازکدام چیزها بودآیا آنها ازخود دارایی شخصی که تنها مربوط خودش باشد داشتند واگرنداشتند چـه علت موجود بود ؟

فصل دوم

زراعت و مالداری

مالداری :

انسانها در آغاز زندگی نمی فهمیدند که از حیوانات غیر از شکار استفاده های دیگری هم شده میتوانند . آنها در ابتدا غذای خود را از شکار حیوانات تهیه میکردند. اما گوشت و استخوان آنرا پس از سیر شدن دور می انداختند . از جمله حیوانات سگ جهت یافتن استخوان از یکجا به جای دیگر به تعقیب انسان میرفت و گوشت و استخوان باقیمانده از انسان را می خورد . بدینترتیب سگ اولین حیوانی بود که با انسان عادت گرفت و رام شد و در وقت شکار انسان را یاری میکرد. گاهی طوری واقع میشد که انسان در وقت شکار حیوان چوچه آن را زنده بدست می آورد و آنرا جهت ذخیره گوشت تازه در جای معین نگاه میکرد . سرانجام حیوانات گیر آمده کم کم به انسان انس گرفته رام میشد و تولید نسل میکرد .

بدینترتیب انسان بز، گوسفند، گاو وغیره را اهلی کرد از گوشت شیر و پوست آن برای تهیه خوراک و پوشاک خود استفاده نمود.

زراعت :

انسانهای قدیم برعلاوه گوشت حیوانات دانه های نباتات خود رورا نیز می‌خوردند . پس از گذشت سالها حین دانه چینی متوجه شدند که از دانهٔ نباتات نباتات دیگر می‌روید. لذا زنها دانه بعضی نباتات را به زمین گور میکردند و پس ازمدتی حاصل آن را می چیدند.

بدینطریق تقریباً نه هزارسال قبل ازامروز زراعت را یادگرفتند. البته کار زراعت اولین مرتبه با کشت ارزان که گیاه هرزه درمحل کشت آن به خوبی نمو

شکل (۸)

کرده نمیتوانست آغاز گردید. الات وابزارزراعتی درابتدا بسیارساده بوده به این معنی که سنگهای نوك تیزرا به چوب بسته کرده زمین را همرای آن زیر ورو میکردند یا دراستخوان الاشه پائین حیوانات قوی سنگهای نوك تیزرا جای داده بقسم داس استعمال مینمودند. انسانهای قدیم تا مدت زیادی ازشیوهٔ آبیاری خبر نداشتند. بنابران میکوشیدند نباتات را در کنارتپه های بارانی کشت کنند. پسانتر فهمیدند که اگر زمین آبیاری شود حاصل آن بهترمیشود. برای آبیاری زمین های زراعتی بند ها ساختندو کانال ها کشیدند.

درنتیجه کشاورزی دروادیهای حاصل خیزو کناردریای پرآب دریای نیل سند، دجله وفرات انکشاف یافت. زراعت ومالداری درزندگی انسانهای قدیم تغیرمهمی را بوجودآورد. آنها مجبورنبودند که بدنبال شکار ازجایی به جایی دیگرسرگردان باشند. زیرا غذای ایشان اززمین تهیه میگردیدونیزهمین امرباعث شد که درکنارمزرعه های خود زندگی دایمی را اختیارنمایند.

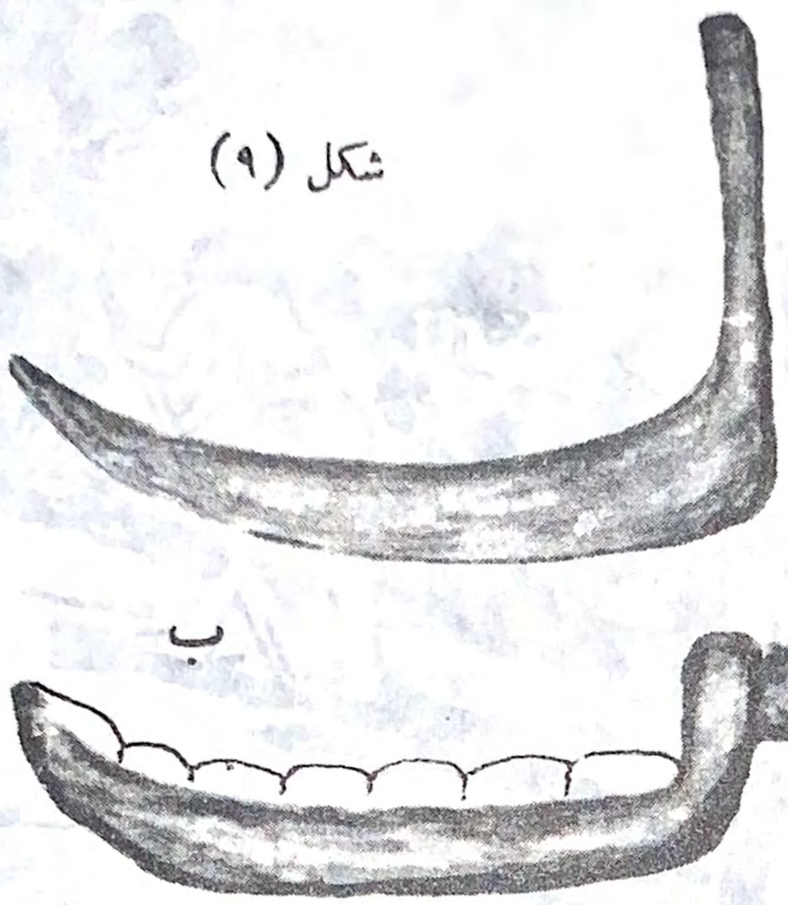

شکل (۹)

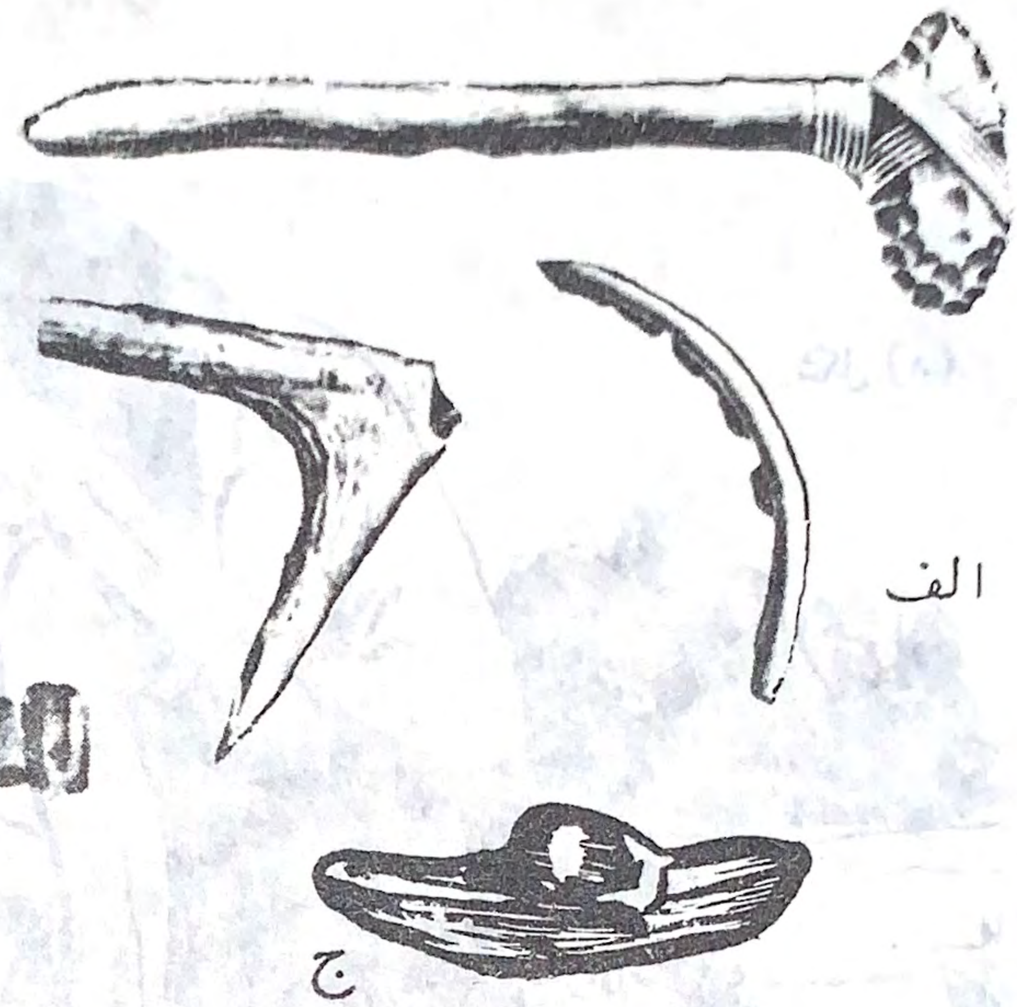

الف

ب

ج

زندگی دایمی دریك منطقه باعث بوجود آمدن دهکده هاوشهر ها گردید .

دوش بدوش زراعت ومالداری پیشه وری نیزبوجود آمد. چون انسان آموخته بود که گل درآتش سخت میشود بنابران برای رفع برخی احتیاجات خود ساختن ظروف گلی آغازوهمچنان به تعقیب آن طرزرسیدن وبافتن را نیز یادگرفتند.

پیدایش طایفه وقبیله :

مردمان اولیه درجنگل هاومغاره ها زندگی میکردند. اما از ترس حیوانات درنده وشکاربه خاطرتهیه خوراك باعث میگردید که انسانها به صورت دسته جمعی زندگی نمایند .

ازطرف دیگرچون ابزار کارآنهاساده بودیك فامیل نمیتوانست به تنهایی زمین را ازجنگلات پاك نموده تخم را پاش بدهد. ازاین سبب زندگی دسته جمعی و کار اشتراکی را اختیارنمودند.

چندین فامیل که نزدیك همدیگرزندگی میکردند بنام طایفه یاد میشدند. تمام افراد طایفه به صورت دسته جمعی جنگلات را از بته ها پاك کرده تخم می زدند وازآن بهره میگرفتند.

شکل (۱۰)

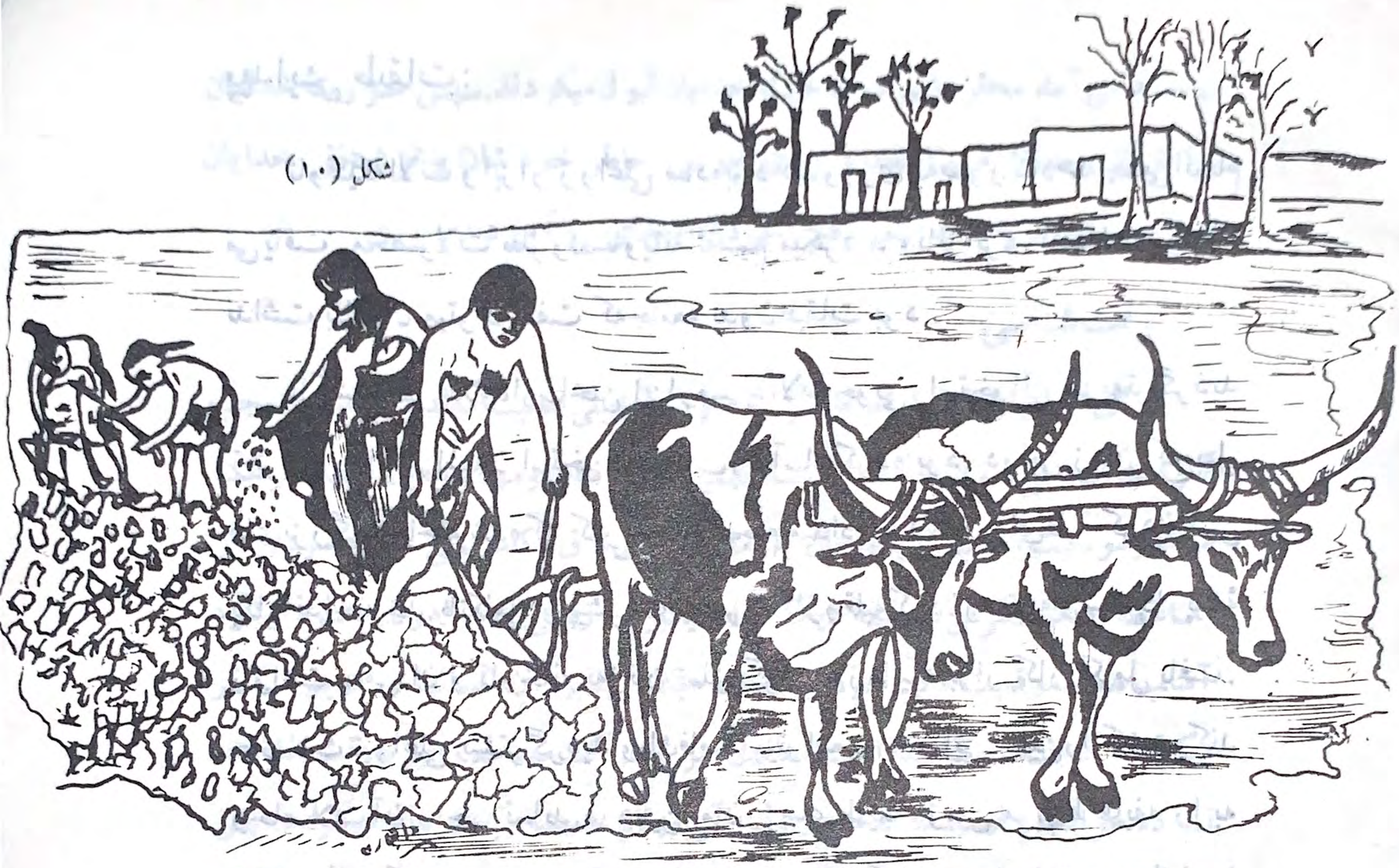

زمین مال همان طایفه بود که بالایش کار میکرد. بعد چندین طایفه با هم پیوسته وقبیله را بوجود آوردند. تمام افراد قبیله به یك زبان گپ میزدند ورسم ورواج یکسان داشتند. تقسیم مساویانه شکار، چراگاه ومحصولات زراعتی وظیفه رؤسای قبایل بود. رؤسای قبایل توسط مردم انتخاب میشد. واز دیگران برتری نداشت. انسانها شش هزارسال پیش ازامروز مس را شناختند ولی درست معلوم نیست که چطور به این فلزدست یافتند. گمان میرود مردمانیکه آتش می افروختند توته سنگی راکه دارای مس بوده درآتش گذاشته اند وشعله های آتش مس را آب نموده ازدورن سنگ خارج کرده است. مس آب شده پس ازسرد شدن دوباره سخت شده است. بنابران رنگ جلا دار، تیزی و برندگی مس انسان های قدیم را به فکرساختن الات وابزارفلزی انداخته است.

انسانها درابتدا ابزارمورد ضرورت خود را از گل وسنگ میساختند یاکنده کاری میکردندوسپس جای کنده شده را از مس آب شده پرمیکردند وابزارفلزی می ساختند.

پیدایش طبقات:

تاوقتیکه الات و ابزار زراعتی ساده بود کشاورزی به‌صورت دسته‌جمعی انجام می‌یافت .محصولات بطور مساویانه تقسیم میگردید ونابرابری اقتصادی وجود نداشت بنابران میتوان گفت که‌جامعه بدون‌طبقات بود .

باکشف‌مس‌علاوه‌ازساختن ابزارمسی، الات‌چوبی واستخوانی نیز بهتر گردید زیرامس کار تراشیدن استخوان‌وچوب‌را آسان کرده بود. دراین زمان کچ‌بیل های‌بزرگتر ساخته شده که کارقلبه را انجام میداد بعداً گاو برای‌قلبه کردن‌زمین بکارانداخته شد. باتکامل و پیشرفت. ابـراز کاروقلبه کردن‌زمین‌به وسیله‌گاو پیشهٔ زراعت به‌مردان وکارخانه به‌زنان تعلق گرفت. زمانیکه‌ابزار کار تکامل یافت. حاصلات زراعتی بیشتر گردید ویك‌فامیل میتوانست به‌تنهایی زمین‌را کشت کند وحاصلات آن راجمع نماید.درهمین‌زمان‌رؤسای‌طایفه، زمین مربوط طایفه را به قطعات کوچك‌تقسیم‌نموده برای‌خانواده‌ها دادند که‌این‌امرباعث‌تجزیه طایفه‌ها به خانواده هـا گردید. باتجزیه‌شدن‌طایفه برابری های‌اقتصادی نیزازبین‌رفت .

رؤسای‌طایفه‌وقبیله‌زمین‌های‌حاصل‌خیز وغنایم جنگی رابرای خود تخصیص دادندوآهسته‌آهسته‌ثروتمندشدند. وظیفه‌رؤسا که‌قبلاً موقتی‌بوددایمی وموروثی شد. دراثرپیدایش مالکیت خصوصی ورشدابزار تولید سر انجام جامعه به طبقات داراونادار وغلام تقسیم گردید .

طبقهٔ دارا به خاطر اینکه مال ، دارایی وجان‌خود را محافظه نماید دستگاه منظمی رابرای‌سرکوبی واستثمار طبقه‌نادار بوجودآورد که بعد هامنتج‌به‌تشکیل دولت‌شد

عقاید مذهبی :

باتغییرزندگی انسانها عقاید مذهبی شان‌نیز تغیر خورد. آفتاب‌راکه به‌مزرعه شان‌گرمی‌وحرارت‌می‌بخشید،ابر راکه بارندگی میاوردوتخم راکه از آن نبات

بوجود می آمد محترم شمرده به‌حیث خدایان قبول میکردند. سپس صورت خدایان را از گل وسنگ می‌ساختند و برای خوشی خاطر خود شان وخوشبختی خدایان قربانی میکردند ومعتقدات مذهبی خودرابه جای می آوردند.

وقت‌شناسی:

برای انسانهای قدیم آسمان بزرگ ونیلی خیلی عجیب معلوم میشدوبا تعجب آنرا مشاهده می نمودند. آهسته آهسته فهمیدند که آفتاب ومهتاب به یك سمت حرکت میکندوموقعیت آفتاب ازیك زمان به‌زمان دیگری فرق میکند. یعنی هنگام سردی در یك نقطه، هنگام گرمی درنقطهٔ دیگر قرارمیگیرد وزمانی که‌هوادوباره سردمیشود آفتاب همان‌موقعیت قبلی خود را اتخاذ میکند بنابر آن انسانها ی قدیم فکر میکردند که‌یك‌سال گذشته است‌انسانها تغیر وحرکت‌مهتاب رانیز به‌دقت مشاهده نموده سرانجام فهمیدند که‌خردی وبزرگی مهتاب همیشه یکسان واقع میگردد. پس زمان آنرا حساب نموده دیدند که‌همین‌مدت تقریباً بیست ونه‌روزرا دربرمی گیرد لذامدت گردش تغیر موقعیت مهتاب را(یکماه)حساب کردند.

برعلاوهٔ آفتاب ومهتاب انسانهای قدیم برای‌اندازه‌نمودن وقت از ستاره‌گان نیز بهره‌می گرفتند. یعنی زمانیکه ستاره مطلوب ایشان می بر آمد میگفتند که حالا شب به‌پایان میرسد وروز به وجود می آید. به‌تدریج مشاهده‌ستاره‌گان ودقت در آنها ایشان‌را به چهار فصل سال آشنا ساخت یعنی زمانیکه ستاره‌معین ومطلوب در آسمان ظاهر میشد می‌فهمیدند که‌بهار رسیده‌است باید تخم‌خود را پاش بدهند وموقعیکه ستارهٔ معین دیگری درآسمان ظاهر میگردید میگفتندحالا خزان فرارسیده‌است باید حاصلات‌خود راجمع آوری‌نمایند. بدینترتیب مشاهده ستاره‌گان انسانهارا به‌فصل های مختلف‌سال آشنا ساخت که‌تااکنون نیزاکثر دهقانهای‌مملکت‌ماازستاره‌گان به‌منظور پاش دادن وجمع آوری حاصلات خوداستفاده مینمایند.

پس‌ازپیدایش‌خط انسانها توانستند تاریخ بعضی وقایع مهم‌رایادداشت کنند. وآنرا اساس شمارکردن سالهای بعدی قراردهند. عیسویان‌تاریخ خودرا از تولد

حضرت عیسی شروع کردند. بنابر آن سالهای را که از تولد مسیح شروع کرده‌اند و تاامروز دوام دارد به نام سالهای بعداز میلاد یاسالهای میلادی یادمیکنند که مخفف آن باعلامت (م) نشان داده میشود. سالهای قبل از تولد عیسی به نام سالهای قبل از میلاد یاد شده که مخفف آن ق.م میباشد از شروع تاریخ میلادی نزده قرن گذشته واکنون قرن بیستم درجریان است. درتاریخ، صدسال بنام یك قرن یادمیشود همچنین ده قرن یك هزارسال گفته میشود (۱۰ قرن مساوی یك هزاره است)

مسلمانان مبداء تاریخ خود رااز هجرت حضرت محمد (ص) ازمکه به مدینه شروع کرده است.

هجرت حضرت محمد (ص) درسال ٦٢١ میلادی صورت گرفت. پس سال ٦٢١ میلادی مساویست به سال اول هجرت و زمانیرا که از سال اول هجرت حضرت محمد (ص) شروع شده و تاامروز دوام دارد به نام سالهای هجری یادمیکنند.

ازسال اول هجری تاامروز سیزده قرن گذشته وقرن چاردهم درجریان است.

سوالات :

۱ ـ توسط دومثال ساده بگوئید که انسان‌های اولی چطور حیوانات رااهلی کردند؟

۲ ـ ابزارزراعت انسانهای اولی ازابزاریکه امروزد هقانان در زراعت از آن کارمیگیرند چه فرق داشت ؟

۳ ـ میگویند زراعت دراول به کناردریاها صورت گرفته است. چرا دلائل آن چیست ؟

٤ ـ چرا انسانهای اولی بصورت دسته جمعی زندگی میکردند ؟

٥ ـ کدام چیزها سبب بمیان آمدن طبقات گردید ؟

٦ ـ انسانهای اولی چراآفتاب وآبرامیپرستیدند ؟

۷ ـ شناختن فصل‌های سال درزراعت وحاصل برداری انسانهای اولی چه کمك کرد ؟

۸ ـ شروع سالهای میلادی وهجری وشمسی را ازروی کدام واقعات گرفته اند؟

۹ ـ فرق بین کمون اولیه ودورهٔ بردگی چیست ؟

شکل (۱۱)

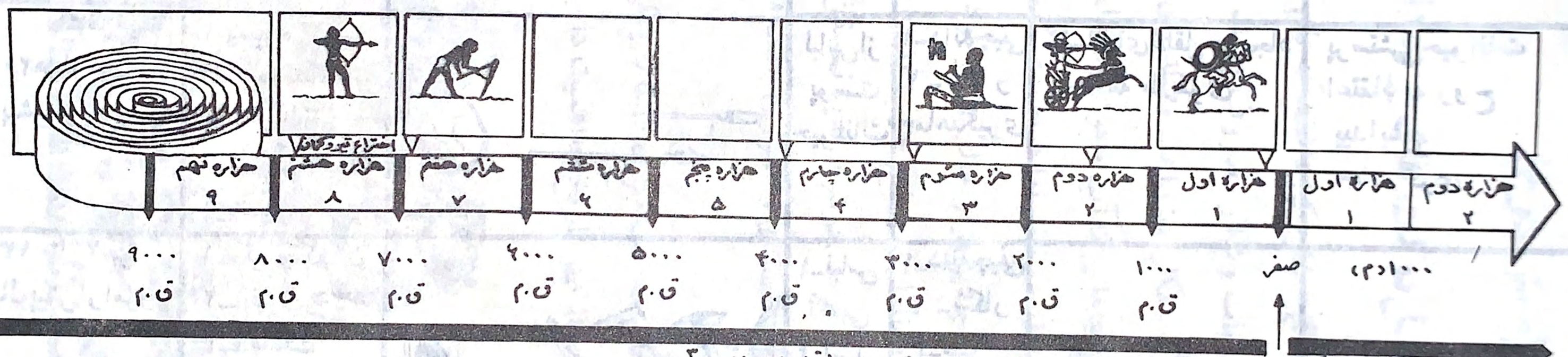
هزاره دوم ۲
هزاره اول ۱
هزاره اول ۱
هزاره دوم ۲
هزاره اول ۱
هزاره دوم ۲
هزاره سوم ۳
هزاره چهارم ۴
هزاره پنجم ۵
هزاره ششم ۶
هزاره هفتم ۷
اختراع تیر و کمان
هزاره هشتم ۸
هزاره نهم ۹
۱۰۰۰ (م)
صفر
۱۰۰۰ ق.م
۲۰۰۰ ق.م
۳۰۰۰ ق.م
۴۰۰۰ ق.م
۵۰۰۰ ق.م
۶۰۰۰ ق.م
۷۰۰۰ ق.م
۸۰۰۰ ق.م
۹۰۰۰ ق.م
سالهای بعد از میلاد مسیح (م)
سالهای قبل از میلاد مسیح (ق.م)

مراحل مختلفهٔ تکامل زندگی انسانهای قدیم در کمون اولیه

وقت		وسایل کار	تولیدات	پیشه وشغل	انسانهای قدیم وطرز زندگی اشتراکی آنها	عقاید
از دوره‌های سال تا ۲۰۰۰۰۰ سال پیش از امروز	۱ـ آلهٔ قطع کردن ۲ـ آلهٔ کندن ریشه نباتات ۳ ـ چقماق	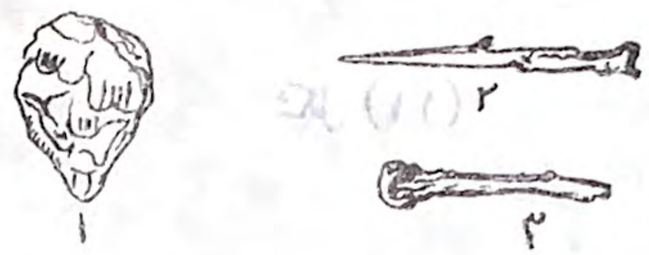		۱ـ دانه‌چینی ۲ ـ شکار حیوانات	گله های انسانی و مردم قدیم	
۳۰ هزار تا ۲۰ هزار سال پیش از امروز	۱ـ نیزه ۲ـ نیزه دندانه‌دار استخوانی ۳ـ آلهٔ تراشیدن پوست		لباس از پوست حیوانات	۱ـ دانه‌چینی ۲ ـ شکار ۳ماهیگیری	انسانهای عاقل وایجاد جامعهٔ طایفوی	پرستش حیوانات اعتقاد به روح پیدایش جادوگری
۱۳ تا ۷ هزار سال پیش از امروز	۱ـ تیر و کمان ۲ـ تبر ۳ـ کلنگ ٤ ـ داس ٥ـ کشتی ٦ کارگاه بافندگی	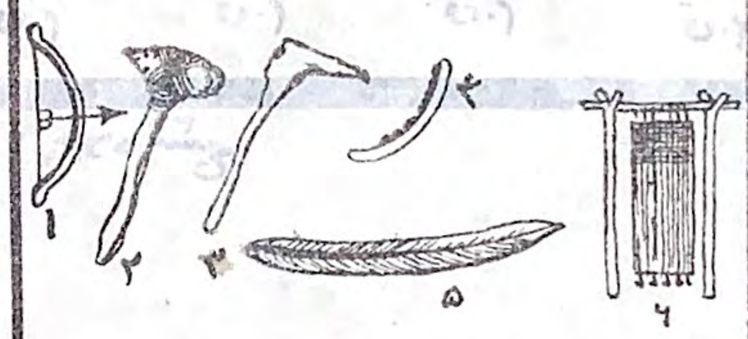	۱ـ لباس تکه‌یی ۲ـ ابزار گلی	۱ـ دانه‌چینی ۲ ـ شکار ۳ـ قلبه کردن توسط حیوانات	طایفه و قبیله	پرستش طبیعت پرستش مجسمه ها و دادن قربانی ها
٦ تا ٥ هزار سال پیش از امروز	۱ـ آله قلبه کردن ۲ـ تبر مسی ۳ـ داس مسی		۱ـ اسلحه مسی ۲ـ زیورات طلائی و نقره‌یی	۱ـ زراعت ۲ـ مالداری ۳ـ پیشه‌وری	تجزیه فامیل‌های بزرگ به فامیل‌های خورد آغاز بوجود آمدن نابرابری آغاز به قدرت رسیدن کلانهای قبیله	

شکل (۱۲)

(بخش دوم)

شرق باستان (پیدایش و تکامل دولت های برده داری در شرق

تمام انسانهای جهان قدیم زندگی اشتراکی داشتند که بنام کمون اولیه یادشده است. آنها به جمع آوری میوه‌جات وشکار مصروف بودند. به‌تدریج انسانهای کمون اولیه ازمرحله جمع‌آوری وشکار به‌زراعت ومالداری مصروف شدند. تقریباً ۹هزارسال قبل ازامروزدرجاهایی که‌آب وهوای معتدل وزمین‌های‌هموار وجود داشت‌مردم به‌زراعت‌مشغول بودند. اما درجاهای که چنین شرایط اقلیمی وزراعتی وجود نداشت زراعت چندین‌هزار سال بعد بوجود آمد. شرایط طبیعی شرق قدیم سبب‌شد که زراعت ومالداری بوضع خوب بهبود یافته‌ووسایل کار ازشکل ابتدایی بیرون‌شده ومکمل‌گردد. درشرق قدیم نخستین‌دولت‌های برده‌گی تشکیل‌شده که درزنده‌گی سیاسی،اقتصادی وکلتوری جهان قدیم رول مهمی را بازی کرده اند.

درین بخش کتاب تمدن های مختلف شرق باستان یکی بعد دیگر تشریح شده‌است. مطالعه تمدن ها ازنقطهٔ نظر تاریخ چه‌اهمیت دارد؟

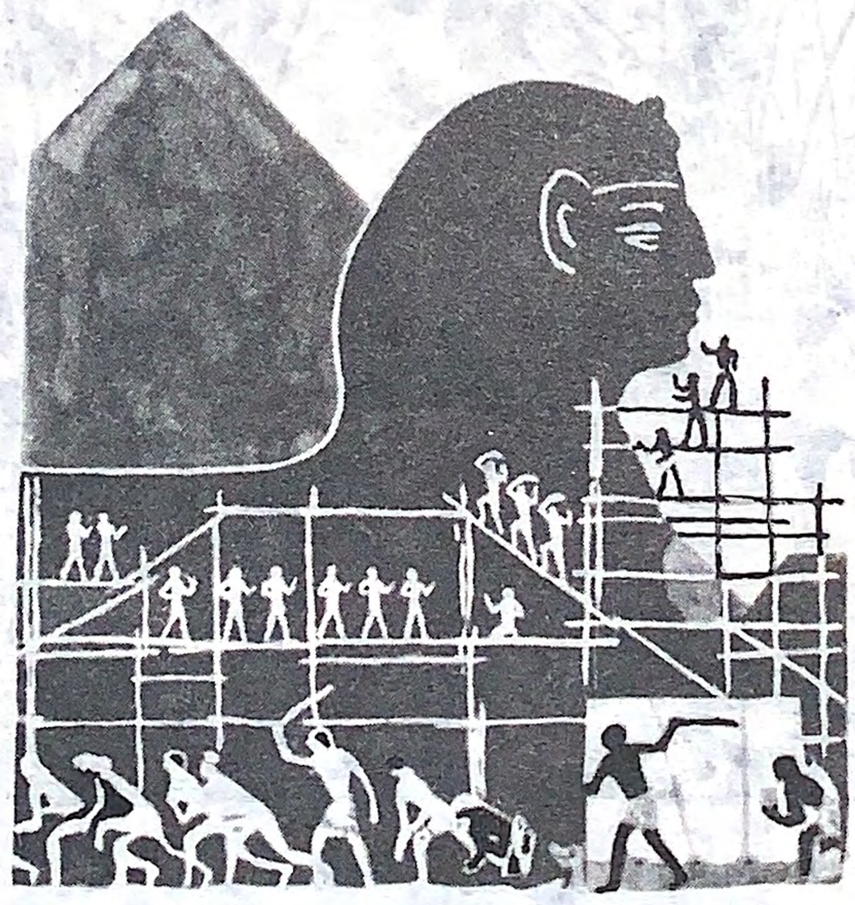

شکل (۱۳)

فصل سوم

مصر باستان

اوضاع طبیعی :

دریای‌نیل یکی‌ازبزرگترین‌دریاهای‌جهان‌است. این‌دریاازجهیل‌های بزرگ افریقای مرکزی سرچشمه‌گرفته به‌شکل دلتادربحیرهٔ مدیترانه‌میریزد.

منطقه ایکه دریای‌نیل ازآن‌میگذرد اقلیم گرم وبارندگی کم‌دارد. منطقهٔ مصر باستان عبارت بود اززمین‌های دوطرف دریای نیل ودلتای آن.درهٔنیل ازطرف غرب وشرق باکوههااحاطه شده‌منطقهٔ بیابانی‌وسنگلاخی بود وعرض آن‌تابیست کیلو متر میرسید.درماههای‌تابستانی آب جهیل هاییکه سرچشمه های‌نیل‌راتشکیل میداد از اثر بارندگی زیاد میشد .درنتیجه دریای نیل طغیانی گردیده زمین های دوطرف رازیرآب‌میگرفت .

شکل (۱۴)

بته‌زارهای پاپیروس درکنار دریای نیل

طغیان نیل گیاه‌ها و نباتات گندیده یی از خود باقی میگذاشت که برای زراعت منطقه بسیار مفید بود.

طغیان نیل تمام دره را یکسان زیر آب نیمگرفت بنابران در جاهای پست آب جمع شده باتلاقها را تشکیل میداد. جاهای بلند که در ان آب نمیرسید به بیابان تبدیل میشد. زمین های باتلاقی از پاپیروس (نی هاییکه بلندی آن تاچهار متر میرسید) و سوا حل ازبته ها و خوشه های جو و گندم خود رو پر بود. درجنگلها حیوانات در نده زنده گی میکردند.

اوضاع بشری:

دردورهٔ سنگ قدیم انسانها درمناطق مرتفع زندگی می کردند وهنوز درداخل درهٔ نیل راه نیافته بودند زیرا ازطغیان نیل میترسیدند. اما درهزارهٔ پنجم ق م (دورهٔ سنگ جدید) در کنار دریای نیل درجاهاییکه سیلاب های کوهستانی آب لازم برای زراعت فراهم میکرد سکونت اختیار کردند. آنها آهسته آهسته درپهلوی ماهی گیری وشکارزراعت و مالداری رانیز آغاز کردند. باآنهم زندگی شان بسیار

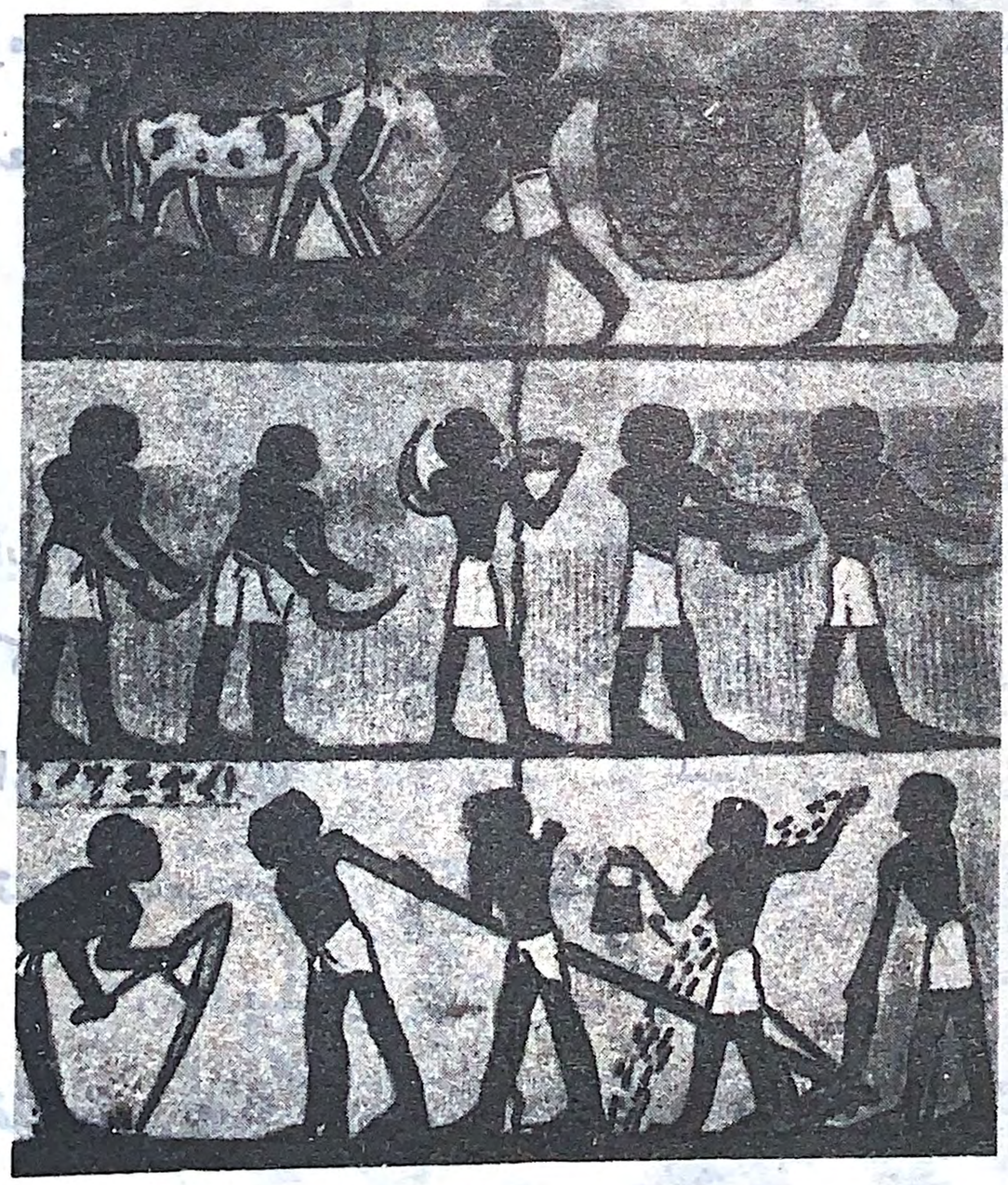

شکل (۱۵)

زراعت در مصر قدیم:

مسشکل وپرازخطربود . چنانکه طغیان نیل خانه های شانراویران میکـــرد، سپس بازحمت بسیاروباابزارساده مثل کلنگ وقلبهٔ چوبی ازباتلاق هاوبته زارها قطعه زمینی بدست میاوردند و کشت میکردند.

مصریان درین وقت زندگی اشتراکی داشتندوبه صورت قبایل بسیارابتدایی میزیستند بین قبیله هابرسرجاهای مناسب شکاروزراعت جنگ میشد.قبیله‌هاهنگام جنگ برای‌خود رهبریاسرکردهٔ جنگی انتخاب میکردند.درجنگ‌هااسیران‌جنگی رامیکشتند زیرا بکارشان احتیاج نداشتند .

کشف فلزات

درهزارهٔ چارم ق.م مصریان‌ساختن الات‌وابزارمسی رایـادگـرفتند . باساختن ابزارمسی دوره‌سنگ راپشت سرگذاشته واردِدورهٔ‌فلزات شدندومبارزهٔ شدیدی‌راباطبیعت آغازکردند.درزمین‌های‌باتلاقی زاهبر کشیدند . برای آبیاری زمین‌های‌خشك کانال هاکندندوبرای‌ذخیرهٔ‌آب‌بندهاساختند .

سرانجام دراثرکاردسته جمعی انسانها، کشف فلزات وبهترشدن ابزارکار، زمین های زیادی‌دردره ودلتای نیل قابل‌کشت شده زراعت ومالداری‌پیشهٔ‌اصلی مصریان‌گردید .

پیدایش پیشه ها :

کشاورزان مصرکرباس وبوریامیبافتند وازگل ظروف میساختند.امـا ابزارمسی وبرونزی راهـر کسی ساخته نمیتوانست .کسانیکه این کـاررا آغاز کرده بودند دراثرگذشت زمان درفلزکاری مهارت پیدا کـردند . مهارت هـا ازپدربه فرزند انتقال یافت .درنتیجه پیشه ورانی بوجود آمدندکـه شغل شان تنهاوتنهاساختن ابزارکار،اسلحه وآلات زینتی بود .

درابتدا پیشه وران تنها بـرای قبیلهٔ خود ابـزارمیساختند وازپول کـارخود غله باب‌رابه‌دست‌میاوردند.درنتیجه،رفت‌وآمدکشتی‌های‌پرازغله، چوب وابزار

شکل (۱۶)

ساحل دریای نیل درمصر قدیم جای خوبی برای کشت وزراعت بوددرقسمت راست د هقا ن زمین را کشت کرده در قسمت وسط یك عده دهقانان گندم را درو کرده ودرقسمت چپ یك دهقان دیگر ذریعهٔ دولچه ودارازنهر آبرا کشیده وزمین های قلبه شده را آبیاری میکند .

پیشه وری دردریای نیل آغازشد .

درهٔ نیل کـــه قبلاً برای زنده گی کردن جای خوبی نبود ازاثر کاروزحمت مصریان قدیم به یك منطقهٔ پر نفوس و آباد تبدیل گردید .

پیدایش طبقات :

دراثرتکامل ابزار کار دوران زندگی اشتراکی بپایان رسید. بابدست آمدن ابزارمسی یك خانواده کوچك به تنهایی میتوانست احتیاجات خودراازز مینی که دریای نیل آنراکود داده بـودتهیه کنند . ریش سفیدان قطعات زمین رابین خانواده هاتقسیم کردند بدینترتیب مالـکیت خصوصی پیداشد . یعنی هرخانواده ازخود خانهٔ جداگانه ،یك قطعه زمین معین ،ابزار کارخاص وچند حیوان داشت.

استثماربرده ها :

به تدریج سرکردگان وریش سفیدان قبیله قطعات بزرگی اززمین های درجه اول را برای خودگـــرفتند . آنهاهمچنان اسیران جنـــگی را نمیگشتندبلـکه به حیث برده در کندن کانالها،بندها ،خشك کردن زمین های زراعتی وچراندن گله ها استفاده میکردند . صاحبان برده هامیتوانستند که برده های خود را بکشند ویابه فروش برسانند برده ها ازخود چیزی نداشتند وغذای بخوروونمیرخود را ازاربابان میگرفتند .

استثمار دهقانان :

دراثر کاربرده هامحصولات برده داران ازمصرف شان زیاد ترشد .همچنان تأسیسات آبیاری ازقبیل بندها ، کانالها وذخایر آب دراختیاربرده داران قرار گرفته صاحب قدرت شدند . بنابراین دهقان مجبور بودند که مقداری ازحاصلات خودرا دربدل آب به برده داران بدهند . این کارباعث میشد که دهقانان غریب و نادارباقی بمانند .گاهی هم اینطورواقع میشد که دهقانان غریب ازبرده داران غله

قرض میگرفتند . اگر قرض به‌وقت معین داده نمیشد دهقان جز اینکه بردهٔ قرض دهنده شود دیگر چاره یی نداشت .

بدینسان درهزارهٔ چهارم ق . م طبقات بوجود آمد که بطور عمده یکی طبقهٔ ستمگر یعنی برده دارو دیگری طبقهٔ ستمکش یعنی بردگان بودند .

پیدایش دولت های برده دار در مصر:

بعد ازینکه روسای قبیله ثروتمند وبرده دارشدند برای سرکوبی دهقانان و بردگان ازخویشان ونزدیکان خود نگهبانان وعساکر نگاه کردند . نگهبانان وعساکر وظیفه داشتند که زمین های برده داران را نگهبانی کنند ، برده های فراری را

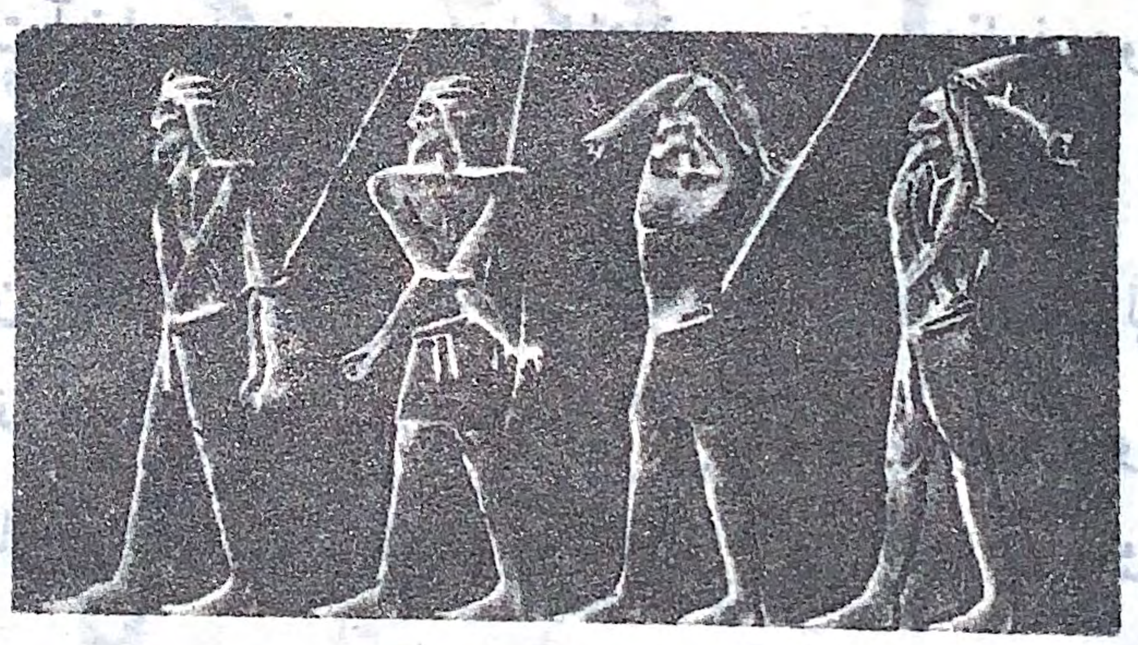

شکل (۱۷)

شکل (۱۸)

الف . رسم های مصر قدیم

ب . درشکل دیده میتوانید که اسیران چطور از ممالك مختلفه به مصر آورده می شد .

دستگیر نمایندو دهقانان و برده های نافرمان رالت و کوب کرده به‌زندان اندازند.
بازیادشدن عساکر و نگهبانان قدرت روسا نیز زیاد ترشد ناجائیکه دیگر در اجرای کارها باریش سفیدان مشوره نکرده به تنهایی تصمیم میگر فتند سر انجام همین روسای قبایل به‌پادشاهان تبدیل شدند و دولت‌های برده‌دار را تشکیل دادند.

درهزاره چهارم ق م . در مصر تقریبا چهل دولت بوجودآمده بود. بین دولت‌ها زدوخورد وجنگ جریان داشت. پادشاه دولت فاتح سرزمین های دولت شکست خورده را متصرف میشد ومردم زیادی رابه‌بردگی میگرفت . دراثر جنگها سرانجام دودولت بزرگ یکی درشمال ودیگری درجنوب تشکیل شد

درسه‌هزار ق.م. پادشاه مصر جنوبی دلتای نیل (مصر شمالی) رافتح کردویك دولت واحدبوجود آورد که پایتخت آن شهر ممفیس بود. پادشاهان مصر قدیم به‌نام فرعون یادمیشدند .

درزمان فرعون‌ها سرزمین مصر قدیم به‌ولایات تقسیم شد. درهرولایت یك والی ازطرف فرعون مقررمیشد. فرعون‌ها برای اینکه توده‌ها را تابع و فرمانبردار خود کرده باشند از ظلم وجبر و کشتار زیاد کار میگرفتند. یکی از فرعون‌ها برای پسرش چنین نوشته است :

« نافرمانان را نابود کن ، او را بکش ، نزد یکانش را از بین ببر و خاطره اش رامحو کن» .

همین فرعون نیز گفته‌است «خطرناکترین دشمنان همین تهی‌دستان استند»
فرعونها به‌سرکردگان جنگی وهمکاران خودزمین، برده وحیوانات می بخشیدند وبه‌این قسم آنهارادر اجرای وظایف شان که‌عبارت ازسرکوبی دهقانان و برده هابود تشویق میکردند .

شکل (۱۹)

حملات عساکر مصر در عهد فراعنه

شورش بردگان ودهقانان:

باوجودیکه فرعون هامبارزین رابیرحمانه به‌قتل میرساندنـد توده‌ها از خشم فراعنه‌وخدایان‌می‌ترسیدند، بازهم‌زحمتکشان ازمبارزه‌دست بردارنبودند. چنانکه قیام‌بزرگی درقرن‌هـژدهم ق‌م.رخ‌داد. درین قیام دهاقین، پیشه‌وران وبـردگان شرکت داشتند.

قیام کنندگان پایتخت راتصرف کردند. خانه‌های ثروتمندان راگرفتند. خودرا ارباب نامیدندو اربابان رابه‌خدمت خودگماشتند. اماقیام کنندگان نظام برده‌داری را ازبین برده نتوانستند.

زیرا آنهاهیچ نوع حکومت دیگری را غیرازبرده داری نمیشناختند. ازاین سبب شخص دیگری را به‌نام فرعون قبول کردند وشورش‌های داخلی موقتاً آرام شد. بعداز آرامش مؤقت اوضاع داخلی، فراعنهٔ مصر متوجه فتوحات شدند. به کشور های همسایه لشکر فرستادند. شهرها راویران کردند ومردم زیادی رابه بردگی گرفتند. البته زیادترین فتوحات درزمان توتمس سوم درقرن شانزدهم پیش از میلاد صورت گرفت.

سقوط دولت فراعنه:

دهقانان به‌امر فرعون خدمت عسکری رامیپذیرفتند درساختن راه ها، تعمیرات وبندها بیگار گرفته میشدند. علاوه برآن برای حکومت مالیه وبرای کاهن‌ها تحفه

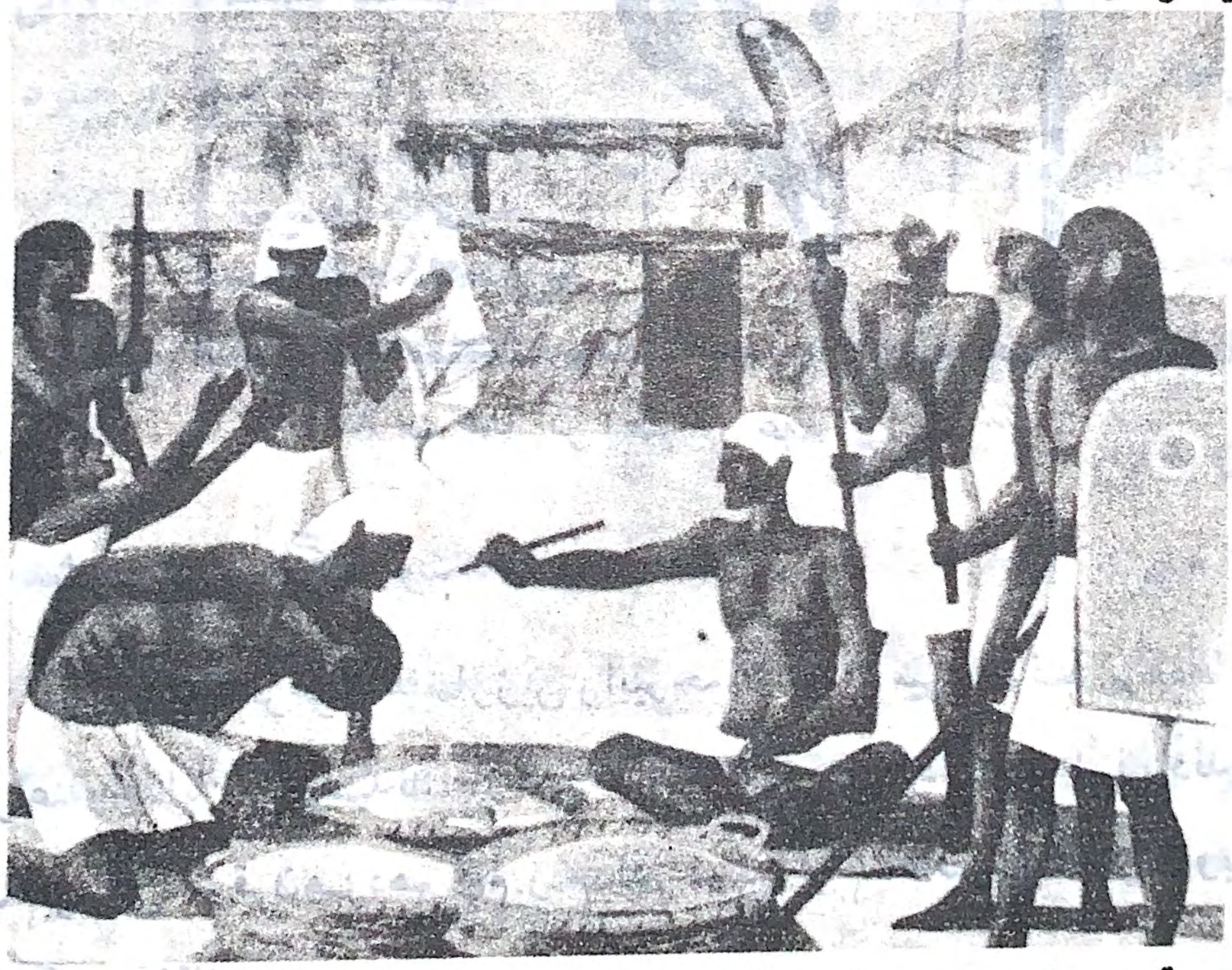

شکل (۲۰)

درمصرقدیم مامورین دولت مالیات رابصورت جنس ازحاصل کاردهقانان جمع میکردند.

وهدایا میدادند . بدترین وقت برای دهقان وقتی بود که مامورین جمع آوری مالیه بالای زمینش میامد ودهقان که‌از اثرشرکت درجنگهای‌فراعنه چیزی نداشت تابرای مامورین بدهد یالت وکوب‌میشد ویابازن وفرزندش‌طناب پیچ شده‌برای بازخواست برده میشد .

زندگی پیشه وران نیز بهتراز دهقانان نبود . آنهاهم در کلبه های خود کار میکردند وهم دستاورد های خود را به فروش میرساندند . تعداد دیگری ازپیشه وران زیر نظرمراقبان در کارگاههاییکه متعلق‌به فراعنه وکاهن هابود کار میکردند آنها برای‌اربابان‌آلات زینتی طلایی وبرخی زیورات دیگررا میساختند .یکی از مصریان قدیم زندگی پیشه‌وران راچنین بیان کرده است : نجاربیشتراز آنچه که دستهایش میتواند انجام دهد کارمیکند. بافنده‌یك‌روز تمام‌در کناردستگاه مینشیند گردوغبار کتان رابه سینه خود فرومیبرد. اومجبورمیشود نان خود را به مراقب بدهد تابتواند بیرون بیاید ودرهوای‌آزاد کمی تنفس کند » .

درکنار این عوامل مبارزهٔ خلقهای اسیرو ممالك مستعمره نیزادامه داشت . نفرت وبدبینی توده هانسبت‌به‌فراعنه‌وبرده‌داران روزبه‌روز زیادمیشد. سرانجام دراثرخانه خرابی روزافزون مردم،قیام برده‌هاودهقانان وشورش‌خلق‌های‌ممالك مفتوحه به‌میان آمد که‌دولت فراعنه مصررا سخت ضعیف گردانید . درآغازهزارهٔ اول ق.م نه‌تنهاممالکی راکه‌مصری‌ها تسخیر کرده‌بودندازدست‌دادند بلکه خاك مصرنیزمورد حملهٔ اقوام مختلف چون اثوریها،رومیهاوپارتها قرارگرفت وهر کدام برای مدتی این سرزمین تاریخی راباج‌گذارخود ساختند .

فرهنگ مصر قدیم :

مذهب : مصریان دردورهٔشکارودانه‌چینی خدایان خود رابصورت پرندگان وجانوران فکرمیکردند . پسانها تصویرخدایان راطوری میساختندکه بدن انسان وسرحیوان راداشت .

هنگامیکه زراعت پیشه ومالدار شدند به خدایان متعدد دیگری نیز عقیده پیدا کردند مهم‌ترین خدای شان را «راء» خدای آفتاب بود. آنها چون طلوع وغروب آفتاب رانمی فهمیدند فکرمیکردند که «را» هرروز با کشتی طلایی از آسمان میگذرد وشبها دربیابان میرود.

زمانیکه حکومت های برده داری رویکار آمدفراعنه نیـزبحیث نماینده‌های خدا قابل پرستش شناخته میشدند.

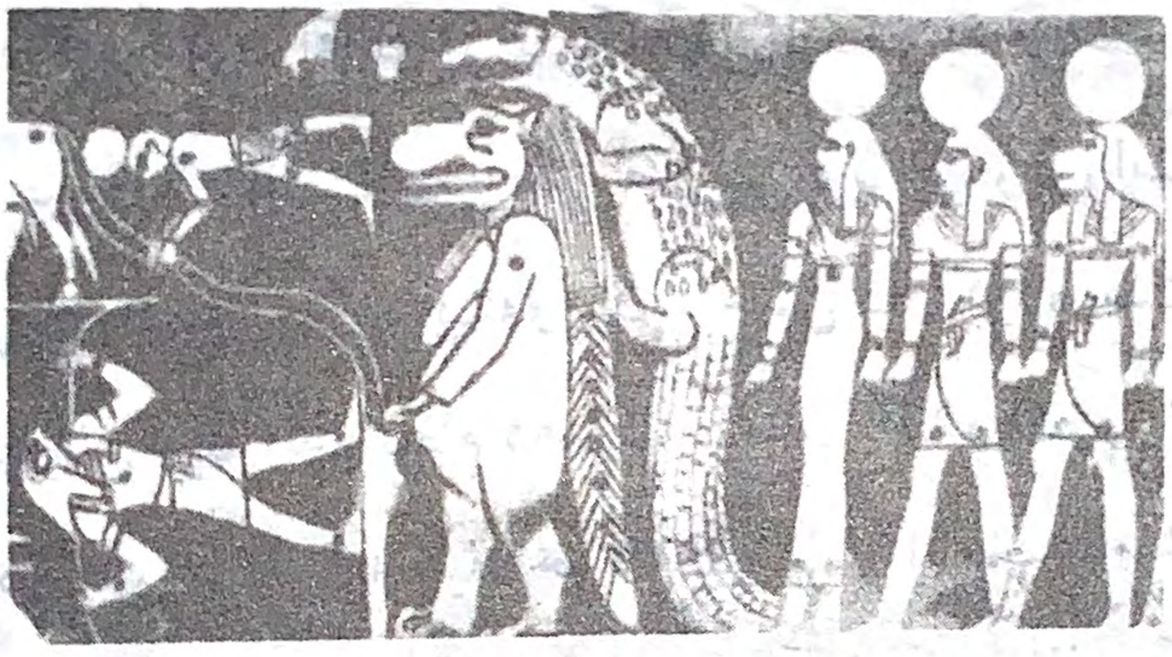

شکل (۲۱)

الف : تصویریکه ازقبربدست آمده وتصویرمصریان قدیم را دربارهٔ خدایان شان نشان میدهد.

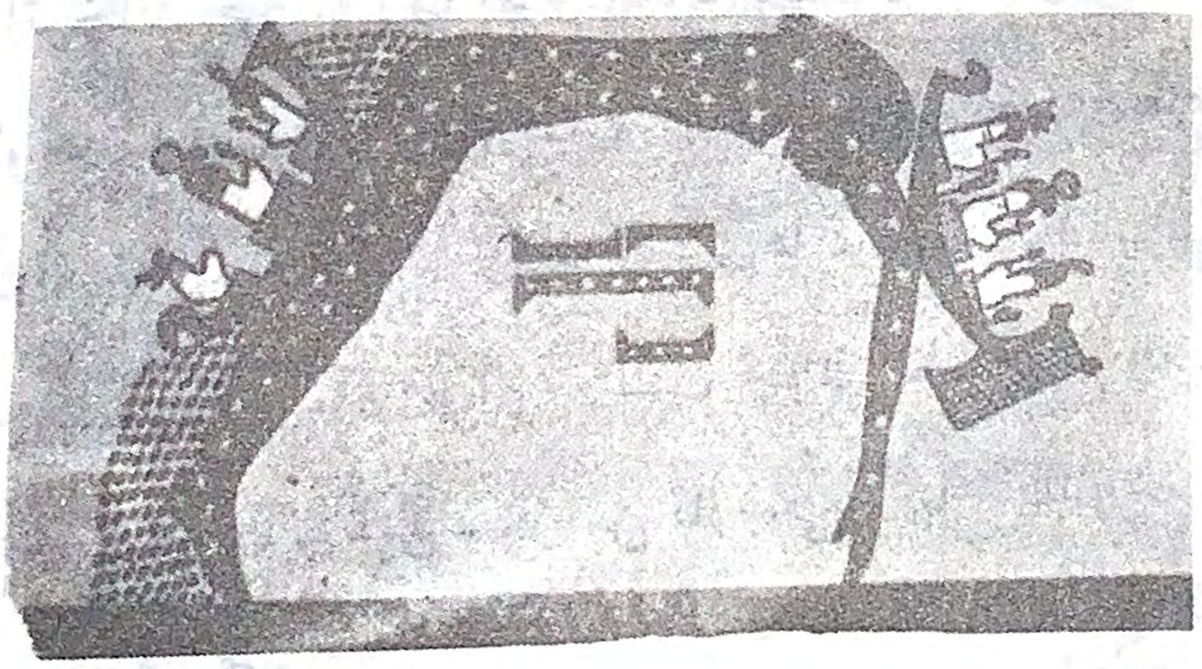

شکل (۲۲)

ب : مصریان قدیم عقیده داشتند کـه «راء» خدای آفتاب درروز در آسمان نمایان شده دنیارا روشن می کند وشب هادربیابان گم می شود.

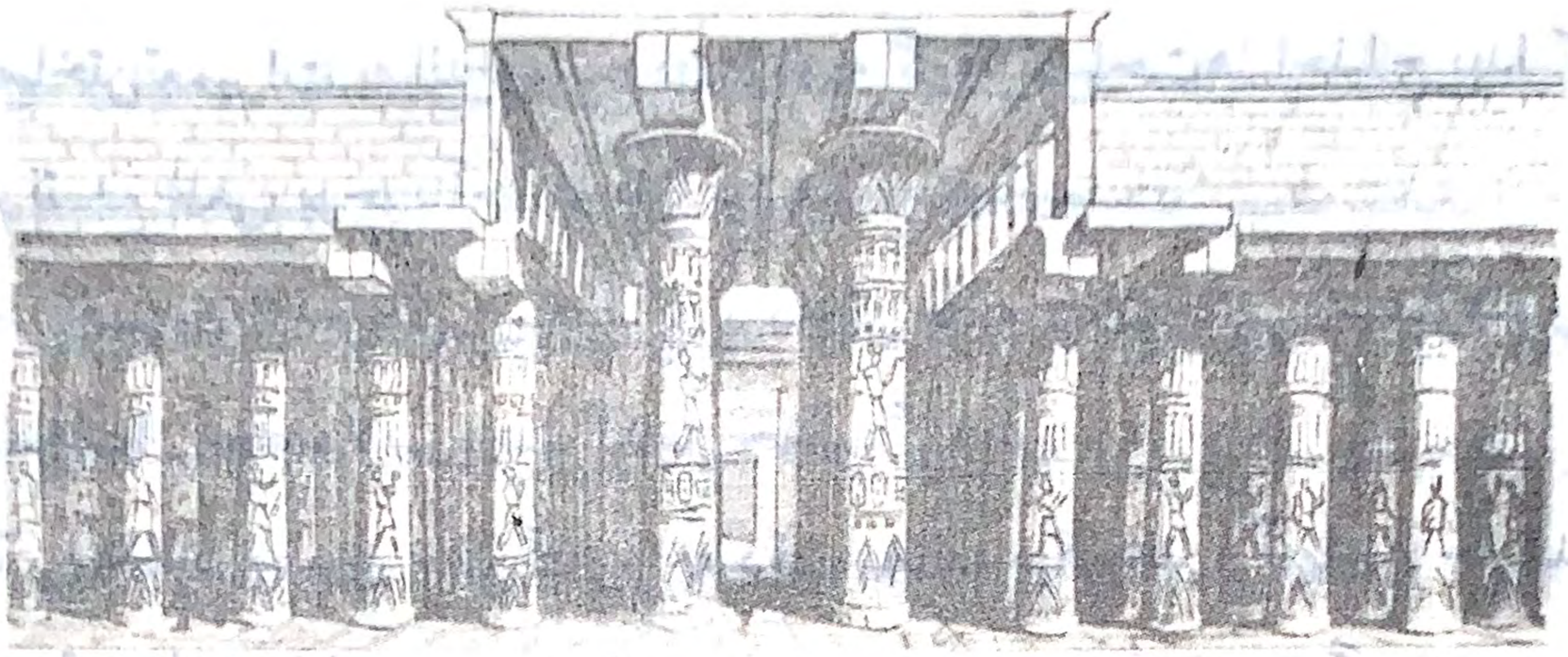

شکل (۲۳)

ج : معبد «راء» خدای آفتاب در کرنگ بلندی هریك ازستونهای وسطی ۲۲ متراست وروی قسمت بالای هر کدام آن تقریباً صد نفراستاده شده میتواند. این معبد ازطریق پنجره هاییکه درزیر سقف است روشن میشود. روی ستونها ودیوارها تصاویری از وقایع زمان ترسیم شده است :

مصریان قدیم برای خدایان خود معبد میساختند ومجسمه خدایان را درآن میگذاشتند معبد هادرابتدا بسیار کوچك بود واز گل ونی ساخته میشد اما پسانها تعمیرات سنگی بزرگ وقشنگی ساختند. درهرمعبد چند نفر خدمتگارخدایان بودند که کاهن هانامیده میشدند مصریان عقیده داشتند که کاهن هاباخداوندان صحبت میکنند. آنهامیتوانند پیغام خدایان رابمردم وازمردم رابه خدایان برسانند. فرعون هابه معابد، زمین وبرده میدادند. دهقانان غله وبرده داران طلاونقره می بخشیدند که همه این ثروت ودارائی به کاهن ها تعلق میگرفت .

در نتیجه کاهن ها خود به برده داران بزرگی تبدیل شدند.

بزرگترین معبد، معبد خدای آفتاب بود که بنام « امون » یاد میشد وهشتاد هزاربرده داشت . کاهن ها چون فراعنه راطرفدار وپشتیبان خود یافته بودندپس به طرفداری آنها تبلیغ میکردند و میگفتند : « فرعون خداست و نافرمانان امر فرعون مجازات خواهند شد. » بنابران مصریان دربرابر فرعون به خاك می افتادند وجای پایش را میبوسیدند .

علوم: توسعه کشاورزی، پیشه وری وساختن تعمیرات سبب پیدایش علوم مختلف مثل حساب هندسه و غیره شد . مصریان برای کندن کانال ها ، کشت زمین ها

وساختن تعمیرات به اندازه نمودن وزاویه گرفتن مساحت‌ها احتیاج پیدا کردند .
درنتیجه علمی بوجودآمد که ما آنرا هندسه مینامیم .

همچنان اندازه‌گیري مزارع پرداختن مالیه ،تخم پاشی ، مصارف روزانه ومحاسبهٔ محصولات باعث تکامل حساب گردید .

دهقانان مصری ستارگان را به دقت مطالعه میکردند . آنها متوجه شدند که دروقت طغیان نیل بعضی ازستاره ها وضع مشخصی رابخود میگیرند . پس ایشان ازاثر دقت وتوجه زیاد خود توانستند که موقعیت دسته‌یی‌ازستارگان رادرآسمان تعیین کنند . درنتیجه علمی بوجود آمد که ما آنرا استرونومی(ستاره شناسی) مینامیم . بالاخره به همین سلسله آنها تقویم را نیز درست کردند وگفتند که یک سال ۳۶۵ روزاست وبه ۱۲ ماه تقسیم میشود.

نمونه خط تصویری هروگلیف با معنی آن به زبان دری

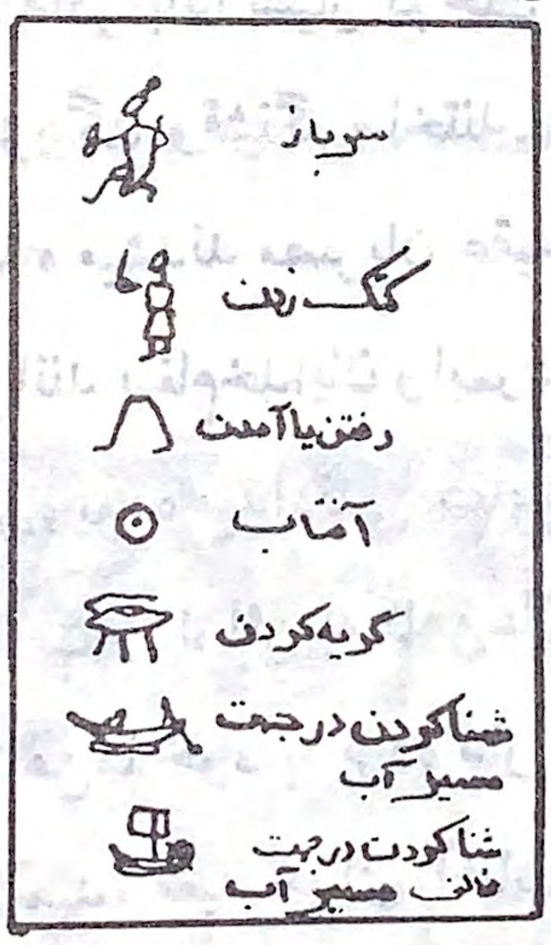

شکل (۲۴)

مصریان قدیم درهزاره چارم ق.م نوشتن را آغاز کردند . خط مصری که هیروگلیف نامیده میشد دارای الفبای تصویری بود . الفبای‌تصویری‌الفبای بود که نویسنده رسم چیزهای مورد نظرخودرا میکشید . مصریان در روی سنگ وپاپیروس مینوشتند . ساقه‌های پاپیروس‌رابه ورقه های‌نازک‌تبدیل میکردند سپس ورقه هاراکه مانند کاغذ بود بیکدیگر می پیوستندو نواری از پاپیروس به دست میاوردند . کتاب‌های پاپیروس به شکل طوماربود .

درمصر قدیم مرده‌های فراعنه و ثروتمندان مومیایی میشدند . بـرای مومیایی کردن اعضای داخلی بدن مرده‌هارا بیرون میکردند ؛ سپس جسد خالی شده را در محلول نمک‌تر مینمودند و درپارچـه های سفیدمی پیچیدند وقتیکه جسد خشک میگردید برای سالیان زیادی باقی میماند . بدین ترتیب علمای مصرقدیم از اثر مومیایی کردن مرده‌ها دربارهٔ اعضای داخلی بدن انسان معلومات حاصل کردند که درنتیجه علم طب پیشرفت خوبی کرد .

شکل (۲۵)

مکتب درمصر قدیم . این صنف ازصنف شما چه فرق دارد؟

نقاشی معماری و مجسمه سازی :

ازمصریان قدیم آثارنقاشی ومجسمه هاوساختمانهای سنگی زیادی باقی مانده است ومؤرخان ازروی همین آثار باقی‌مانده تاریخ مصرقدیم راروشن کرده اند.

چون مصریان قدیم به زندگی بعدازمرگ عقیده داشتند پس ثروتمندان برای مرده های خود قبرهای سنگی که دارای چندین اتاق بود میساختند . برروی دیوار های قبرتصویر کشتزارهای گندم وکارگاههاییکه درآن پیشه وران مشغـول کار بودند میکشیدند همچنان مجسمه های چوبی وگلی ووسایل لازم زندگی را در داخل قبرمی گذاشتندوفکرمیکردند که نقاشی های روی دیواربه کشتزارهای واقعی

ومجسمه‌ها به انسانهای زنده تبدیل میشوند و برای مرده کار میکنند . بـر علاوه تصویر فراعنه و معابد باتصاویر از مناظر طبیعی صحنه های جنگ و مجسمهٔ خدایان تزئین میشد تصویر فراعنه ومعابد آنها نشان میدهد که مصریان درمعماری پیشرفت زیادی کرده بودند . قبر های فراعنه ساختمان سنگی بزرگی بود که اهرام نامیده میشد بزرگترین اهرام، هرم فرعونی بنام خئوپس است .

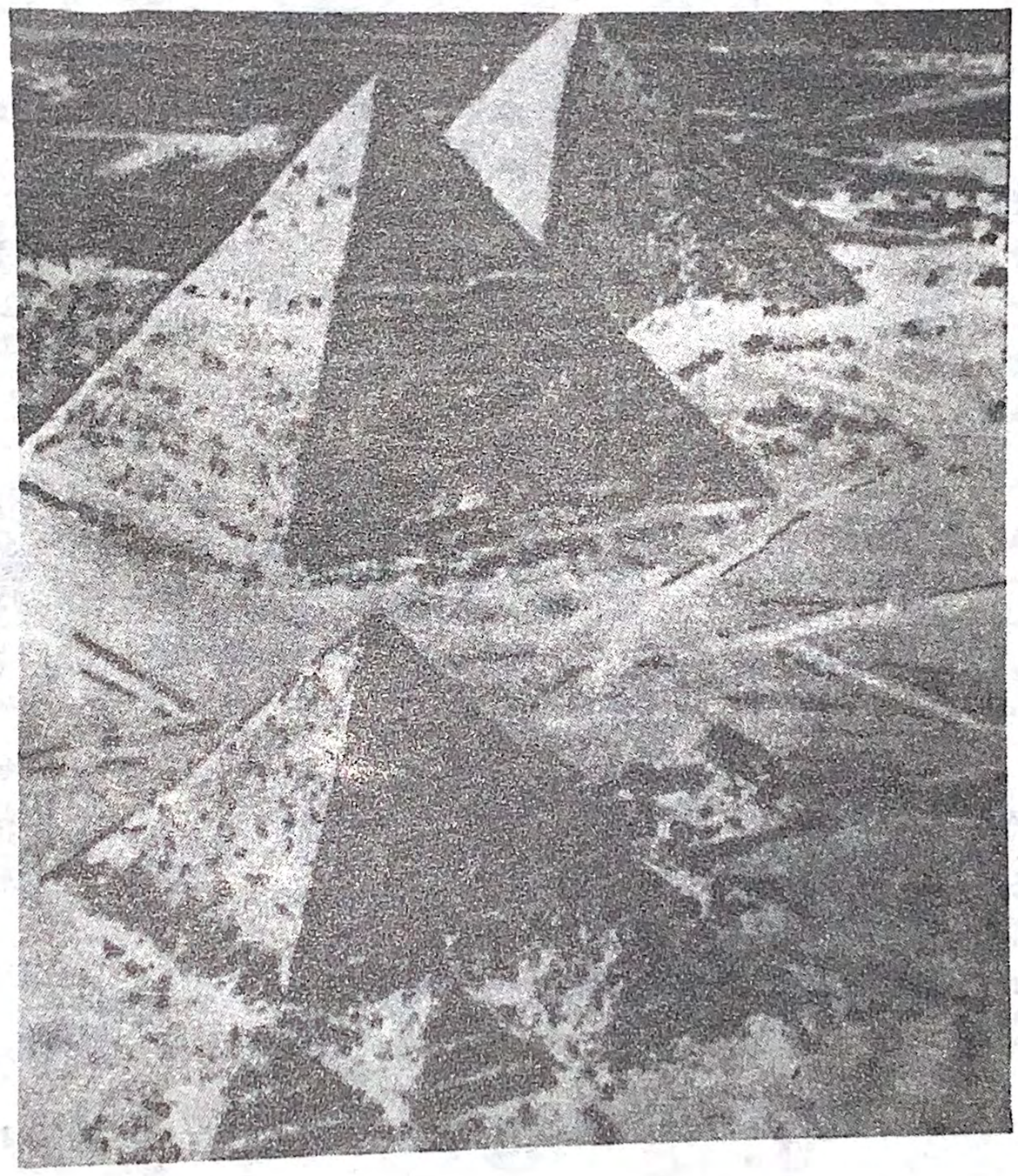

شکل (۲۶)

اهرام فراعنه مصر :

این عکس از طیاره گرفته شده است . از بالا به پائین هرم اول هرم خئویس است . پهلوی اهرام کلان اهرام کوچك برای خویشاوندان فراعنه ساخته شده بوده . هرم خئویس که بزرگترین هرم است در ۲۶۰۰ ق م ساخته شده است . این هرم ۱۵۰ متر بلندی دارد در ساختن ان روزانه تقریبا (۱۰۰۰۰۰) نفر کار می کرد و کار تعمیر آن تقریباً سی سال را در بر گرفته است .

شکل (۲۷)

عکس مجسمه ابو الهول است وبرای ان ساخته شده بود که اهرام فراعنه مصر را محافظت کند .

سوالات :

۱ ــ شرق باستان کدام منطقه را میگویند ؟

٦ ــ اهمیت دریای نیل را درپیشرفت مصر قدیم توضیح نمائید اوضاع طبیعی مصررا به غورخوانده جواب آنرا دریابید؟

۳ ــ مصریهای قدیم درمقابل سیلابهای نیل به چه مشکلاتی روبروبودند ؟

٤ ــ بوجود آمدن ابزار فلزی کار درپیشرفت زراعت ومالداری مصرقدیم چه تاثیری بجا گذاشت ؟

۵ـ پیشه وری در مصر قدیم چگونه بوجودآمد ؟

٦ـ در مصرقدیم مالکیت خصوصی چطور به میان آمد ؟

۷ـ درمصر قدیم برده‌ها از کدام مردم تشکیل میشدند ؟

۸ـ درمصر قدیم بین برده‌ها ودهقان چه‌فرق موجود بود ؟

۹ـ راجع به‌ظلم وستم فراعنهٔ مصر چه میدانید ؟

۱۰ـ دربارهٔ خرابی وضع دهقانان وپیشه‌وران مصرقدیم چند کلمه بگوئید .

۱۱ـ هندسه وحساب چگونه درمصرقدیم بمیان آمد ؟

۱۲ـ راجع به‌مجسمه سازی ومعماری مصرقدیم چه میدانید ؟

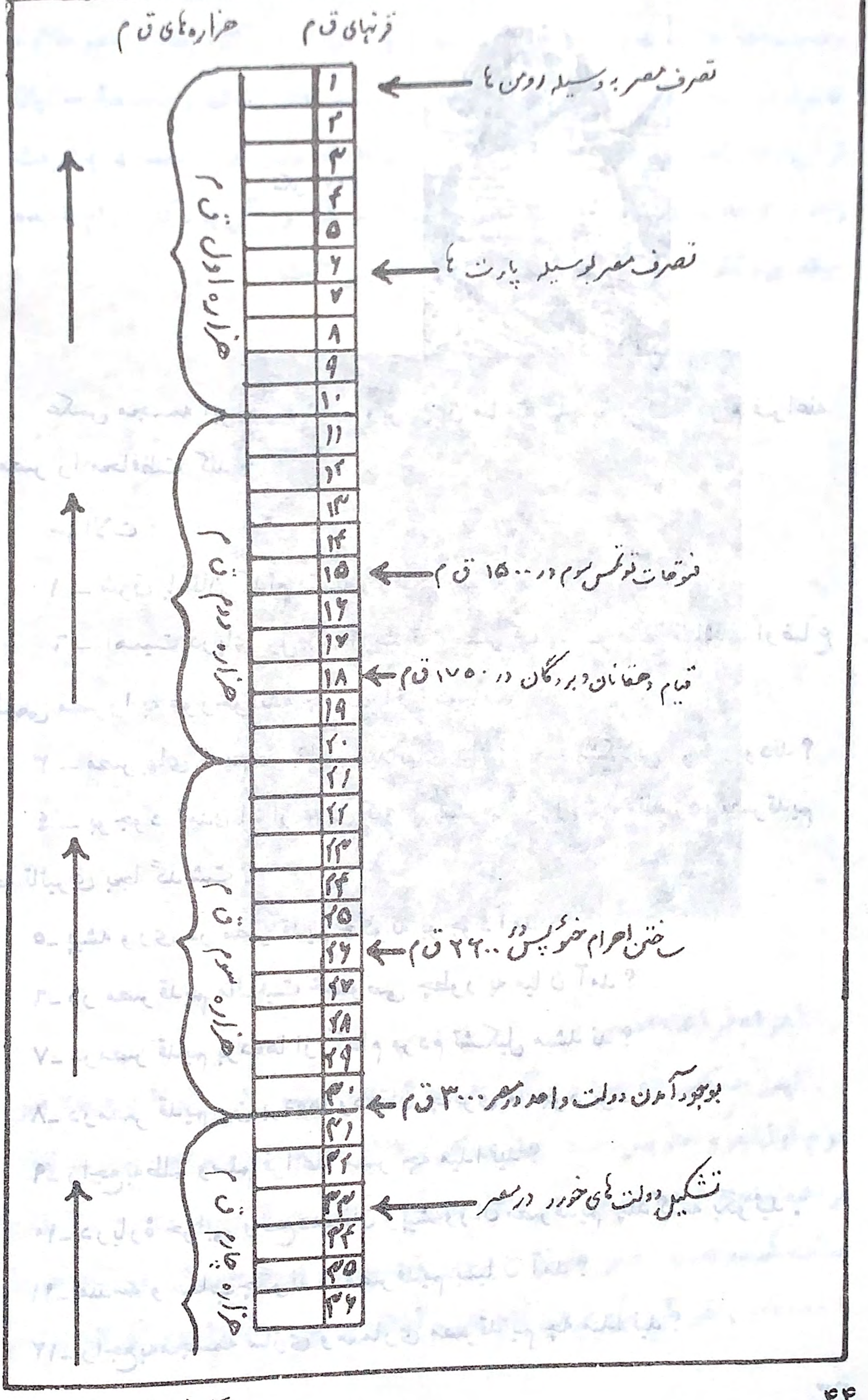
قرنهای ق م
هزاره‌های ق م
تصرف مصر بوسیله رومن ها
تصرف مصر بوسیله پارت ها
فتوحات فوتحمس سوم در ۱۵۰۰ ق م
قیام هیقسوس ها در ۱۷۵۰ ق م
ساختن اهرام خئوپس در ۲۶۰۰ ق م
بوجود آمدن دولت واحد در مصر ۳۰۰۰ ق م
تشکیل دولت های خورد در مصر
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶

شکل (۲۸)

فصل چهارم

بین النهرین

(عراق امروز)

وضع طبیعی :

درجنوب غربی براعظم آسیا دودریای بزرگ به نامهای دجله وفرات وجود دارد . دریاهای دجلـه وفرات از کوه‌های قفقاز سرچشمه گرفتـه درخلیج فارس می‌ریزند . منطقه‌ایکه در بین این دودریا واقـع است بنام بین النهرین یاد می‌شد

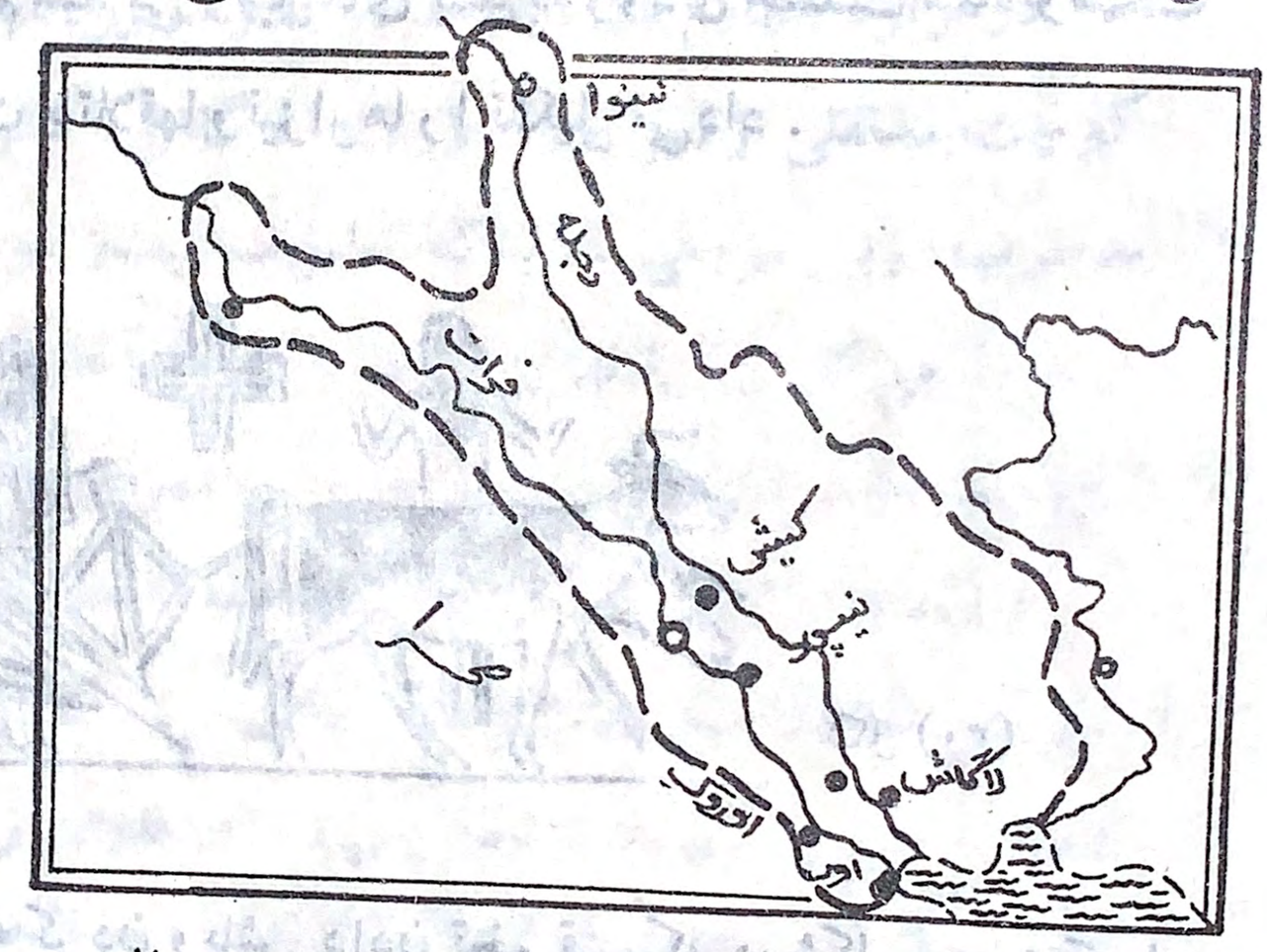

شکل (۲۹)

نقشه بین النهرین

۱ــ شهرودولت در ۳۰۰۰ ق م دربین النهرین بمیان آمد .

۲ـ سرحدات بین النهرین .

بین النهرین منطقه‌ای بود بسیار حاصل خیز، گل ولایکه سیلاب های دجله وفرات باخود می آورد باعث حاصل خیزی بین النهرین می گردید.

دربین النهرین تمدن های مختلفی مانند تمدن سومری‌ها اکادهـا، بابلیها و آثوری ها یکی پس از دیگـری به وجود آمد . هرکدام از تمدن‌های بعدی دوام وشکل تکامل یافته تمدن بیشترخود بود .

وضع بشری :

در هزاره چارم قبل ازمیلاد دربیـــن‌النهرین جنـــوبی بالای تپه‌هاییکه‌ازخطر سیلابها دوربود مردم زراعت پیشـــه سکونت اختیار کرده بودند . بین‌ا لنهریـن جنوبی بنام سومرومردم آن بنام سومریان‌یاد می‌شدند . سومری‌ها خانه های‌خود را درابتدا ازگل‌ونی می ساختند . خوراك خود را ازماهگیری، شکار ، مالداري وزراعت تهیه میکردند .

سومریان برای بدست‌آوردن یك قطعه کوچك زمین‌زراعتی مشکلات زیادی داشتند زیراطغیان دریاهاي دجله وفرات زمین‌های دوطرف رازیرآب‌میگرفت. اما بعد از پایان یافتن موسم سیلابی زمین‌های بلند به زودی خشك شده وسخت می گردید وزمین های پست باتلاقها ونیزارها را تشکیل می‌داد .

شکل (۳۰)

دربین‌النهرین قدیم قلبه کردن وپاش دادن تخم قسمیکه درشکل میبینیدیکجا صورت میگرفت .

سومریان با الات ابتدایی خود بصورت اشتراکی مجادله را با طبیعت آغاز کردند . سرانجام دراثر کارپر مشقت اشتراکی سومری ها درهزاره‌های سوم و دوم قبل ازمیلاد منطقهٔ بین‌النهرین به سر زمین سبزوخرمی تبـدیل شد . همچنان باتأسیسات آبیاری ازقبیل بندها ، زاهبرها وکانال ها محصولات زراعتی ماننـد جو ،گندم وخرما زیاد شد .

سومریان مس را درهزاره چارم ق،م شناختند. اما استعمال بیشتر مس واستفاده از برونز دراواخر هزاره سوم رواج یافت وپیشه های مختلف به وجود آمد.

پیدایش طبقات ودولت‌های برده‌دار:

دربین النهرین جنوبی مانند مصر تکامل کشاورزی، مالداری، و پیشه وری سبب تشکیل طبقات گردید. کار برده براي برده داران مهم شد. منابع اصلی بردگی را جنگها وخرید برده از کشورهای همسایه تشکیل می داد. برعلاوه کودکان نیز خرید وفروش می‌شدند. پسانها دهقانان وپیشه وران مقروض نیز به برده تبدیل می‌شدند.

درهزاره چهارم قبل ازمیلاد درجنوب بین النهرین (درسومر) دولت های کوچك ومستقلی ازقبیل اور، اوروك، لاگاشی، کیش، نیپور وغیره وجود داشت. سومریها اولین مردمی بودند که اساس مدنیت رادربین النهرین جنوبی گذاشتند دومین قومی که دربین النهرین جنوبی به مدنیت آغاز کردند اکادها بودند. هردوی این دولت ها دولت‌های برده‌دار اولی بین النهرین بودند.

برده‌داران ازبردگان درکارهای خانه، تاسیسات آبیاری، کشت و زراعت وچوپانی استفاده میکردند. تعداد زیادی ازبردگان به معابد تعلق داشتند. چون کاهنان زمین وبرده زیاد داشتند پس دارای قدرت زیادتری نیز بودند. همچنان حکام شهر نیزازبین کاهنان انتخاب میشدند. سرانجام فرمانروایان اکاد قدرت بیشتری یافتند سارگون شاه اکاد سپاهی مرکب از ۵۴۰۰ جنگجوی حرفه یی تشکیل داده به طرف جنوب لشکر کشی کرد وشهرهای سومر رایکی پس ازدیگری تصرف نمود.

شاهان اکاد ازتمدن سومریها تقلید نموده آن را زیاد تررشدوتکامل دادند. این‌شاهان زمینهای متعلق به جوامع اشتراکی را میخریدند وپول آن به روسای قبایل اشتراکی داده میشد بدینترتیب اموال جوامع اشتراکی بیش ازپیش به‌دست ثروتمندان می‌افتاد واکثریت‌مردم به مزدوران، اجاره‌داران وبردگان تبدیل

میشدند. بالاخره مرحلـه یی فرارسید کـه دولت اکاد دراثر شورش ها یبکـه بنابر فشار وزیاد بودن مالیات رخ داده بود ضعیف شد وتوسط قومی دیگربه نام

بابلیها سقوط کرد.

پادشاهی بابلیها :

بابل شهری بود که‌در کنار دریای فرات‌ودرسرراه تجارتی بین‌النهرین شمالی وجنوبی قرارداشت. حاصلات عمدهٔ بین النهریـن جنوبی غله باب وخرما بود. سومریها غله باب‌وخرمارا صادرمیکردند ودرعوض مواد ضرورت خود راکـه عبارت ازچوب‌وفلزات بود ازبین النهرین شمالی وارد مینمودند.

چون مبادلهٔ اموال ازراه خشکه‌وآب درشهربابـل صورت میگرفت پس در نتیجه بابل نظربه موقعیت خوب تجارتی خود به یك شهرپرتروت‌وبزرگ تبدیل شدوطبقات داراونادارد‌رآن شهرگرد هم جمع آمدند. به تعقیب تشکیل طبقات درآغازهـزارهٔ دوم پیش از میلاد دولتی کـه پشتیبان طبقه دارا بـود نیز تشکیل گردید. یکی ازپادشاهان باقدرت بابل حمورابی بود که درسالهای ۱۷۵۰–۱۷۹۲ قم میزیست. حمورابی فتوحات زیادی کردوسرتاسربین النهرین را بـه شمول بعضی ایالات همسایگان به تصرف خود درآورد.

شکل (۳۱)

۱ ۲

(۱)مجسمهٔ حکمران شهرلاکاش مربوط۳۰۰۰ق‌م

(۲)گوشهٔ یی ازلوحه‌گلی ایکه قانون حمورابی درآن نوشته شده است. در این شکل خدای بابلیان سمبول‌پادشاهی را به حمورابی میدهد.

حمورابی قوانینی را وضع کردکه بـه نفع طبقهٔ اشراف بودونام قـوانین حمورابی یاد میشود. باستان شناسان تخته سنگی راکه درآن قـوانین حمورابی نوشته شده ازبین النهرین یافته اند. تصویرحمورابی نیزدرگوشه یی ازاین‌سنگ قراردارد.

نمونه یی‌از قانون حمورابی :

۱ـاگر کسی به بردهٔ فراری پناه بدهد اورا بایدکشت.

۲ـاگرشخصی بردهٔ شخص دیگری را میکشت باید درعوض بردهٔای برایش میداد..

۳ـاگرشخص آزاد شخص آزاددیگررا میزد درعوض جریمهٔ نقدی باید میداد.واگرماموری را میزد شصت دره باید زده می‌شد.

دولت آشور:

دربین النهرین طوریـکه قبلا خواندیدگاهی یك دولت‌وگاهی دولت دیگر نفوذوتوسعه پیدامیکرد.

درقرون ۸ـ۷ق م دولت آشورقدرت زیادی پیداکردودرسواحل دریای دجله دولت مقتدری را بوجود آورد.

شمال بین النهرین که درقدیم به نام آشوریاد میشد منطقه‌یی بود کوهستانی. این منطقه موقعیت خوبی تجارتی داشت. به تدریـج در اثرمبادلهٔ اموال تجارتی ونفوذ افکارمختلف، آشوربیك منقطهٔ ثروتمندوپیشرفته تبدیل شد. آهسته آهسته طبقات بوجود آمدودولت طبقاتی نیزتشکیل گردید.

دولت آشوردرقرن هشتم پیش ازمیلاد دراثر فتوحات زیاد به اوج قدرت خود رسید. ونینوا پـایتخت آن یکی ازشهر های‌بزرگ محسوب‌میشد. اسوریها اسیران جنگی را به بیرحمی میکشتندوشهرها را خراب میکردند.

شکل (۳۲)

دراین شکل ببینید که آسوریها چگونه به بیرحمی اسیران را میکشتند.

اشراف اشوربا گرفتن زمینهای بخششی که ازطرف شاهان به ایشان داده‌میشد صاحب اراضی وسیعی شدند. همچنان روحانیون نیززمینهای وسیعی دراختیار خود داشتند که ازآن بهره داری فراوان میکردند. اما کشاورزان، بردگان و اسیران به شدت استثمارشده کارهای شاقه یی را متحمل میگردیدند.

دردورهٔ حکومت آشوربانیپال ازیکسوشورش برده ها آغازگردیدواز سوی دیگرممالک مفتوحه رابطهٔ خود را با آشورقطع کردند. سرانجام دولت آسور توسط پارس ها که درهمین زمان به قدرت رسیده بود سقوط داده شد. دراواسط قرن ٦ ق‌م در دورهٔ کوروش کبیر فارسیها به بین النهرین هجوم بردند ودولت آسور وبابل راسقوط دادند (دولت فارس درقرن ٦ق‌م) در شرق خلیج‌فارس تاسیسی گردیده بود).

کوروش شاه فارس در جنگ های آسیای میانه از بین رفت و مردم آنجا مقابل پارسیها مقابله های شدیدی کردند. بعد از مرگ کوروش عسکر پارس به مصر حمله برد ودرسال ۵۲۸ ق‌م آنجارا فتح کرد.

در اواخر قرن‌ششم‌واوائل قرن‌پنجم ق‌م‌فارس‌در عهد پادشاهی داریوش‌اول دولت بزرگی گردید.

شکل (۳۳)

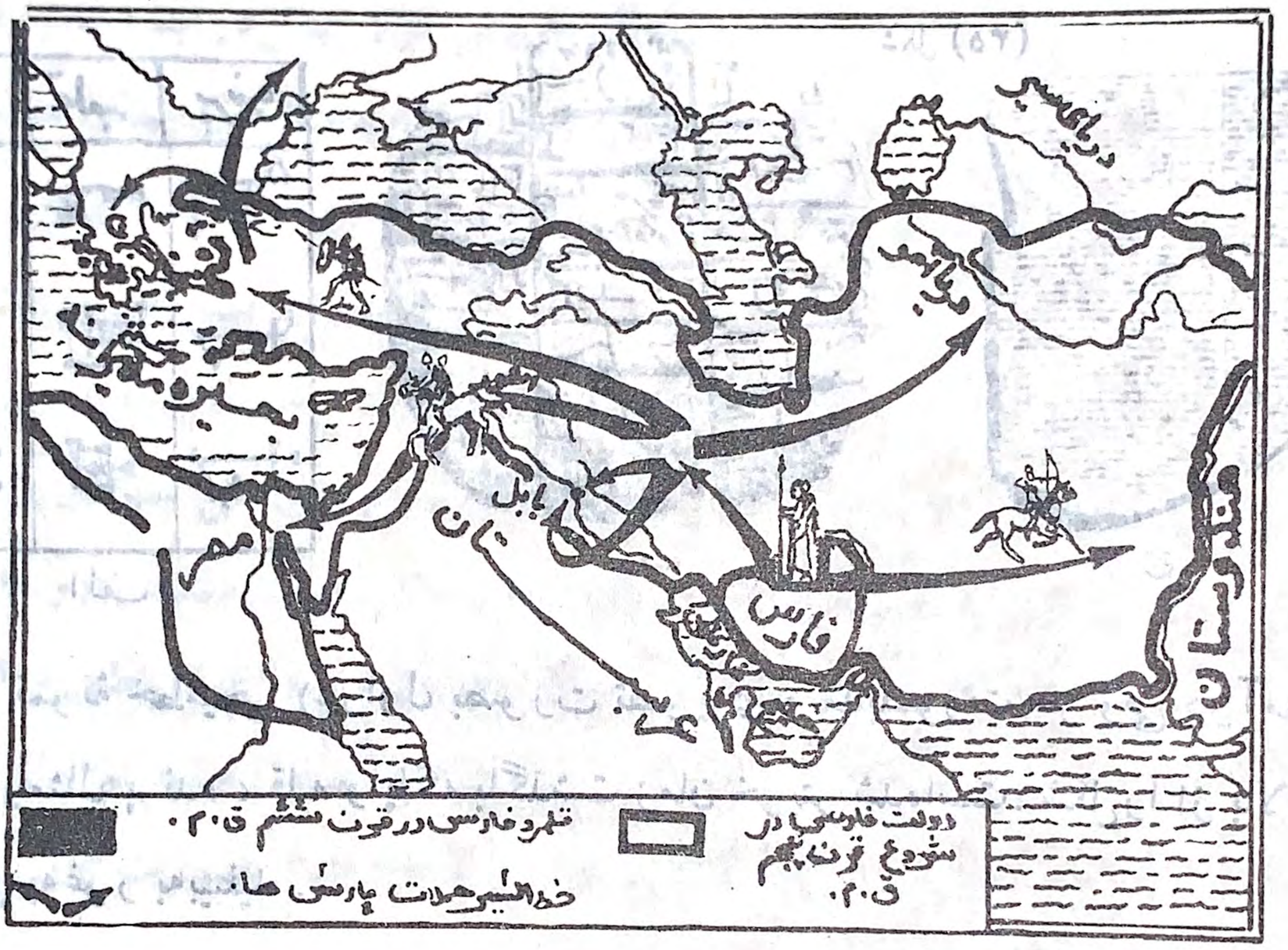

پارسی هااز ممالک مفتوحه مالیه میگرفتندوجوانان انهارابه‌خدمت عسکری میفرستادند. مردم شهر های ممالک مفتوحه که گاهی ازدادن مالیه خود داری وبمقابل‌پارسیها قیام وایستادگی میکردند به‌بیرحمی کشته میشدند.

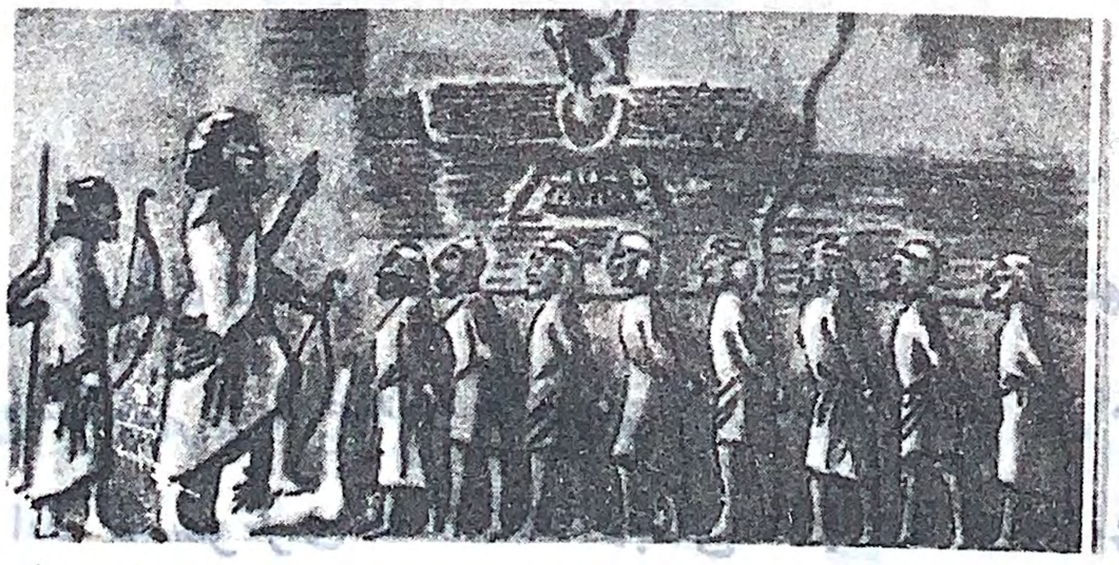

شکل (۳۴)

ادرایوش در حال سرکوبی شورشیان.

درین تصویر شورشیان دست بسته بمقابل داریوش استاده میباشد.

فرهنگ :

اساس فرهنگ بین‌النهرین را سومریان درهزاره چارم قبل از میلاد گذاشتند. پسانها اکادها ، بابلیان وآثوریان نیز به‌نوبهٔ خود در انکشاف آن سهم گرفتند. تمدن وفرهنگ بین‌النهرین ازسببی‌اهمیت زیاد دارد که‌نه‌تنها اولین قدمهایی

شکل (۳۵)

نمونهٔ خطمیخی (دراول بصورت تصویری وبعدبصورت حروفی درآمد) بطورمثال پرنده ، قلبه و پاکه باگذشت زمان خوبتر شده‌است. شکل‌را از بالا به پائین به‌غور به‌بینید .

به طرف‌علم ودانش بود بلکه سبب‌انتشارعلم به کشور های دیگر مانند سوریه فنیقیه‌فلسطین فارس‌ویونان نیز گردید. پسان ها ازطریق یونان به روم وسایر کشورهای اروپا راه علم ودانش‌مدنیت بین‌النهرین بازشد.

خط :

ازبین‌النهرین لوحه های گلی یافت شده است که بروی آنها خطوط خورد وبزرگ به‌اشکال مختلف کشیده‌شده. تابسیار وقتها کسی نمی‌فهمید که‌این‌خط ها وشکلهابر روی‌صفحه های گلی چی‌معنی‌دارد. لاکن‌امروز دانشمندان تاریخ‌دریافته اند که سومری ها اکادها وبابلی ها یادکارهای مهمی را بروی لوحه های گلی باقلم میخی نوشته و آنهارا در آتش پخته می کردند . ازین سبب خطی که در

بین النهرین برای اولین بار بمیان آمد بنام خط میخی یاد میشود

در بین النهرین لوحه‌های گلی یافت‌شده که در آن وقایع سال، زمان‌های پادشاهان، آثار علمی، قوانین حکایات وچیزهای دیگر بخط میخی نوشته شده است.

مذهب

در بین النهرین مذهب باتغییرات زندگی تغییر می کرد. یعنی در ابتدا که زراعت ومالداری مروج بود سومریان برای دریای دجله وفرات خدایانی داشتند. همچنان خدایی برای حاصلخیزی وطوفان داشتند. درشروع وختم کارهای زراعتی مراسم و جشن ها برگزار میکردند. پسان هادر دورهٔ بابلیان چنین فکر می‌شد که خدایان ارواح نجیبه بانسان کمک کرده وخدایان ارواح خبیثه بیماری ومرگ نازل میکند. خدایان ارواح نجیبه با خدایان ارواح خبیثه می جنگد. ازین سبب قربانی ها داده وارواح مختلف را پرستش میکردند. روحانیون دربدل نذر وقربانی به مردم میگفتند که ارواح شیاطین و اجنه را تسخیر می کنیم و بیمار را از مرض و هلاکت نجات میدهم. از این جهت پیشه روحانی گری که عاید زیادی داشت بصورت ارثی به اولاده هایشان انتقال میکرد.

شکل (۳۶)

خدای ارواح نجیبه (مردوک) درحال مقابله با ارواح خبیثه که بصورت عجائب المخلوقات نشان داده شده است.

علوم :

طغیان دریاهای دجله و فرات مردم بین النهرین را وادار می ساخت که برای تنظیم شبکه های آبیاری و تعیین حدود ساحه زمینهائیکه توسط سیلاب هموار میشد هرچه بیشتر فکر خود را بکاراندازند. به این ترتیب اولین فعالیت های هندسی و ریاضی بمیان آمد. حساب درابتدا توسط انگشتان دست صورت میگرفت و پسان ها عملیه های جمع، منفی، ضرب و تقسیم برای اولین بار در بین النهرین بوجود آمد.

چون طغیان های دجله و فرات در یك وقت معین سال صورت میگرفت، مردمان بین النهرین از روی تغییرات آب و هوا و مشاهدات ستاره ها فصل های مختلف سال را تشخیص دادند. تعداد روزهای سال را یافته وسال را به ۱۲ ماه تقسیم کردند. چون شکل ماهتاب درهر بیست وهشت روز تغیر میکرد از آن سبب هر تغییر مکمل مهتاب را یك ماه قمری دانسته و آن را به چهار قسمت تقسیم کردند که به این طریق هفته را دریافتند. همچنین مردمان بین النهرین دریافتند که یك روز دوازده ساعت است. همچنان پنج ستاره ای را که امروز بنام عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل یاد می شود می شناختند. پسانها در بین النهرین علم نجوم یا ستاره شناسی بحدی پیشرفت که آفتاب گرفتگی و مهتاب گرفتگی را پیش گویی میکردند.

سوالات

۱ — در بین النهرین کدام دریاها وجود دارد؟ آنها را نقشه کتاب خود پیدا کنید.

۲ — سومریهای قدیم چه کسب و کار داشتند ؟

۳ — سیلابهای دجله و فرات چه مشکلاتی را برای مردم انجا بار میاورد ؟

٤ — قانون حمورابی شاه بابل به نفع کدام طبقه جامعه بود ؟

٥ — در اشور کدام طبقه مردم صاحب زمین های زیادی شدند و آنها زمین هارا از کجا بدست میاوردند ؟

۶ ــ چرا ابزار آهنی نسبت به ابزار مسی و برنجی برای مردم بین النهرین مفید تر بود ؟

۷ ــ راجع به خط قدیم بین‌النهرین چه میدانید؟

۸ ــ مردم بین النهرین چطور سال ، ماه و هفته را پیدا کردند ؟

۹ ــ مصر و بین‌النهرین را از نگاه شرایط جغرافیائی باهم مقایسه کنید ؟

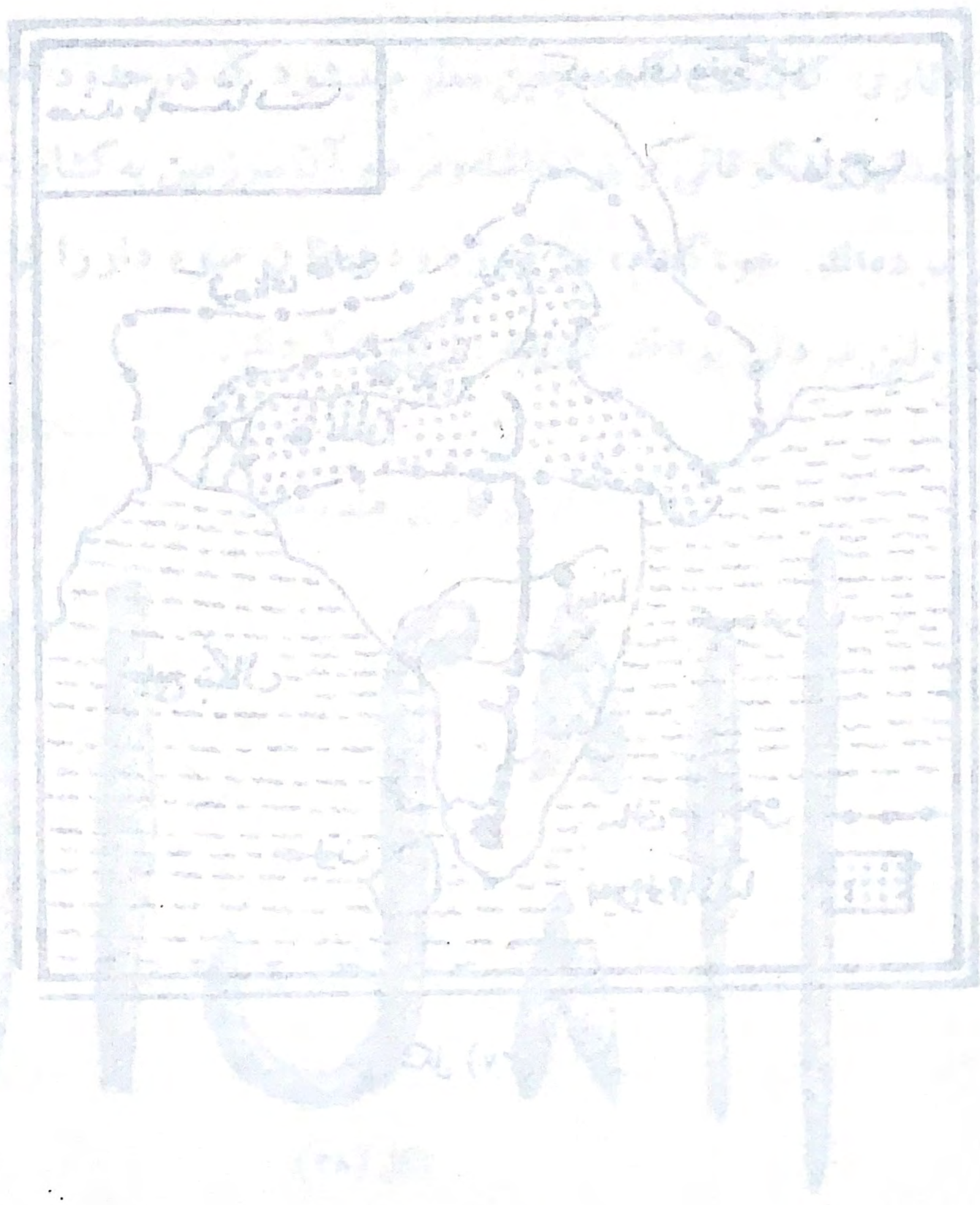

فصل پنجم

هند باستان

هندسرزمین وسیع و زیبا ئیست که ازقدیم شناخته شده است . تحول وتکامل این کشور بسیار شگفت انگیز است .هند مدنیت ها، علوم ومذاهب زیادی رادر آغوش خود پرورده وبه جهانیان ارمغان داده است .

شاعران و هنرمندان هند درسراسر جهان شهرت دارند داستانهای عجیب ودیدنیهای پرآوازهٔ آن بسیاری از کشورکشایانرا مانند اسکندرمحمود غزنوی بابر، نادرافشار، احمدشاه درانی، اروپایی ها بخصوص انگلیسهابسوی خود کشانیده است .هرکدام شان بخاطر اینکه هند ثروت زیاده داشت کوشیده اندکه هند را فتح کنند .

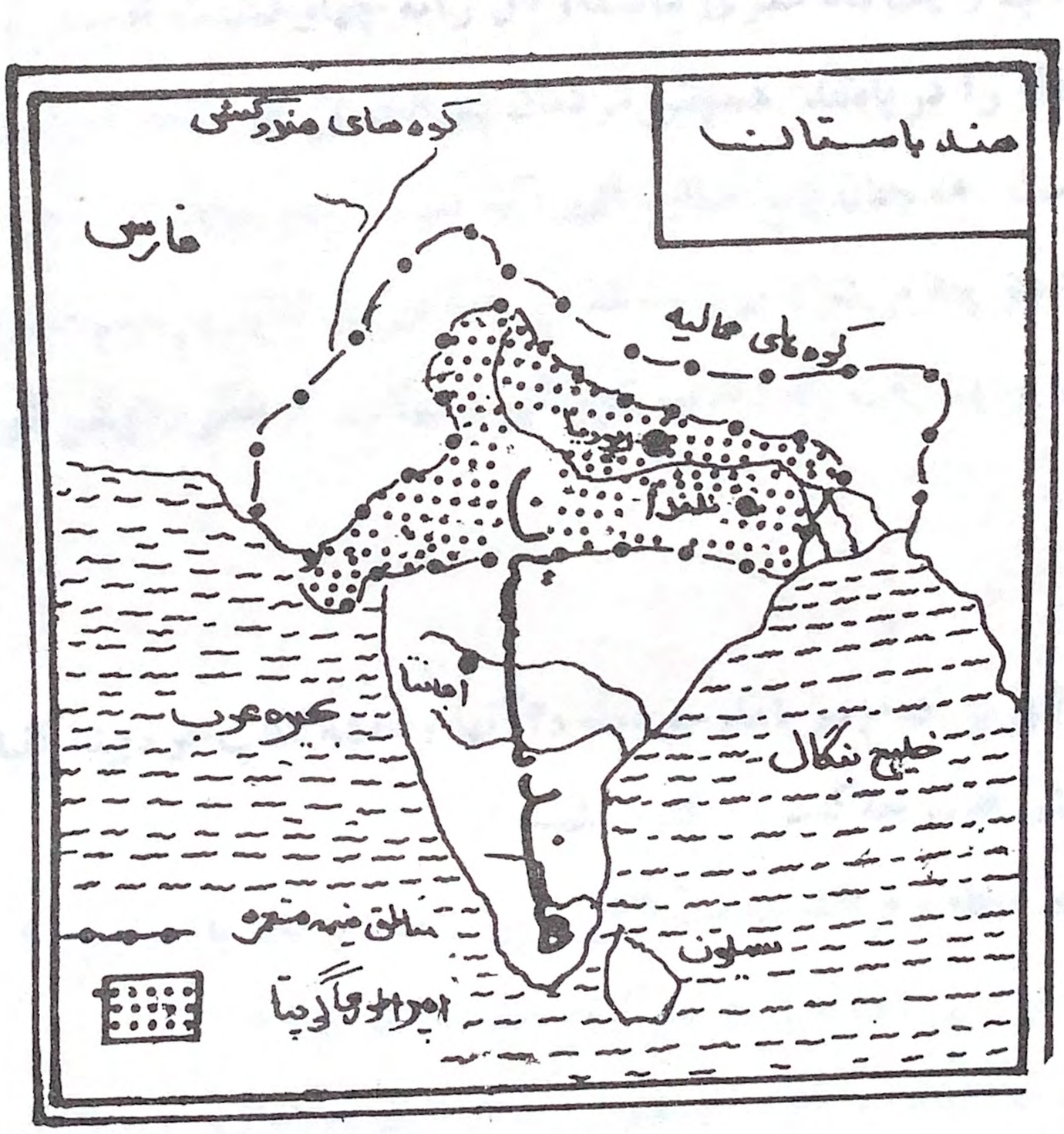

شکل (۳۷)

اینك دربارهٔ اوضاع طبیعی، بشری، تمدن قدیم، طبقات مردم، دولت و فرهنگ این کشور کهن سال وافسانوی مختصرا معلومات داده میشود.

وضع طبیعی وموقعیت:

هند جزیره نمای بزرگی درجنوب آسیاست که از سه طرف به بحرو از یکطرف یعنی ازشمال به خشکه متصل است. نیم قارهٔ هند دارای کوههای زیادی است که بلندترین آن کوه همالیاست. این نیم قاره دریاهای زیادی هم دارد؛ از قبیل سند، گنگاوجمناو برهماپوترا. برهماپوترادرخاك بنگله دیش جریان دارد. گنگا وجمنا ازدریاهای مشهور هند استوهندوها این دو دریارامقدس میدانند. چون هندبخط استوا نزدیك است؛ آب وهوای خیلی گرم دارد. درتابستان باران زیادی می بارد وزمستان آن خیلی ملایم است هنداز راه خشکه وبحر بجهان خارج راه دارد.

مشغولیت مردم هند باستان:

ازآثاری که بدست آمده چنین معلوم میشود که درحدود ۳۰۰۰ سال ق م. درهند تمدنهای شگوفانی وجود داشته ومردم آن سرزمین به کشاورزی ومالداری مشغول بوده اند. جو، گندم، خربوزه ودرختان میوه دار را تربیه میکردند. هندیان اولین مردمی بودند که پنبه راکشت کردند.

ابزارفلزی هندباستان

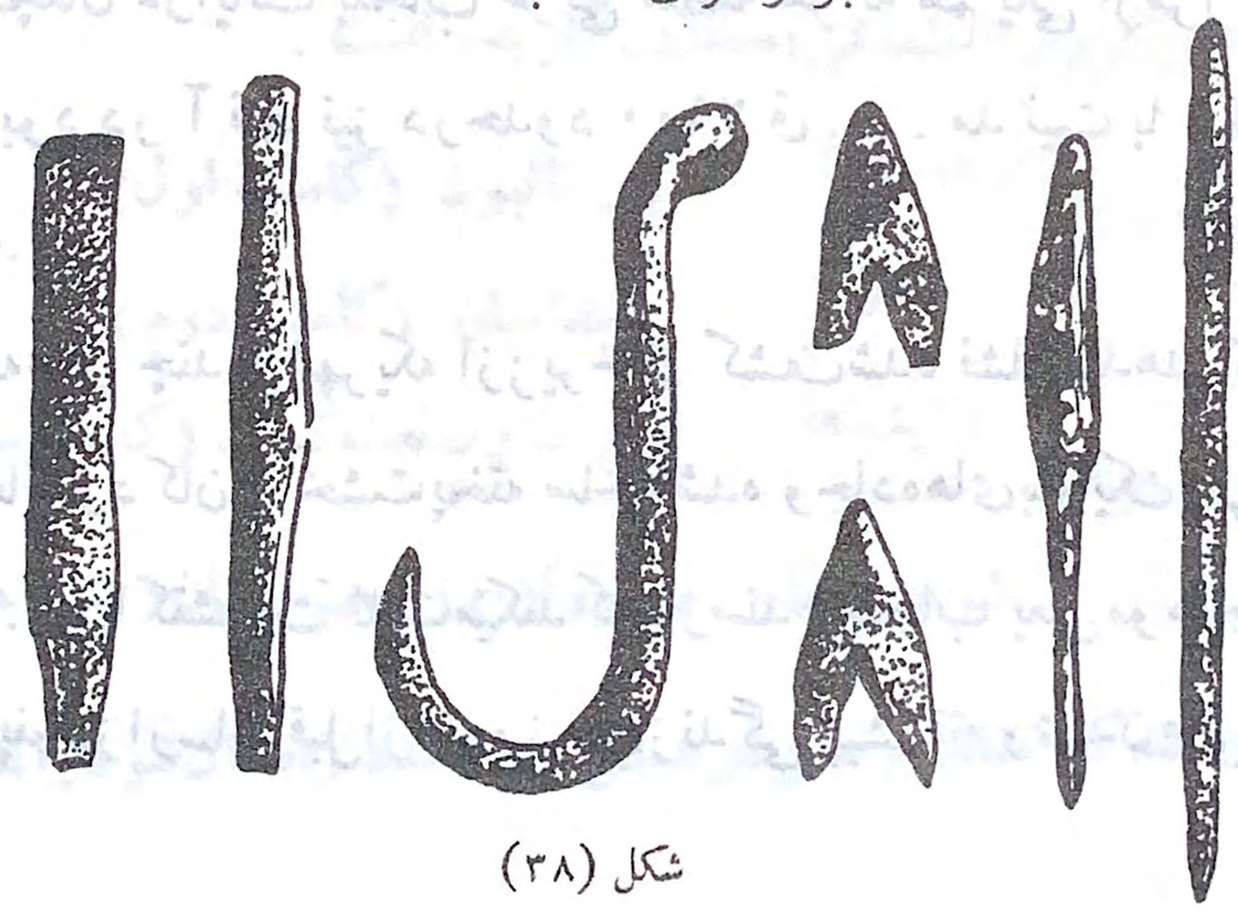

شکل (۳۸)

ازمفرغ (برنج) ابراز کار (داس، تبر وقلم حکاکی) ، ابراز خانه (چاقو ، ظروف ، آیینه ، تیغ ریش‌تراشی) واسلحه (خنجر ،تیر) میساختند. دیگر رشته‌های صنایع دستی مانند ریسندگی، بافندگی، خشت پزی ،سفالگری، زرگری‌وجواهر سازی وغیره‌هم تکامل یافته‌بود. تجارت‌در هند رواج داشت . تاجران هندی درخارج باممالک همسایه وروم روابط تجارتی داشتند .

قدیمترین شهرهای هند:

درهند مثل جاهای دیگر بقایای تمدن اززیرخاك بدست آمده است . آثار دورهٔسنگ جدید درتمام ایالت‌های هند پیداشده‌است. اینک‌مراکز قدیم‌وشهرهای مهم هندراکه درروزگار باستان‌ازنگاه مدنیت‌وعلم‌شهرت‌داشته‌اند مطالعه‌میکنید.

حوزهٔسندوپنجاب:

درسند منطقه ای است که موهنجودارو نام دارد . درآنجا دراثر حفریات اززیرتوده‌هاي خاك‌شهري کشف‌شد. اثاری که‌ازان‌شهر بدست‌امده‌خیلی باارزش است . مدنیت‌موهنجودارویکی ازقدیم ترین‌مدنیت‌هاي جهان بشمارمیرود .دراین کشفیات‌دیده‌شد که‌درموهنجودارو خانه‌های‌دوطبقه یی‌وجود داشت که ازخشت پخته‌ساخته‌شده‌بود. درین‌شهر حمام‌ها ،اتاق‌ها برای‌ملازمین اتاقهای‌سکونت‌وغیره وجودداشت باستانشناسان‌میگویند که این‌تمدن درسال ۲۹۰۰ق م. بوجود آمده است ، همچنان درایالت پنجاب غربی منطقهٔ هراپه هم یکی ازمراکز مدنیت های قدیم هند بود در آنجا نیز درحدود ۲۹۰۰ ق . م . مدنیت باشکوهی بوجود آمده‌است.

ویرانه‌های چندین‌شهریکه اززیرخاك کشف‌شده نشان‌میدهد که‌دران ناحیه هم‌صدهاخانه ودکان ازخشت‌پخته ساخته‌شده وجاده‌های‌باریک‌وبرداربرموجود بوده‌است. این‌اکتشافات ثابت‌میکند که درسند وپنجاب یعنی موهنجودارووهراپه درحدود پنجهزارسال قبل‌ازامروز یك‌زندگی پیشرفته وتمدن‌عالی وجود داشته

است. این شهر درهمان وقت دارای چاهها وحمام‌ها بوده‌است بیشتر آثار بدست آمده عبارت‌است‌از کوزه‌های‌سنگی ، مهردهای‌شطرنج، سکه‌های مسی، مهرهای

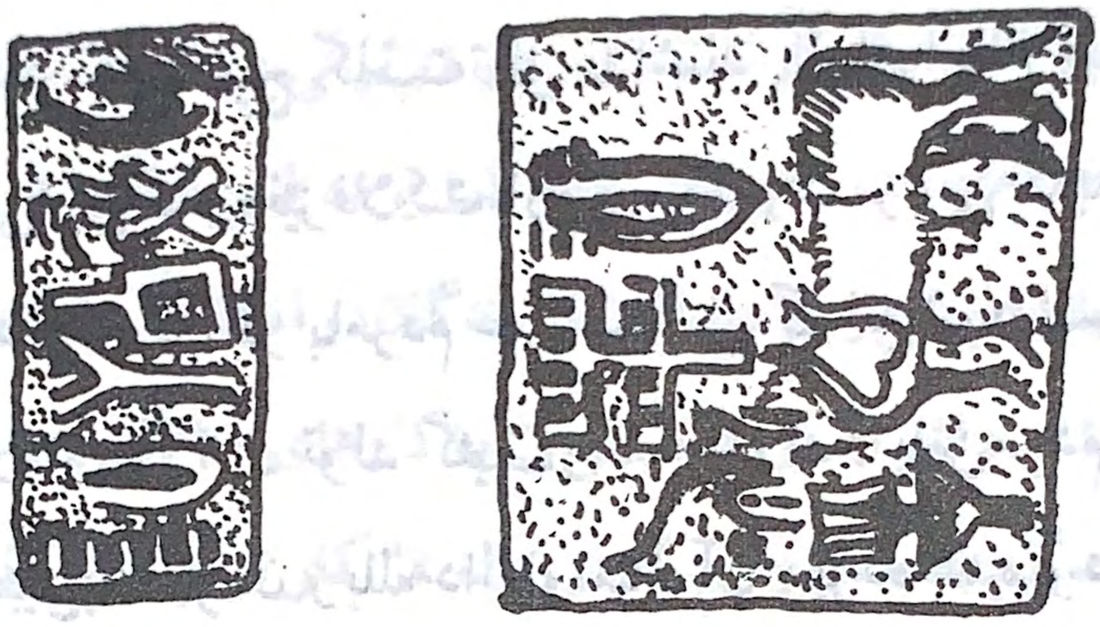

شکل (۳۹)

نمونه های مهرهای مختلف دولت هراپه

نقش‌شده، آثارفلزی‌ونمونه یك‌ارابهٔ‌مسی، حلقه‌های طلا ونقره جواهر وسنگهای تراشیده‌شده وغیره. ازروی‌این‌اشیاءمعلوم‌میشود که‌درآن‌وقت‌مردم‌سندو پنجاب باجهان‌خارج تجارت داشته اند . این تمدن با تمدن هم عصر خود یعنی تمدن بین‌النهرین ومصر شباهت زیادی داشته است.

تقسیمات مردم به سیستم کاست:

مردم‌هندباستان‌عقیده داشتند که جهان ومردم را برهما یعنی خدا آفریده است . آنهااشخاص‌مذهبی و روحانیون‌را بنام‌برهمن‌یادمیکردندبرهمن‌هامی گفتند که‌خدا مردم‌رابه کاست‌های(گروپ‌اجتماعی)مختلف آفریده است .

وارنای بالا (طبقه بالا) - برهمن ها — روحانیون (کاست اول)

کشتریا — نظامیان (کاست دوم)

وارنای پایان (طبقه‌پایان) — وایشیاها — تاجران وصنعت‌گران (کاست‌سوم)

شودرا ها — مزدوران وزحمت کشان (کاست‌چهارم)

آنها عقیده داشتند که اطفال برهمن،برهمن‌زاده شده واطفال‌شودرا،شودرا

تولد میشود . لذا هر کس به کاست خود متعلق بوده و همان کاری را انجام دهد که برایش تعیین شده است کسیکه این قانون را مراعات نمیکرد جزای سنگین برایش داده میشد. شودراها زندگی نهایت مشکل و مشقت بار داشتند. گذشته از این گروهی از مردمی بودند که به‌هیچ کاست تعلق نداشتند .انها را بنام غیر ملموس یاد می کردند . زندگی این گروه نیز فلاکت بار و پر رنج بود. مردمی که به کاست‌ها مربوط بودند عقیده داشتند که اگر بامردم غیر ملموس گرفته شود انسان کثیف میشود و اطفال این گروه از روز اول تولد کثیف زاده میشوند . باین مردم کارهای سنگین و مشقت بار از قبیل پاك کردن زباله دانها و امثال آن سپرده شده بود . در هند قدیم مردمی نیز وجود داشتند که بکلی مخالف سیستم کاست بوده و این سیستم را غیر عادلانه می خواندند .

اعضای این کاست‌ها حق ازدواج را بایکدیگر نداشتند ولی نمی توانستند از یک طبقه به‌طبقهٔ دیگر انتقال کنند . طبقات در برابر قانون حقوق مساوی نداشتند . جزای کاست پایان نسبت بدیگر کاست‌ها بسیار شدید بود .

پیداشدن طبقات و دولت :

طوریکه در فصل دوم خواندید دولت وقتی به‌وجود میاید که جامعه به طبقات تقسیم گردد . در هند هم در اثر تکامل نیروهای مولده (زیاد شدن بردگان و سایر زحمتکشان) تولید اضافی صورت گرفت و انسانها را برای بدست آوردن ثروت به استثمار و حکمروایی بر دیگران واداشت . کلان قبیله اختیار قبیله را بدست گرفت و جامعه به طبقات بالا و پایان یا وارنای بالا و پایان تقسیم شد رئیس قبیله رفته رفته به راجه (پادشاه محلی) تبدیل شد. اینجاست که دولت برای اولین بار در هند بوجود آمد

دولت برده دار موریایی:

درقرن چهارم ق.م .شخصی بنام چاندراگوپتا سلسله پادشاهی موریا را تاسیس کرد چون نام خانوادهٔ این شخص موریا بود بنابران امپراتوری وی موریا نام گرفت.

امپراتوری موریادر وقت اشوکا(۲۷۳ـ۲۳۷ق‌م) نوادهٔ چاندرا گوپتا بسیار وسعت پیداکرد.

هند دراین وقت به عصراهن پاگذاشت. زراعت وآبیاری تکامل کرد. پیشه وران وصنعتگران روزبروز درترقی وپیشرفت بودند.سکه های نقره وطلابه کاراندا‌خته شد. درعصراشوکا برده فراوان‌بود. املاك بزرگ هو کارگاههای‌وسیعی‌وجودنداشت‌تابردگان‌درانجا کار کنندبنابران‌بسیاری‌ازبرد در املاك شاه واشراف‌وروحانیون به‌کارهای خانگی مشغول بودند.وضع برده‌ها با زندگی خدمتگارانی که‌درخانه ها کار میکردند چندان فرقی نداشت. بردگی‌مراحل‌ابتدائی‌خودراطی‌میکرد. کارپرمشقت.راهکشی،ابیاری،قطع‌جنگل‌ها وغیره به‌شکل‌دسته‌جمعی صورت میگرفت. بنابراین اختلاف در بدست‌آوردن ثروت کمتر بود زیرابقایای جوامع اشتراکي تا هنوزوجودداشت. بردگان درابتدااازاسیران‌جنگی‌بودند. پسانها نوبت به کسانی رسید که‌دراثر استثماربه فقر وبدبختی دچار شده‌آزادی خودوحتی کودکان خودراازدست داده‌برده‌شدند. بردگان ملك مطلق اربابان‌خودبودند.اربابان‌میتوانستندبردگان‌خود رابفروشند ویا بدیگران تحفه بدهند. به‌همین سبب دولت موریایی هندرادولت برده‌داری میگویند. شهرهای مهم عصر موریایی عبارت اند‌از: پوتالی پوترا (پایتخت) (تاکسیلاوبنارس که مراکز اداری، سیاسی،علمی‌ومذهبی بود.

فرهنگ هندقدیم

درهند باستان‌دانش وعلم‌مذهبی بسیارزیادمشخص‌نبود. این علوم‌با یکدیگر خیلی نزدیك‌ومخلوط بودند. درفرهنگ‌هندحماسه‌ها، افسانه هاوکتابهای مقدس شامل است که‌اینك‌هر کدام آنرامعرفی‌میکنیم.

مذهب: پیش‌ازمهاجرت‌اریاییهامردمان‌اصلی‌هند که‌بنام‌دراویدی‌یادمی‌شدند، مذهبی‌داشتند که‌هنوزهم‌اثار آن‌دربعضی‌نقاط هندد‌یده‌میشود.این‌مذهب‌عبارت‌بود

از پرستش حیوانات، طبیعت و پرستش ارواح گذشته گان که به عقیده آنها در لابلای سنگها، در وجود حیوانات ، درمیان درختان ، در جویها ، کوهها و ستاره گان مخفی شده بود. بزرگترین و مهم ترین خدایانشان اگنی خدای آتش اندیرا خدای باران بود درهندقدیم روحانیون از پیروان خود پول های گزافی میگرفتند. اگر به مرد روحانی مزد داده نمیشد دعاهای لازم را نمی خواند. شکرانهٔ او باید قبل از دادن قربانی پرداخته میشد واین شکرانه شامل خر، گاو، اسپ و طلا بود. درهندقدیم مذاهب زیادی پیدا شد که مهمترین انها قرار ذیل است .

دین برهمن اولین مذهب جامعه برده دار هندی بود. مذهب برهمن بدولت مقام خدایی میداد. پادشاه را مقدس میدانست نابرابری اجتماعی (سیستم وارنا) را تایید میکر زندگی محنت بار و رنج اور مزدوران و زحمتکشان یا کاست های پایانرا مربوط به سر نوشت خود شان میدانست

شکل (۴۰)

سر بودا

دین بودا درقرن ششم ق، م درهندبوجود آمد. این دین وقتی بو جود آمد که درهند نظام برده‌داری تکامل کرده بود . دولت هایی که‌از اثراستثماربرد گان وتشدید نا برابری اجتماعی به‌وجودمیامدند سخت بی‌رحم‌و ستمگر بو دنـد . تضادهـای اجتماعی‌روزبروز شدید ترمیشد . درهمین وقت است که دین بود ابوجود میاید وستمدیدگان‌ومظلومانرابه‌توکل‌وتسلیم‌وادارمیکند . این دین به نفع اشراف برده دار و به ضرر طبقهٔ پایان بوده اشراف وطبقهٔ بـالااز آن حمایت‌میکرد نـد . درآموزشهای بوداپنج قاعده اخلاقی اوبسیار مشهوراست‌این‌پنج‌قاعده‌قرار ذیل میباشد.

مگذار کسی یک موجود زنده رابقتل‌رساند ــ مگذار کسی‌چیـزی راکه باوداده نشده بگیردمگذار کسی دروغ بگویدمگذار کسی‌شراب بنوشدمگذار کسی‌فاسق شود بودا امروزچه‌درداخل‌هندوچه‌درخارج‌هندپیروان‌زیادی دارد. طبقهٔ بالا از این پنج‌قاعده اخلاقی به‌نفع خود استفاده کرده وپیوسته میکوشیدند تا بدین وسیله طبقه پایان رابرای‌همیش‌محکوم‌سازنـد

بطورمثال قاعدهٔ اول‌او که‌گفته‌میشود (مگذار کسی‌یک‌موجود زنده‌رابقتل‌برساند) باین‌مفهوم است که‌اگر طبقهٔ‌بالا ویاقدرتمندان‌هر ظلم‌وبیعدالتی که‌در برابر طبقـهٔ پایان‌می کند ازطرف‌طبقهٔ پایان کدام‌عکس العمل‌نشان‌داده‌نشود .

خط وادبیات :

درتمدن‌هند نسبت‌به‌تمدنهای دیگربه کتابت ونوشته کمتراهمیت قابل شـده اند.رواج‌عمومی این‌بود که‌آموزش وتعلیم‌به‌قسم‌شفاهی صورت بگیردوافسانـه هایشان ازبرخوانده شود .

درقرن‌هشتم ویانهم‌ق م.بود که تاجران‌هنداز آسیای غربی یکنوع خط مشابه به‌رسم‌الخط فنیقی‌هاباخودبه هندآوردند وازاین‌خط ،خط برهمنی‌به وجود آمد که پسانتر تمام‌الفبای‌هندی از آن ترتیب‌شد.درقرن هفتم‌ق م، یک کتاب طبی به‌زبان

سانسکریت نوشته‌شده‌است. قدیمترین کتیبه های باقیمانده‌درهنرخط نویسی مربوط به‌عصراشوکاست .

ازاینکه‌درهندباستان‌علم‌ودانش‌مخصوص‌طبقهٔ‌ممتازبودواین‌طبقه‌نمیخواستند که‌طبقهٔ پایان‌به‌علم دسترسی پیداکنند بنابرآن مردم‌هنددیرترباخط آشناشدند .

وداها :

وداهاسرودهاییست که‌ادبیات هند باستان‌به‌شمارمیرود.وداهاازریشهٔ‌ویده به معنی دانستن گرفته شده‌است ودراصل مجموعه‌یی‌ازدانش‌هاواطلاعات‌زمان‌قدیم است. سرودها،دعا های مراسم قربانی،سحروجادو واشعار بسیار زیبادر وصف طبیعت میباشد .

وداهاقدیمترین آثارکتبی وثبت‌شدهٔ‌آریاییهاست که‌بامهاجرت‌بسرزمین هند باخودآوردند.رامایانا،مهابهاراتا وجاتاکاهم ازحماسه های‌هند قدیم‌است .

ریاضی :

مردم‌هندباستان دررشتهٔ‌ریاضیات‌اکتشافات مهمی‌انجام‌دادند. مخصوصا کشف اعداد(از ۱الی۹)سیستم اعشاری‌واستفاده‌ازحروف‌الفبادرالجبربرای‌ارقام‌مجهول

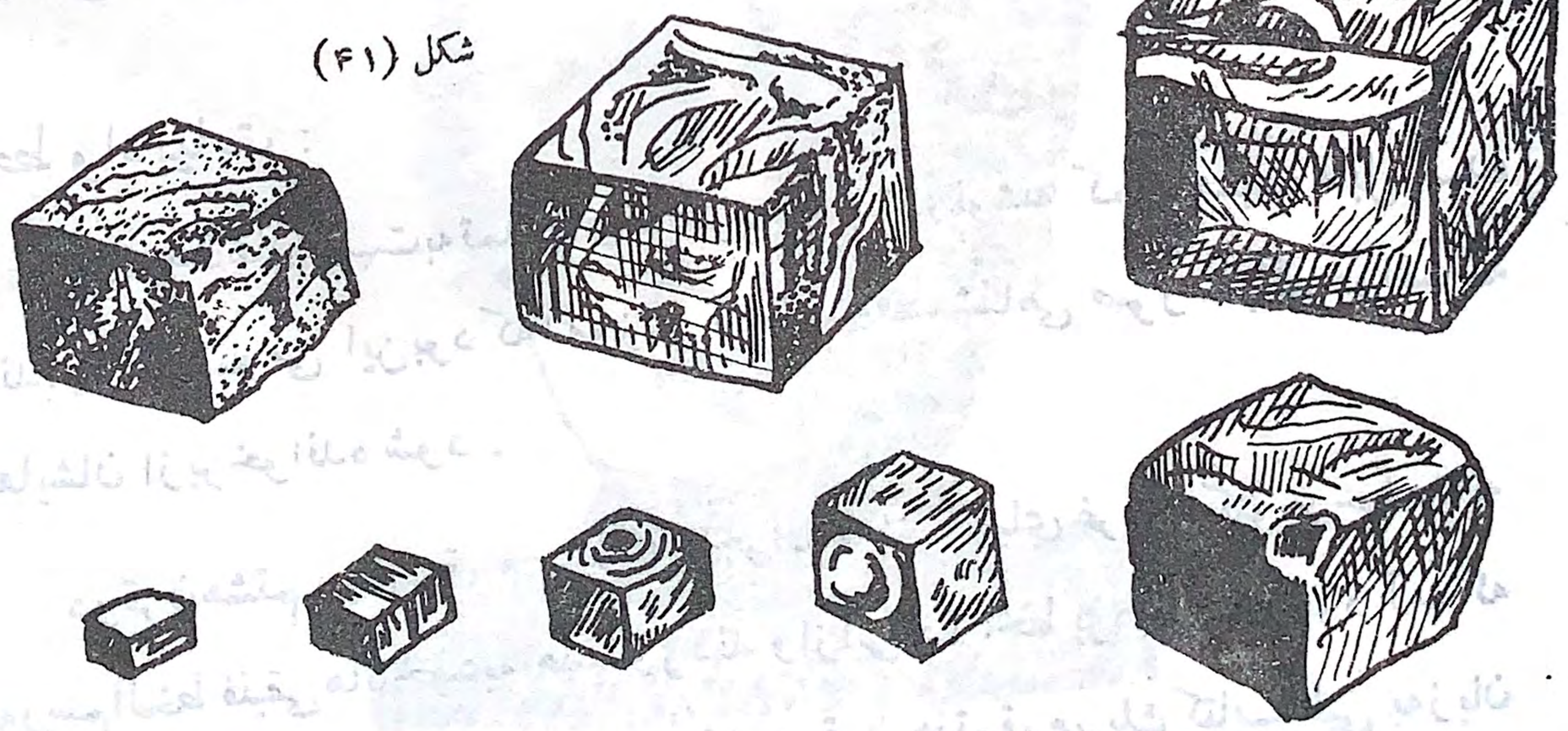

شکل (۴۱)

نمونه‌سنگ‌هائیکه‌برای‌وزن کردن‌درهندباستان بکارمی‌رفت

وغیره توسط هندی‌ها صورت گرفت. که پسانها ملل شرق میانه از آنها کار گرفتند.

ریاضیات، الجبر و هندسه در اولین دوره‌های تمدن هند بمیان آمد و همچنان در قرن چهارم ق م. در بازارهای هند باستان استفاده از سیستم اوزان و اندازه گیری رایج بوده‌است.

هنرهای زیبا:

تقاشی در هند چندهزار سال سابقه دارد. بعضی از نمونه‌های هنر نقاشی در مغاره های ما قبل تاریخ هند دیده شده‌است. پیکر تراشی و مجسمه‌سازی را در ابتدأ دین بودا اجازه نمیداد ولی بمرور زمان این حساسیت از بین رفت. قدیمترین مجسمه های سنگی که از هند باستان باقی مانده بزمان اشوکا میرسد. در وقت اشوکا هنر مجسمه سازی خیلی ترقی کرد و مجسمه های بودا در هر جا بشکل زیبا ساخته شد. اشوکا نزد مردم هند خیلی محبوبیت دارد. علامت (سمبول) ملی هند از ستونهای یکی از قصرهای دوران اشوکا که سر سه شیر را دارد گرفته شده‌است. این علامت در بانکنوت های هند هم دیده

پایه سنگی مربوط قرن سوم ق. م

بالای پایه سر سه شیر قرار دارد.

شکل (۴۲)

این سمبول سه معنی دارد «حیققت، وحدت و کامیابی» از معماری هند پیش از دوران اشوکا هیچ چیزی برجای نمانده است. تنها آثار خشت پخته موهنجودار و موجود است و بس.

آشوکا اولین کسی بود که امر کرد تا معماران سنگ را بکاربرند. وقتیکه اشوکا مذهب بودا را پذیرفت عبادتگاه های بودایی بسیار ساخته شد.

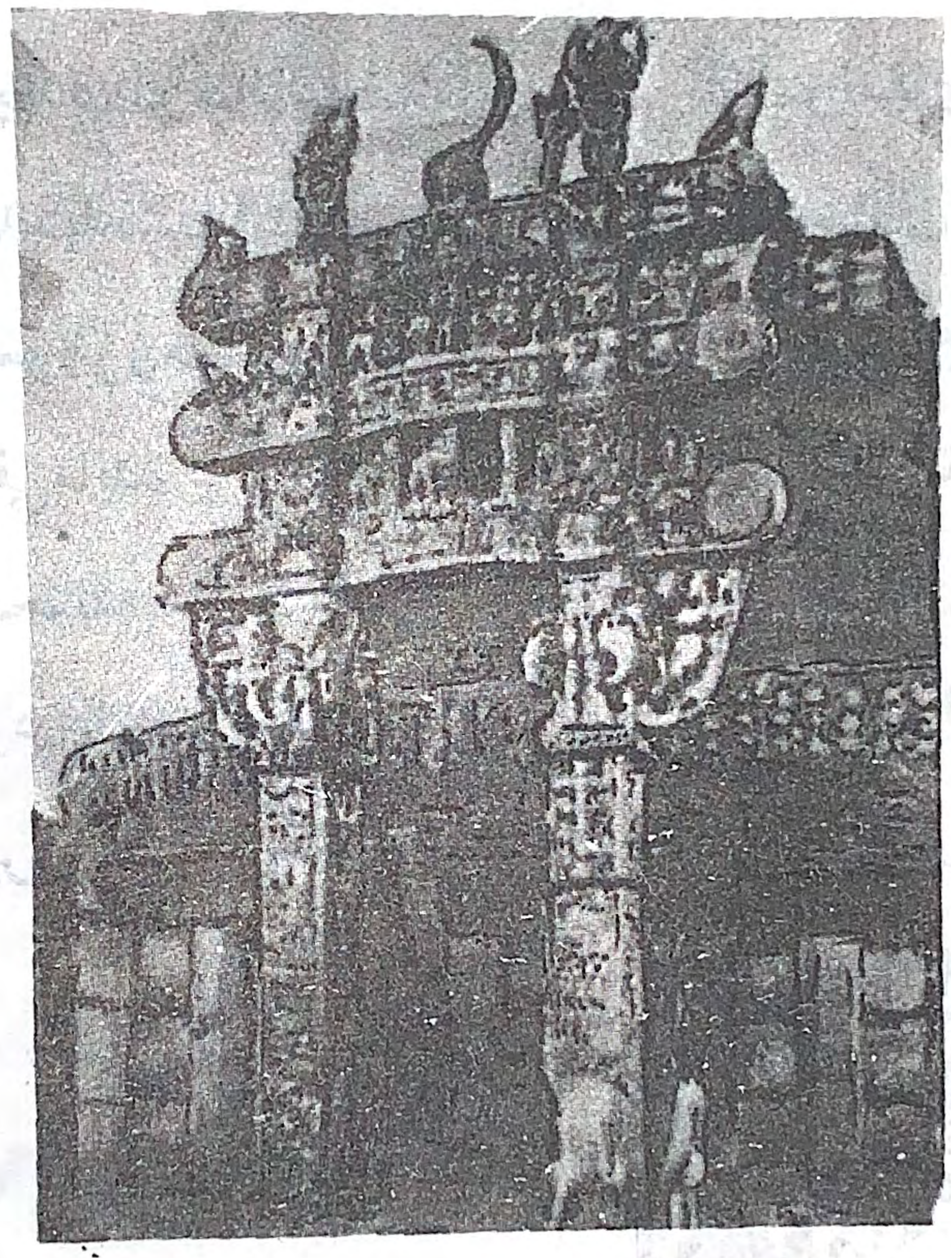

شکل (۴۳)

دروازهٔ یك معبدهندی مربوط قرن اول قبل از میلاد که از سنگ ساخته است. تصاویر حیوانات نباتات وصحنه های زندگی مردم به‌روی آن کشیده شده است.

سولات :

۱ـ چرا کشورکشایان شرق وغرب زیاد ترمیخواستند هند را فتح کنند ؟

۲ـ درهند دولت چگونه به وجود آمد ؟

۳ـ قدیمترین تمدن هند در کجا وچندسال پیش به وجود آمد ؟

٤ـ سیستم کاست را مختصر بیان کنید ؟

٥ـ دراویدی ها چه قسم مذهب داشتند ؟

فصل ششم

چین قدیم

اوضاع طبیعی:

کشورچین درشرق آسیا واقع ویکی ازمراکز تمدن های قدیم است . تمدن چین در کناردریای هوانگهو آغازشده است . دریای هوانگهو یکی ازدریا های پرآب چین است . این دریادرهنگام آبخیزی خاك زرد رنگی را به‌نام گل(رس) باخود میاورد که برای زراعت بسیارمفید است . ازهمین سبب دریای هوانگهو به‌نام دریای زرد نیزیاد شده است .

منطقه‌یکه‌دریای‌هوانگهو ازآن میگذرد دارای‌خاك حاصلخیزوباران زیاد است .

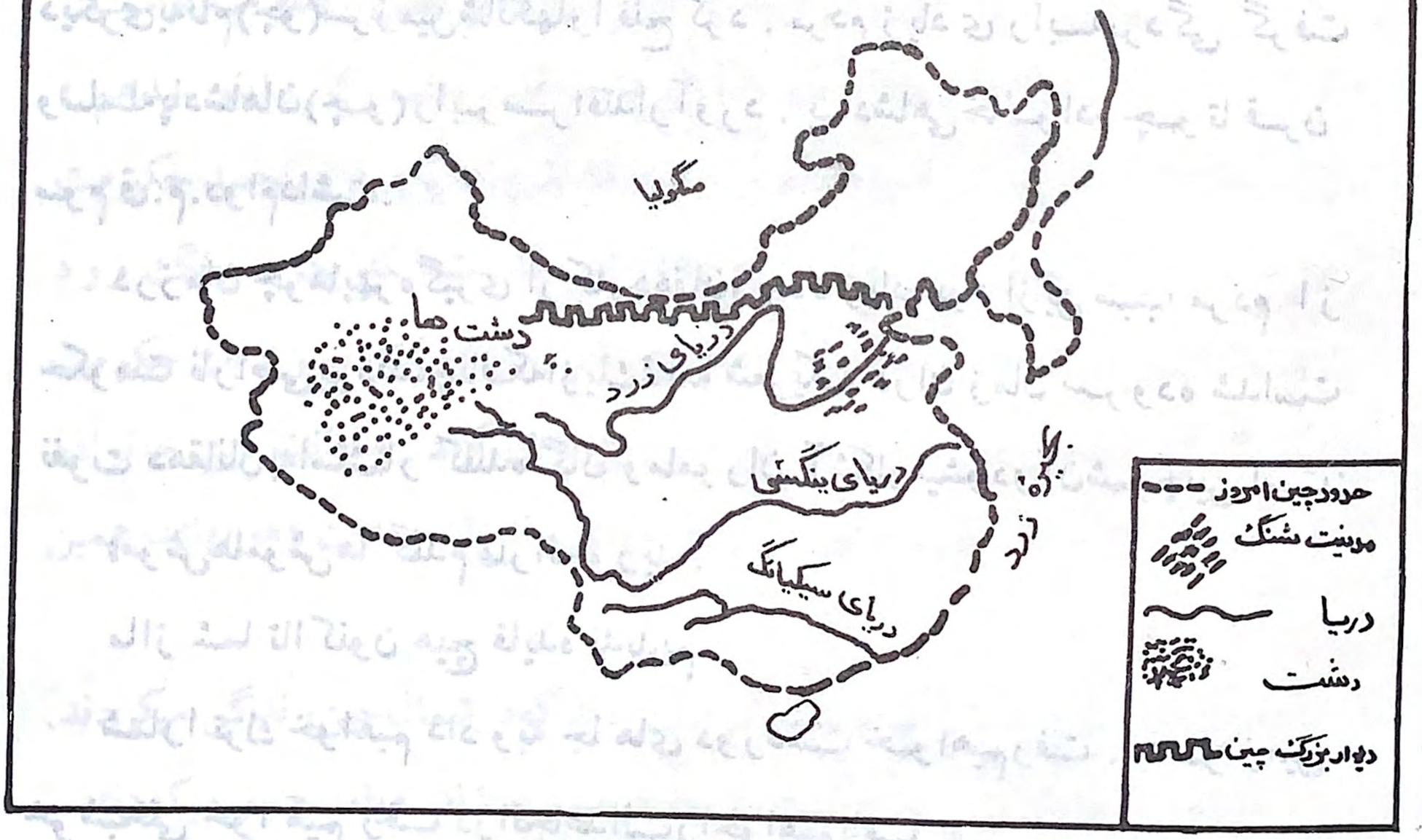

شکل (۴۴)

پیدایش طبقات :

انسانها درزمانهای بسیار قدیم دراراضی هموار وحاصلخیزشرقی چین (وادی دریای زرد) زندگی میکردند این مردم غذای خود را ازمیوه‌ها،دانه های نباتات وشکارحیوانات بدست میاوردند. ازالات وابزارسنگی درشت وصقیل ناشده کارمیگرفتند سرانجام باگذشت قرنها کشت وزراعت را نیزیادگرفتند. حیوانات را اهلی کردندوظروف گلی ساختند. دهکده‌هابوجود آوردندوقبیله‌ها را تشکیل دادند. آهسته آهسته روءسای قبایل ازقدرت خود استفاده کرده قسمت زیادی از زمین های زراعتی وحاصل آنرا برای خود گرفتندوثروتمندشدند. بدین ترتیب طبقه اشراف بوجود آمد ودولت برده دار تشکیل شد.

دولت های برده دار چین :

اولین دولت چین قدیم تقریبا درقرن شانزدهم ق‌م. به‌بوجود آمد. دراین وقت رئیس قبیله (شانگ) خود راپادشاه خواند. درنیمهٔ دوم قرن دوازدهم رئیس قبیله دیگری به‌نام (چو) سرزمین شانگها را فتح کرد. مردم زیادی رابه‌بردگی گرفت وسلسله پادشاهان (چو) رابرسراقتدارآورد. پادشاهی خانواده چو تا قرن سوم ق.م. دوام داشت.

درزمان چوها بهره‌گیری از کاردهقان وبرده زیاد بود ازین سبب مردم از حکومت ناراضی بودند، چنانکه ازیك قطعه شعریکه دران زمان سروده شداست نفرت دهقانان به‌استثمار کننده گان ومامو ران آشکارمیشودوآن شعرچنین است:

«موش هاموش ها گندم مارانخورید.
ماازشما تااکنون هیچ فایده ندیدیم.
شمارا ترك خواهیم داد وبه جا های دوردست خواهیم رفت. به سر زمین
خوشبختی خوا هیم رفت درانجاعدالت راخواهیم یافت.»

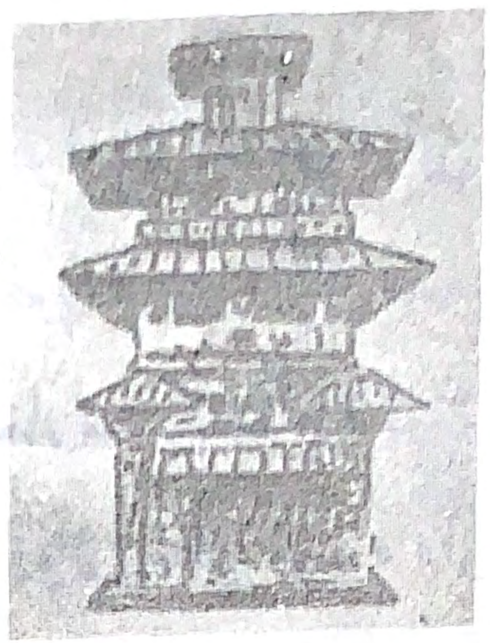

شکل (۴۵)

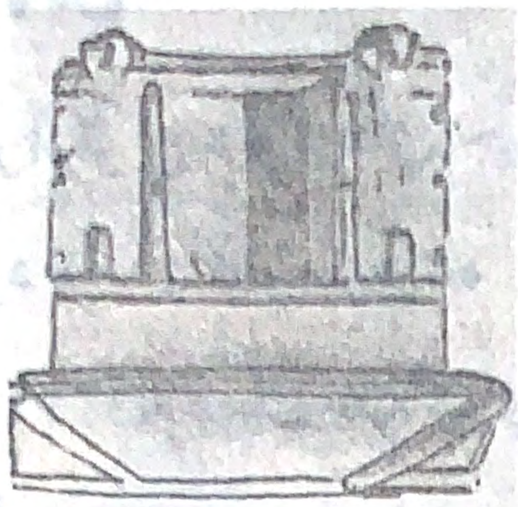

شکل (۴۶)

الف خانه مردمان دارا

ب خانه مردمان نادار

شماچه فکر می کنیدمردم کدام طبقه در کدام یک ازین خانه ها زندگی می کردند ؟

پادشاهان چو برای کسب شهرت خود منطقه یی را باساکنان آن به اشراف می بخشیدند .

چنانکه دریکی از لوحه های مفرغی مربوط قرن یازدهم چنین نوشته شده است :

«چارتن از ریش سفیدان این ولایت تعداد ۶۵ برده ، دهقان وصنعت کار رابتو میدهم.»

دراثر بخشش اراضی برای اشراف سرزمین چوها تقریبابه یکهزار وپنحصد حکومت خورد ومستقل تقسیم شد . این حکومت ها برای کسب قدرت بایکدیگر درجنگ و زد وخورد بودند. سرانجام درسال ۲۲۱ ق.م. فرمانروای دولت (تسین) یك حکومت واحد تشکیل داد وخودرا امپراطور سراسر چین اعلان کرد . سلطنت این خانواده پنجاه سال دوام کرد . کارساختن دیوار چین برای دفاع ازحملات (هونها) درهمین وقت آغاز شد .

هونها مردمان چادرنشین و بیابانگردی بودند که درشمال چین زندگی میکردند. آنهادایم به خاك چین حمله کرده هرچه درسرراه شان میامد چور میکردند .

دیوارچین:

ازدرازترین دیوارهاي جهان‌بوده ودر شمال چین‌قراردارد . طول‌این دیوار درحدود ٤٠٠٠ کیلومتربوده ٨ متر بلندي و٧متر عرض‌دارد . اولین‌قسمت این دیوار در٢٢١ق‌م براي‌جلوگیري‌ازحملات هون‌ها اعمارشد . تمام قسمت هاي دیوارچین‌باد ست ساخته شده‌وصد هاهزاربرده‌به جبردولت هاي برده داردرین آبادي پرمشقت کار کرده‌اند .

درهرصدمتریك برج بلند ساخته شده است . سر د یوارمانند سـرك هموار ساخته شده‌بودتاعساکرمحافظ‌بخوبی‌دران‌حرکت کرده‌چهارطرف‌را مراقبت کند.

خانواده تیسن ازاثرشورش بردگان ودهقانان سقوط‌کرد و جای‌آنرا خانواده دیگری به نام(هان)گرفت .خانواده هان تاقرن سوم میلادی برسر اقتدار بود .

دردورهٔ خانواده هان خاك چین وسعت یافت ،صنایع ترقی کرد ،راه تجارتی ابریشم ساخته شد وتجارت رونق‌گرفت .

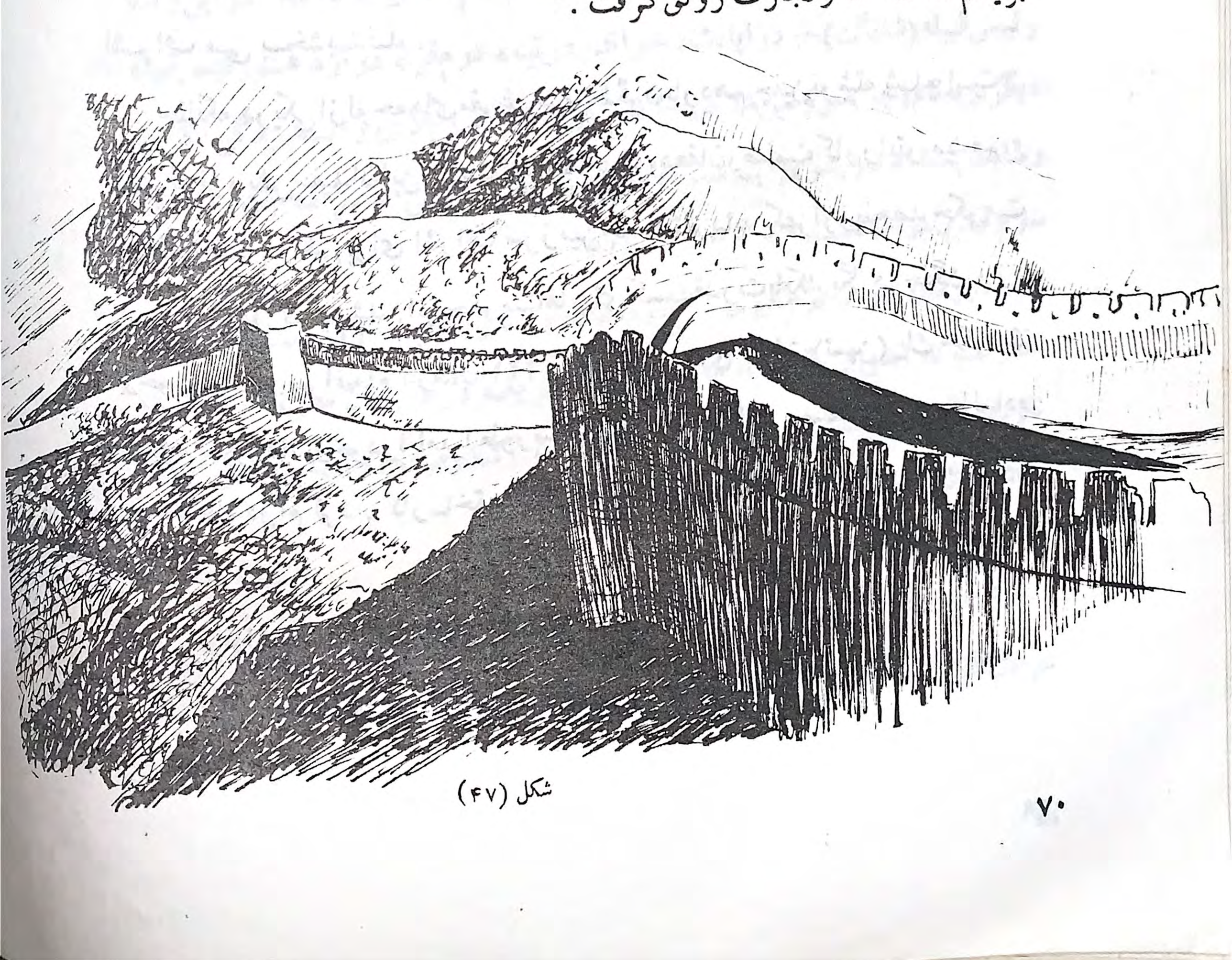

شکل (٤٧)

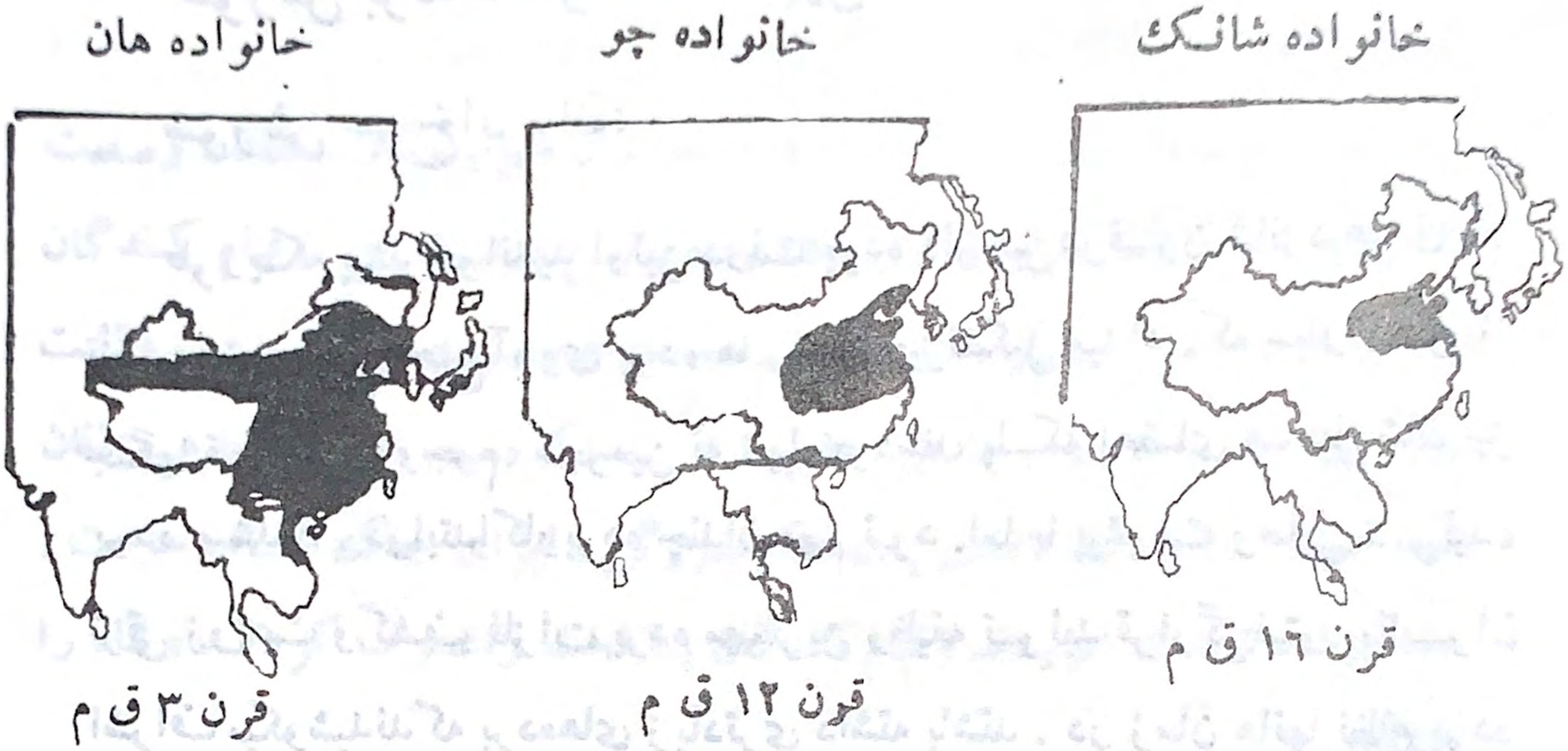

انکشاف قلمرو دولت های برده دار در چین قدیم

راه ابریشم :

چینی ها برای مدت زیادی درباره تمدن های ممالك دیگر چیزی نمیدانستند . زیرا آنها خود را متمدن ترین مردمان دنیا میدانستند و دیگران را چو پانان ورمه داران فکر میکردند .

درسال ۱۳۸ق.م (چانگ کین) یکی ازسیاحان چین جهت جمع آوری معلومات دربارهٔ ممالك دیگر به ممالك آسیای مرکزی مسافرت کرده از خوارزم، بخارا وشهرهای دیگر دیدن نمود . وقتیکه دوباره به چین برگشت از تمدن عالی واموال تجارتی گوناگون که درشهرهای کنار دریای امو دیده بود سخن ها گفت. درنتیجه امپراتور چین تصمیم گرفت باممالك آسیائی واروپایی رابطه تجارتي قایم کند . بدین منظور راه تجارتی ابریشم که چین را باامپراتوری روم وسرزمین هند وصل میکرد ساخته شد. این راه معروف تاریخی ازسمت شمال وطن ما میگذشت ومبادله اموال هندی وچینایی نیز درهمینجا صورت میگرفت .

شورش برده‌گان ودهقانان چین :

شورش سرخ‌ابروان:

طوریکه پیشترخواندید اولین دولت برده دارچین درقرن شانزدهم ق .م. تأسیس شد . منبع جمع آوری برده ها را سه چیزتشکیل میداد . که عبارت بوداز جنگها قرضداری وجرم. مجرمین نه تنها خودشان بلکه اعضای فامیل شان نیز برده میشدند . درابتداکاربرده چندان مهم نبود .اما با پیشرفت وسایل تولید، ترقی زراعت وکشف فلزات برده مهمترین وظیفه تولید قرارگرفت . بنابران اشراف میکوشیدندکه برده‌های زیادتری داشته باشند . در زمان هانها نظام برده داری به اوج خودرسیده بود .آثاریکه ازاین دوره باقی مانده ازثروتمندانی سخن میگویدکه صاحب هزارهابرده بودند . ازنیروی کاربردگان در ساختن تعمیرات ،صنایع دستی وکارهای زراعتی استفاده میشد . زمینداران بزرگ دهقانان فراوانی داشتند وبرای محافظت خود سپاهیان زیادی رابه خدمت گرفته بودند ، علاوه براین خرید وفروش برده نیز بین شان رواج داشت .

امپراتوران هان باشان شوکت زندگی میکردند ومصارف دربار شان روزبه روز زیادترمیشد تاحدیکه ازاثرزیاد شدن‌مصارف‌دربارمالیات‌هم بلند رفته حتی ازنصف محصول هم تجاوزمیکرد.سرانجام خرید وفروش آزادانه زمین وبلند رفتن مالیات وضع دهقانان را بیش ازپیش خراب ساخت . چگونگی زندگی دهقانان چین درقرن اول ق .م دریکی ازاسناد قدیمی چنین بیان شده است :

(پدران،فرزندان ،زنان وشوهران‌درتمام‌مدت سال روی‌زمین کارمیکنند وحاصل کارشان کفاف خوراك آنهارا نمیکند . درحالیکه سگها و اسپ های ثروتمندان نمیتوانند تمام ارزن ونخودی راکه به‌آنها داده میشود بخورند) طبیعی است که همچوحالتی باعث‌بوجودآمدن‌شورشهای طبقه پایین‌میگردید.چنانکه شورش های بردگان ومردمان‌آزاد وغریب‌شهرازاواخرقرن‌اول‌ق.م به‌بعد درچین آغاز

یافت . به تدریج دامنه آن وسعت پیدا کرد وسر تاسر امپراتوری رافرا گرفت .
مهمترین شورش هاشورش سرخ ابروان وزرد کلاه هاست .

قیام سرخ ابروان که در آن مردمان غریب وآزاد شهربردگان دهقانان وصنعت کاران شرکت داشتند در قرن اول میلادی به وقوع پیوست. چون قیام کنندگان ابروان خود راسرخ میکردند ازاین سبب به نام قیام سرخ ابروان یاد شده است سرخ ابروها درحدود ده ها هزار نفر بودند . عساکر نمیخواستند که با هموطنان خود بجنگند اما پادشاه بادادن پول لشکر بزرگی رابرای جنگ آماده ساخت . عساکر شاه شکست خوردند وقیام کنندگان پایتخت راتصرف کردند وشاه را کشتند .

سرخ ابروها نتوانستند که پیروزی خود را حفظ کنند . آنها فکر میکردند که چون شاه آدم بدی بود دچار فقر وبدبختی شده بودند .اگر پادشاه عادلی رویکار آید وضع زندگی بهترخواهد شده ازاین سبب شخصی دیگر رابه پادشاهی قبول کردند .

قیام زرد کلاه ها :

درپایان قرن دوم میلادی قیام دیگری مخفیانه درحال بوقوع پیوستن بود این قیام را سه برادربه نام برادران چانگ اشخاص زیادی راکه در معادن ، دهات وکارگاهها کارمیکردند برای ازبین بردن حکومت موجوده تربیه ورهنمائی کرده بودند. سرانجام زمانی فرا رسید که قیام کنندگان کاملاً آمادهٔ حمله بودند ووقت حمله را مخفیانه تعیین کردند . دراین وقت یك نفرخاین نقشهٔ شانرا فاش کرد . هزارها نفرازایشان گرفتار وکشته شدند . بااینهم قیام کنندگان ازمبارزه دست نکشیدند وصدهاهزار کشاورزو برده دریك زمان به قیام آغاز کردند. شهرها راگرفتند ، زندانی هارا آزاد کردند ثروتمندان را تصرف نمودند .
قیام کنندگان چون نوارزردرنگی را به دورسرخود می پیچیدند ازاین سبب در

تاریخ بنام زرد کلاهها یاد شده اند . مبارزه زرد کلاهها تقریباً ۲۵ سال دوام داشت .سرانجام چون اتحاد بین دسته های مختلف قیام کنندگان وجود نداشت ازجانب دشمن بیرحمانه سرکوب شدند وتعداد زیادشان به قتل رسیدند .

امپراتوری خانوادهٔ هان دراثرقیام های بردگان ودهقانان ضعیف شده به حکومت های‌خورد و کوچك تجزیه‌شد.سرانجام در کشورچین نظام فیودالی‌جای نظام برده داری را گرفت .

فرهنگ‌چین قدیم :

مردم چین ازجمله قدیمترین مردمانی استند که تمدن‌عظیمی‌بوجود آوردند. تمدن چین ازتمدن های دیگرتقلید نشده بلکه باسعی وکوشش خودشان بوجود آمده است . چینی ها چیزهایی اختراع کردند که پسانها دیگران ازآن تقلید وپیروی نمودند .

سه هزارسال پیش ازامروزچینی ها زراعت وآبیاری رامیدانستند . کرم ابریشم راتربیه میکردند وپارچه های‌ابریشمی میساختند. باگادی های دوارابه‌یی مسافرت مینمودند نوشتن وخواندن را یاد داشتند.نوشته های شان ابتدأ به روی استخوان بوده بعداً بالای چوب مینوشتند .دراواخر سلطنت خاندان هان کاغذ را اختراع کردندچینی هادرریاضیات وستاره شناسی نیزپیشرفت‌خوبی کرده بودند استادان وصنعت کاران چینی درساختن منسوجات واشیاء مختلف ازمفرغ، آهن عاج وسنگهای قیمتی مهارت‌داشتندونیزدرنقاشی ومجسمه‌سازی بسیارماهر بودند.

همچنان موسیقی درزندگی چینی های قدیم اهمیت زیادی داشت . رقص ها ترانه ها ونواختن‌آلات موسیقی میان مردم رایج بود .

شکل (۴۹)

ج

ب

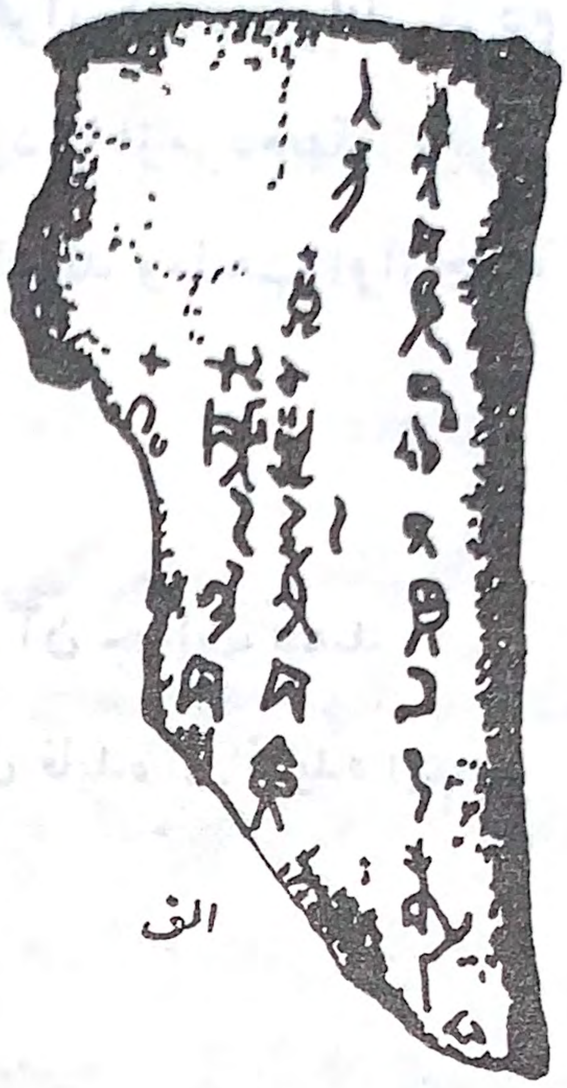

الف

الف قدیمترین خط چینی که بالای استخوان نوشته شده است .

ب خط چینی که بالای چوب بانگسی نوشته شده است .

ج مرتبان برنجی ازدوره خانوادهٔ چو .

مذهب چین قدیم : چینی‌ها درآغاز ارواح اجداد خودرا می پرستیدندآنها فکرمیکردندکه روح اجداد شان برای همیشه زنده میباشد . از این سبب چیز هاییراکه مورد‌علاقهٔ اجدادشان‌بود‌بالای‌قبرهای شان میگذاشتند . پسانها به تعلیمات فیلسوفان نیز عقیده پیداکردند لاوتسه و کنفوسیوس دوتن ازفیلسوفان مشهورچین‌بودند. لاوتسه به جاویدان بودن روح عقیده داشت دستگاه حکومت موجوده را انتقاد میکرد وطرفدار آمدن دستگاه حکومتی‌تازه یی بود . درزمان کنفوسیوس زندگی مردم چین ازاثر تضادهای طبقاتی به سختی‌میگذشت. درآن زمان سرزمین چین به حکومت های خرد تقسیم شده بود وجنگهای داخلی برای بدست‌آوردن قدرت بیشتر جریان داشت . کنفوسیوس که مرد متفکری بود به حال مردم‌چین فکرمیکرد ومیکوشید تاراه درست زندگی کردن‌را به‌آنها یادبدهد اوشاگردان‌خود رادرس‌محبت واحترام‌به پدرمادروفرمانروارامیداد باوجودیکه احترام زمامداران راتوصیه‌میکرد.اماچنین عقیده داشت که اگرزمامداری

وظیفه خود رادرست اجرانکند وعدالت‌ومساوات رابرقرارکرده نتواند. مردم حق دارند که‌چنین‌زمامدار رانیست‌ونابود کنند . اوخود را ازمردم‌بهتروبرتر نمیدانست . امابعد ازمرگش پیروانش برایش معابدساختند ومذهب اوازجمله بزرگترین‌مذاهب دنیا شناخته شد .

سوالات :

۱ـ شعرذیل رابه دقت بخوانید وبه سوالات مربوطه آن جواب دهید :

«موش ها موش هاگندم مارا نخورید ماازشما تاحال فایده ای ندیده ایم»

الف) این شعر در کجا وچه وقت سروده‌شده است ؟

ب) شاعر آن چه کسانیرابه موشهاتشبیه کرده است ؟

ج) اوضاع اجتماعی زمان راکه شعرسروده شده است بیان کنید ؟

۲ـ پادشاهان خانواده چوبرای شهرت خود منطقه‌یی راباساکنان آن برای اشراف می بخشیدندآیابرای اثبات این سندی وجود دارد یاخیر ؟

۳ـ راه ابریشم زمانی بوجود آمد که عقیده چینی هادر باره خود شان تغییر یافته بود لطفاً این‌مطلب رابیشترتر ضیح کنید .

٤ـ پیشرفت وسایل تولید چه تغییراتی رادرزندگی چینی‌ها وارد کرد ؟

٥ـ لاوتسه وکنفوسیوس چه وقت ودرکجازندگی میکردندعقاید ونظریات شان چگونه بود ؟

٦ـ علت قیام سرخ ابروها وزرد کلاها چه بود ؟

فصل هفتم

افغانستان باستان

وطن

کلمهٔ وطن را هر کس از طفولیت میداند .وطن جاییست که ماوشمادر آن تولد شده ایم وباخویشاوندان خود یکجادر آن زندگی میکنیم . نام وطن ما افغانستان است . مردم وطن ماتاریخ چندین هزار ساله دارد .

باید بدانید که تاریخ خلق ما نسبت به نام معاصر آن قدیمیتراست . وقتی که ما تاریخ افغانستان رامیخوانیم آنرا اززمانهای خیلی باستانی شروع میکنیم . باستان شناسان عقیده دارند که هزاران سال قبل ازمیلاد انسانهادروطن مازندگی میکردند. ابزار سنگی مربوط به آنزمان ازقره کمر نزدیک قریهٔ ایبک بین پلخمری وتاشقرغان به دست آمده است .

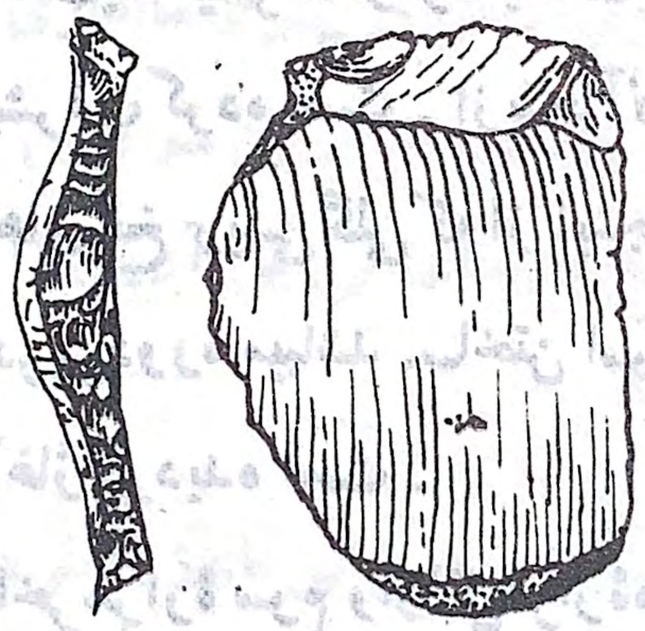

شکل (۵۰)

ابزار سنگیکه ازقره کمر یافت شده است

درهزارهٔ دوم ق م،درسرزمین وسیعی که سرحد شمال آن دریای آمو بود ودرجنوب حوزهٔ هلمند وسیستان ودرغرب هرات ومروشامل آن بود و از طرف مشرق بواسطهٔ دریای سند محاط میشد مردمانی زندگی میکردندکه زبان آریایی داشتند .آنها سرزمین خود را آریانا میگفتند . مراکز مهم آریانا دران دوره عبارت بود از ایریا، باکتریا ،اراخوزیا،درنگیانا، گندهارا ومارگیانا. سرحدات این مراکزبزرگ همیشه درتغیربوده گاهی یکی ازین ایالات مرکز وپایتخت یك

ساحهٔ وسیعی قرار میگرفت و گاهی آن ایالت یک حصه‌ای از ممالک دیگر را تشکیل میداد . مردم این سرزمین فرهنگ و کلتور را به وجود آورده آنرا تکامل دادند.

زراعت ومالداری:

درآخر هزارهٔ چارم ق م در نواحی گندهارا گذشتگان ماده نیشینی راشروع کردند . باستانشناسان در ۱۵ کیلومتری جنوب کندهار درسید قلعه آثار آبادیهای گلی وظروف سفالی ساده وابتدایی ای را پیدا کردند. شرایط اقلیمی ولایت کندهار برای پیشرفت زراعت خیلی خوب بود. دریای هلمند و معاونین آن انسانها را در زراعت وآبیاری زمینها در آن ناحیه کمک میکرد. نیاکان ما از معادن مس کوه‌های نزدیک کندهار استفاده میکردند . ذخایر معدنی وشرایط خوب آن مِنطقه سبب گردید که نیاکان ما در آنجا برای مدت زیادی در یک قریه باقی بمانند . یکی ازین قریه ها بنام موندیگگ یاد میشود. درموندیگگ از اواخر هزارهٔ چارم.ق.م. فرهنگ وتمدن شروع وپیشرفت کرده است . ازینجا آلات وابزار مسی پیدا شده است.

چرخ های نخ ریسی گلی که از اینجا یافت شده نشاندهندهٔ پیشرفت صنعت بافنده گی درین دوره میباشد .ساختن اسباب برنجی درموندیگگ در اواسط هزارهٔ سوم ق م آغاز گردیده است .

در اواخر هزارهٔ سوم واوائل هزارهٔ دوم.ق.م. در سیستان نیزده نشینی آغاز گردیده است . پارچه های زیاد ظروف سفالی سرنیزه های سنگی پارچه های مختلف ابزارمسی ازقریه های آنجا بدست آمده است .

درهزارهٔ چارم وسوم .ق.م. درشرق باستان سنگ لاجورد خیلی مورد استفاده قرار میگیرد . چنانچه معلوم است معدن لاجورد محض در بدخشان افغانستان میباشد . پس معلوم میگردد که قسمت های شمال کشورما هم در قدیم اقامتگاه انسانها بوده است.

آریاییها :

دانشمندان وتاریخ نویسان دربارهٔ قبایل آریایی زندگی‌ومسکن آنها تحقیقات زیادی کرده اند.ازروی تحقیقات دانشمندان‌میدانیم که‌آنها درحدودهشت هزار سال پیش ازامروز در آسیای مرکزی‌وکناره‌های بحیرهٔ کسپین زندگی کوچی گری داشتند. این مردم درانوقت خودراآریایی نمیگفتند.

دسته‌یی ازاین قبایل کوچی نسبت‌تغیر آب و هوای کناره‌های بحیرهٔ کسپین در حدود ۳۵۰۰ سال قبل ازمیلاد به سوی پامیرها کوچیدند . چون‌این‌قبایل کوچی ازیکطرف برای پرورش ونگهداری گله ها و رمه های خود به زمینهای فراخ وچراگاههای شاداب احتیاج داشتند واز جانب دیگر هوای پامیرسرد بود ناچار شدند به سرزمینهای پرآب‌وعلف باختر فرود آمده زندگی تازه یی‌راشروع کنند.

چنانچه بعدازمسکن گزین شدن درنواحی باختر درپهلوی مالداری زراعت‌را هم آغاز کردند .همین‌قبایل کوچی‌بعدازمطوطن‌شدن‌دراین سر زمین خودشانرا آرین وسرزمینشانرا آریانا ویجه گفتند که به معنای‌سرزمین آریاییها‌آمده است.

مهاجرت آریاییهااز باختر:

باگذشت زمان نفوس‌آریاییهادراباختر زیاد شد. زمین‌های‌زراعتی وچراگاهها برای زراعت وحیوانات آنها کفایت نمیکرد. آریاییها ناچارشدند که زمین های فراختری‌راپیدا کنند. پس‌دسته‌ای‌ازآنها بسوی شرق ودسته‌ای هم‌به سوی غرب مهاجرت‌نمودند .

الف . مهاجرت به سوی شرق :

دسته اي ازقبایل‌آریایی درحوالی ۱۵۰۰ ق.م. باختررا‌ترك کردند وبارمه هاي خود به مهاجرت شروع کردند .آنهاآهسته‌آهسته به کابل امروزرسیدند . سپس ازانجاازطریق‌حوزهٔ گندهارا(وادي دریاي کابل)داخل سرزمین هند شمالی

شدندودرانجا مردم اصلی وقدیمی هندرا که(دراویدها)نام داشتند شکست داده به طرف جنوب راندند وخود جاي آنهارا گرفتند . اين آرياييهای نام وطن جديد خودرا(بهاراتاورشه) گذا شتند .

آرياييهاي هندمردم نسبتاً پيشرفته يی بودند وبسياري چيزهارا می فهميدند . مثلاً زراعت ومالداري را ميدانستند ، طلا ونقره رامیشناختند وزيباييهای طبيعت رابه خوبی می فهميدند چنانچه کتابی که از آرياييهاي آن وقت با قيمانده وبه نام وداها ياد ميشود دراين باره به ما خوب معلومات ميد هد .

ب . مهاجرت قبايل آريايی به سوي غرب :

کمی بعد ترازمهاجرت آرياييها به سوي هند دسته هاي ديگر آريايی ازباختر به طرف جنوب غرب کوچ کردند وازطريق حوزۀ هلمند و منطقۀ هرات به سرزمين هاي ايران امروزی داخل شدند . بعضی ازاين قبايل آريايی به اراضی شمال غرب ايران جاي گرفتند که به نام مادها ياد شدند. وبعضی قبايل ديگر آنها درشرق خليج فارس وجنوب غرب ايران امروزي رفتند که آنهارا پارسها مينامند ازاين سبب دولت ايران راتا سالهاي آخربه نام پارس ياد ميکردند . بدين ترتيب قبايل آريايی به سه گروپ مهم تقسيم گرديدند. گروپ اول درمناطق شمال غربی هندوستان سکونت اختيار کردند . گروپ دوم درسرزمين ايران امروزی رفتندودستۀ سومی که درباختر ماندند آهسته آهسته درهمه مناطق افغانستان پراگنده شدند .

سرحدات آريانا:

تعيين درست ودقيق حدود آريانا مشکل است . زيرا درسرحدات مذکور طی مدتهاي طولانی تغييرات واقع شده است . چيزيراکه دربارۀ سرحدات آريانا ميتوان قبول کرد اين است که آريانا درقديم ساحۀ وسيعی را دربرداشته است . دراثر تحقيقات مؤرخان ساحه هاي زيردرحدودجغرافيايی آريانا شامل بوده است .

درشمال نواحی درياي اموو سيردريا، درشرق رود خانۀ سند ، درجنوب کندهار ، هلمند ، سيستان وبلوچستان تابحرهندودرغرب مرووهرات تانواحی مديا وپارس.

ساختمان اجتماعی آریایی های باختر :

گفتیم که آریاییها در باختر زندگی تازه یی را آغاز کردند. تازگی زنده گیشان این بود که درپهلوی چوپانی ومالداري به کشت وزراعت نیزپرداختند همچنان به مسئله‌شهرسازي نیز توجه‌خاصی کردند.این دوموضوع آنهارا ازحالت کوچیگری وخانه به دوشی بسوی شهر نشینی وتمدن نزدیکتر ساخت.

درساختمان اجتماعی آریاییهای باختردوره هاي ذیل دیده میشود .

۱ـ زنده‌گی طایفه یی :

آریایی ها درآغاز به صورت دسته جمعی یاطایفه یی زنده‌گی میکردند . طایفه‌معمولاً ازیکجاشدن‌گروهی از افراد تشکیل میشد . هرطایفه ازخود یک آغیل‌مشترک داشت یعنی جاییکه درآن‌حیوانات خود را نگهداري میکردند . چون مسئلهٔ چوپانی وگله داري اهمیت زیادي داشت و دارایی هر فرد نیزبسته به تعداد حیوانات او بود پس استفادهٔ گروهی افراد ازیک آغیل طایفه را بوجود آورده بود. هرآغیل یک‌سرکرده داشت که بحیث رئیس طایفه نیز کارمیکرد .

با گذشت زمان تعداد طایفه ها زیاد گردید . ازیکجا شدن طایفه ها طایفهٔ بزرگتري بوجود آمد . طایفهٔ بزرگتر هم داراي رئیسی بود که مسئول اجراي کارهاي مهم اجتماعی طایفه بود .

۲ ـ قبیله :

پس ازگذشت سالها ابزار کار وتولید طایفه های بزرگتر خوبترگردید . کشت و زراعت رونق بهتری پیدا کرد . این کار مردم را به اتحاد بیشترمجبور ساخت و مردم طایفه های بزگتر باهم متحد شدند و جمعیت های کلانتری را به نام قبیله تشکیل دادند . قبیله عبارت ازمجموع چند طایفه یی بود که باهم‌یکجا زندگی میکردند ، به یک زبان سخن میگفتند و دارای یکنوع عنعنات مشترک

بودند . هر قبیله نیز مثل طایفه و طایفه های بزرگتر برای خود رئیسی داشت که قبیله را رهبري میکرد.

شیوهٔ کار وتولید:

آریاییها تا مدتهاي زیادی طور دسته جمعی کار میکردند . کار دسته جمعی آنها تازمان تشکیل طایفه های بزرگتر دوام داشت . در این شیوهٔ کار همه افراد جامعه در کشت وزراعت ومالداری وتهیهٔ غذاولباس باهم کار میکردندو محصول کارخود را مساویانه تقسیم مینمودند . زمینهای زیادیکه در دست یک طایفهٔ بزرگ قرارداشت مال مشترك همه اعضای طایفه بود . تمام اعضای طایفه ازبیل داس ، گاو آهن طورمشترك استفاده میکردند . رئیس طایفه هم مثل اعضاي طایفه کارمیکرد و اعضاي طایفهٔ خود را در کارهاي مفید رهنمایی مینمود .

پیدا شدن طبقات و دولت:

خوب شدن وسایل کاروتکامل آن ودستیابی رهبران قبایل براین وسایل حاصلات غیر مساوی را بوجود آورد. رؤسای قبیله هازمینهای حاصل خیز، چراگاههای خوب بزو گوسفند وغنایم جنگیرا برای خود میگرفتند. چون استفاده شخصی افراد از وسایل تولید مثلاً بیل ، داس، گاو؛ اسپ ، زمین اغیل وغیره باعث شد که دسته یی از مردم صاحب دارایی شوند ودستهٔ دیگر غریب وبیچاره باقی بمانند . این کار یعنی استفادهٔ شخصی افراد ازوسایل تولید طبقات استثمار کننده واستثمار شونده رابوجود آورد . استثمار کننده شخصی راگویند که حاصل کاردیگران را طورمفت ورایگان میخورد واستثمارشونده شخصیست که حاصل کارشرا استثمار کننده طور مفت ورایگان میبرد. بعداز اینکه جامعه به طبقات فوق تقسیم شد، دولت درین سرزمین بمیان آمد .

درباختر سه خانواده آریایی پادشاهی کرده اند آنها عبارتند ازخانواده های پیشدادی، کیانی واسپه ، هرسه خانواده به شکل ابتدایی وقبیله یی حکومت کردند. آنها نماینده ونگهبان طبقهٔ استثمارگربوده اند .

مذهب (دین) آریاییهای باستان :

کتب مهمی که درباره زندگی، کلتوروعقاید آریائی های قدیم برای ما ن معلومات می دهد ریگویدا واو ستا است . اوستا مجموع سرودهای زردشت است . کتاب اصلی اوستا بالای ۱۲۰۰۰ پوست گاونوشته شده بود . نسخهٔ اول کتاب اوستا درقرن چهارم قم به اثر حملات سکندر مقدونی ازبین رفت . سپس درقرن سوم قم قسمتهای باقیماندهٔ این کتاب را دوباره جمع آوری کردند . دین زردشتی درقرن هشت وهفت ق.م دردورهٔ خانوادهٔ اسپه بمیان آمده بود . دین آریاییهای قدیم را میتوان بدو دوره مطالعه کرد :

اول ـ دین آریاییهاالی پیدایش زردشت .

دوم ـ دین آریاییها ازدورهٔ زردشت تا آمدن دین بودایی درآریانا .

دردورهٔ اول درآریانا دین واحدی وجود نداشت . آریاییها به خدایان مختلف ازقبیل خدای آتش ، خدای باد ، خدای روشنی ، وامثال آن عقیده داشتند.

دردورهٔ دوم دراواسط قرن هفتم ق،م زردشت دین خود را به مردم معرفی کرد . اویگانه پرستیرا درمردم رواج داد وخدای واحد را اهورا مزدا خواند . به عقیدهٔ زردشت گفتار نیك ، پندارنیك و کردارنیك اساس زندگی جامعه را تشکیل میدهد . این گفته ها هستهٔ دین زردشتی بود .

آنهاییکه به اهورا مزدا اعتقادنمیکردنددشمن دین شناخته میشدند . این دین یگانه پرستی بالاخره به آتش پرستی تبدیل گردید .

زبان آریاییهای قدیم :

اوستا دربارهٔ زبان آریاییهای باستان معلومات زیادی میدهد .زبان اوستایی بازبانهای دری و پشتو ریشه های عمیق دارد. بعضی از کلمه های اوستایی تا امروزهم باکمی تغییر درزبانهای پشتو ودری به کاربرده میشود . وتا حال شکل ومعنی اوستایی خود را حفظ کرده است . این موضوع ثابت میسازد که زبان وادبیات

اوستایی درسرزمین ما درمنطقه باختر بوجود آمده وبا زبان پشتو ودری پیوند محکم دارد.

چنانچه درفصل چار خواندید دراواسط قرن ٦ ق‌م. دولت هخامنشی درغرب آریانا درپارس تأسیس گردید واین دولت در دورهٔ داریوش اول خیلی توسعه یافت. هخامنشیهای پارس به آریانا هم‌لشکر کشیده ویك بخش زیادآریانا راجزو قلمروخود ساختند. داریوش اول شاه هخامنشی پارس امپراتوری‌خودرابه(۲۰) ایالت تقسیم کرد. باکتریا، درنگیانا راخوزیاوگندها را شامل ایالتهای ۲۰گانه او بود.ایالات مربوط امپراتوری هخامنشیها برای حکومت مرکزی عسکر تهیه میکردند ومالیه میپرداختند. هخامنشیها درهر ایالت حکمرانی را تعیین میکردند، مگرباقی امورآنرا تغییرنمیدادند.

دراواخردورهٔ پادشاهی داریوش اول تعداد زیاد عسکرپارس به جنگهای یونان فرستاده شدند. این وضع حکومت مرکزی هخامنشیها را ضعیف ساخت وزمینه برای استقلال بیشتر ایالات شرقی آماده گردانید. ازینجا مبارزهٔ آزادیخواهی درباکتریا (باختر) آغازگردید.

اقتصاد: زراعت ومحصولات آن اساس اقتصاد مردم‌باختر راتشکیل میداد. زراعت باختربیشترآبی بود. آبیاری زمین های زراعتی توسط کانالها و جویها صورت میگرفت. مردم باختر بندها ومخزنهای آب ساخته بودند وآبرا توسط کانالها وجویها به زمینهای زراعتی رهنمایی میکردند. مردم باختر غله جات مختلف را میکاشت، پیشه وری هم دراین وقت در باختر پیشترفت خوبی کرده بود. اشیای مختلفی که دراثرحفریات ازساحل دریای‌آموبه دست آمده‌پیشرفت هنررا درباختر نشان میدهد. آثارمذکور ازقسمتهای شمال باختربدست آمده‌است. کالاهای تجارتی عبارت از تکه های مختلف، کمپل‌های پشمی گندها را، سامان آهنی ازقبیل (داس وبیل) ظروف گلی زیورات طلایی، نقره‌یی وغیره بود.

قسمت بیشتراین کالاهای تجارتی را محصول زحمت پیشه‌وران تشکیل میداد. دراواسط هزارهٔ اول ق،م . پول ومبادلهٔ پولی درباختر صورت میگرفت .

سکندر مقدونی وجنگ‌های اودرآریانا :

سکندر مقدونی درسال۳۳۱ ق م . دولت هخامنشی پارس را شکست سختی داد داریوش سوم شاه هخامنشی پارس بعداز شکست بسوی آریانا فرار کرد تا به پشتیبانی مردم این سرزمین حملات سکندر مقدونی را عقب زند. اگر چه بسوس والی باختر یکی ازمتحدین داریوش سوم بود مگرداریوش سوم راکشت تا به اینترتیب آریانا را ازحملات سکندرمقدونی و لشکرش نگاه کرده باشد.

سکندرمقدونی پرسی پولیس راکه مرکزدولت هخامنشی پارس بود در سال ۳۳۰ق م به تصرف خود آوردوبعد با لشکرخودطرف آریانا حرکت کرد. سکندرتوانست که بعد ازسه سال جنگ‌وخونریزی آریانارافتح کند.درجنگها وقیامهای آریاییها به‌مقابل سکندرولشکراوعدهٔ زیادی ازیونانیها کشته شدوقوهٔ آنها ضعیف گردید.

سکندرمقدونی درسال ۳۲۷ق مجانب هند حرکت کردودرآنجا با قوای قوی هندی روبرو گردیدوازفتح کامل آنجا صرف نظر کرد.سکندربالاخره از جنوب آریانایعنی ازراه گدروشیا(بلوچستان) ودرنگیانا(سیستان)وشوش جانب یونان باز گشت کرد. وقتی به بابل‌رسید۳۲ ساله بود ودرآنجا مرد.

انتشاردین بودایی‌در آریانا:

پس ازمرگ سکندرمقدونی امپراطوری بزرگ‌اودربین جنرالان اوتقسیم گردید.جنرالان سکندرده سال‌با هم‌جنگیدند.بالاخره سلوکوس یکی ازجنرالان سکندردرشام(سوریه) قدرت پیداکرد.باختر را هم به تصرف خود آورد .

دراین وقت درهند وستان پادشاهی به نام چندراگوپتا به قدرت‌میرسد.

چندراگوپتا قسمتهای جنوبی آریانارا هم به تصرف خود درآورد. درد ورهٔ پادشاهی آشوکانوا سهٔ چندراگوپتا بود که دین بودائی درقسمتهای جنوب هندوکش انتشاریافت‌وبه مرورزمان به دیگر نقاط آریانا هم منتشرگردید و تا آمدن دین اسلام دروطن ما طرفداران زیادی داشت.

امپراطوری یونان‌وباختری.

طوریکه‌خواندیدبعدازمرگ‌سکندرقسمتهای باختروشمال آریاناتحت‌اثرسلوکوسهای یونانی‌شامی قرارگرفت. باختر تا یك مدت از طرف والیهای یونانی شام اداره میگردید. این والیها آهسته آهسته‌قدرت‌پیدا کردندوبرای‌بدست آوردن‌استقلال خود کوشیدند. بالاخره دیودت والی باختر که قدرت سیاسی واقتصادی زیادی حاصل کرده بود درسال ۲۵۰ق م منطقهٔ خود را مستقل اعلان کرد واساس دولت یونان‌وباختری راگذاشت. دراین دوره اقتصاد باختر خیلی پیشرفت کرده بود. وسکهٔ فلزی(پول)رواج یافت‌ودرباخترسکه زده‌می‌شد. ازپول مورد استفادهٔ این زمان یکنوع تنگه میباشد که‌درموزیم کابل نمونهٔ‌آن موجود است.

دولت یونان‌وباختری که اول درشمال هندوکش تأسیس شده بود باگذشت زمان خیلی وسیع گردید یعنی شاهان یونان وباختر اراضی جنوب هندوکش را از دست هندیها برون کشیدند. دولت یونان‌وباختری مدت دوصد سال دوام کرد. دراین مدت دوصد سال شهرهای سابقهٔ آریانا توسعه پیداکردوشهرهای جدید دیگری نیز آبادگردید. این شهرها درزنده‌گی اقتصادی مردم کشورما خیلی مهم بود. سکه هائیکه ازاین دوره بدست آمده پیشرفت بیسابقهٔ وطن ما را نشان میدهد.

فرهنگ‌وکلتورنیزدراین وقت خیلی پیشرفت کرد. صنایع، فرهنگ‌وعنعنات ملی با صنایع فرهنگ‌وعنعنات یونانی مخلوط‌گردیده فرهنگ‌وکلتورجدیدی از آن‌بوجود آمد که بنام تمدن یونان‌وباختری یاد میشود. قسمت زیاد آثاریکه

باستان شناسان ازاین دوره بدست آورده اند محصول دست پیشه وران محلی ما میباشند. چنانچه درین اواخر قریه ییراکه بنام (آی خانم) یاد میشود به طرف شمال ولایت تخار واقع است، کندندو آثار وعلایم شهری راکه ازدورهٔ یونان وباختری میباشد درانجا یافتند. مؤرخان و باستان شناسان عقیده دارند که این شهر دوهزارسال پیش ازامروز آباد شده است. بعضی آثاریکه ازاین شهر بدست آمده است ازمدنیت دوره یونان وباختری نماینده گی میکند. به طور مثال بعضی ازسکه ها و مجسمه ها ییکه ازشهر آی خانم یافت شده مدنیت مخلوط یونان وباختری را به خوبی آشکار میسازد.

شکل (۵۱)

سکه های دوره یونان و باختری

سوالات:

۱ـ اجداد آریاییها ابتدا در کجا زنده گی میکردندوچه وقت خود راآریایی خواندند؟

۲ـ آریاییهاازباختربه کدام جایها مهاجرت کردند؟

۳ـ حدود آریانای قدیم را بگویید؟

٤ـ دربارهٔ زنده گی طایفه یی آریاییهای باستان چه میدانید؟

۵ـ شیوهٔ کار و تولید آریاییها چگونه بود؟

۶ـ طبقات و دولت چگونه در آریانا ظهور کرد؟

۷ـ دربارهٔ کتاب اوستا چه یادگرفته اید؟

۸ـ حکومت یونان و باختری چرا میگوییم؟

۹ـ فرهنگ و کلتور دورهٔ یونان و باختری مخلوطی از کدام دو فرهنگ بود؟
آثاری را که ازاین دوره بدست آمده کدام مردم ساخته اند؟

۱۰ـ کدام زبانهای امروزی وطن ما به زبان اوستایی شباهت دارد؟

(۱۵) پلیت

فصل هشتم

کوشانی ها

دراواسط قرن دوم قبل از میلاد درداخل دولت یونان وباختری علایم رکود وزوال ظاهر شده بود. ازیکطرف تغییرات پی درپی دولتی جنگهای داخلی واستقلال‌طلبی حکومتهای کوچك محلی به اوضاع اقتصادي باکتریا، گند ها را واراکوزیا تأثیرات منفی وارد کرده حکومت مرکزی را ضعیف‌میساخت. از طرف دیگر دولت یونان‌وباختری تحت فشارشدید خارجی قرارداشت. درغرب آریانادولت پارتها مقتدرگردیده وازشمال قبایل یوچی دولت یونان وباختری را مورد حمله قرار میدادند. تحت فشار وحمله های شدیدوپیگیرقبایل فوق دولت یونان و باختری سقوط کرد.

مهاجرت یوچیها:

درقرن دوم میلاد درآسیای مرکزی قبایل متحد هونها خیلی مقتدر شده وقبایل‌یوچی رامورد حمله قرار دادند. یوچیها مجبور شدندآسیای مرکزی را ترك گفته وبه سوی غرب مهاجرت کنند. قبایل به مهاجرت‌خود ادامه داده تا آنکه به‌شمال دریای‌آمو رسیدند ودرآنجا مسکن گزیدند. دراواسط قرن دوم قبل‌ازمیلاد یوچیها ازدریای آمو عبور کرده واردباختر شده درآنجا مسکن گزین شدند.

یوچیها پیش‌ازآنکه به‌باختربیایند زندگی‌اشتراکی داشتند. ازطریق‌مالداری وشکاراحتیاجات‌شانرارفع‌می کردند. هرجاییکه‌چراگاه‌بهترپیدامیکردندهمانجا خیمه‌میزدند. یوچیها به‌باران، باد، آفتاب، رعد و برق اعتقاد داشتند.

یوچیهادر باختر :

جنگهای پیاپی وسقوط دولت یونان وباختری باعث آن گردید که دراقتصاد وکلتور مردم اصلی باختر خسارات زیادی وارد شود پسانتر بامخلوط شدن یوچیها با باختریان درپیشرفت اقتصاد باختر تغییرات قابل ملاحظه یی رخ داد یوچیها کم کم با زندگی ، رسم ورواجها ، زبان ، دین و سایر معتقدات باختریان آشنا شدند آهسته آهسته به زراعت پرداختند . همچنان زبان تخاری و رسم الخط یونانی وخروشتی را یادگرفتند . درانوقت باختر به پنج ولایت تقسیم شده بود . هر ولایت را یکی ازقبایل یوچی اداره میکرد . دراوایل قرن اول قبل ازمیلاد شهرها توسعه یافته وتجارت وپیشه وری ترقی خوبی نمود . کشفیات باستانشناسان در بگرام ،تاکسیلاو گیقبادشاه نظریه مذکوررا تایید میکند .عوامل فوقسبب به وجودآمدن امپراتوری کوشانیان در باختر گردید. این بار دوم بود که باخترطی چندقرن آخر مرکز امپراتوری بزرگی گردید .

ظهور دولت برده دار کوشانی :

دراوایل قرن اول میلادی در بین پنج قبیله یوچی قبیله کوشانیها نیرومندتر شد وسایر قبایل یوچی را با خود متحد ساخت . دراواسط قرن اول میلادی کد فیزس اول بکمك دیگر قبایل متحد یوچی به مناطق اطراف باختر شروع به لشکر کشی کرد.وی موفقیتهایی به دست آورده وساحهٔ دولت کوشانی را توسعه بخشید . به زودی کد فیزس اول مناطق اطراف پارا پا میزاد (سیاه کوه وسفید کوه امروزی)ومناطق کابل امروزی را به تصرف خود درآورد . همچنین او مناطق ارا کوزیا کندهارو کشمیرراجزقلمر وخودساختهخودراشاهنشاه خواند . امپراتورجدید سرحدات خودراتوسعه می بخشیدولی درقسمت غربی دولت پارتها برضد کوشانیان فعالیت میکردند . بدین سبب کوشانیها به مناطق شما لغربی هندوستان کهاوضاع نارام داشت متوجهشده وبزودی قادرشدند که آن مناطق راجز

شکل (۵۲)

سکه های دوران کوشانی

خاك خودسازند . به همین ترتیب امپراتوری کوشانی یکی از دول بزرگ آنزمان گردید. این امپراتوری شامل افغانستان امروزی قسمت زیاد آسیای میانه ، شمالغرب هندوستان وحوزه تارم چین می گردید .پس از کدفیزس اول امپراتوری کوشانی به کد فیزس دوم رسید .وی سرحدات امپراتوری جدید را مستحکم نموده درکشورش تبادله پول رارایج ساخت .پولها یکه در آنزمان سکه زده است در زمان حکمرانی بازمانده های او نیز حفظ گردید .

امپراتوری کوشانی درعهد کنشکا وبازماند گانش :

کنشکا معروفترین پادشاه سلسلهٔ کوشانیست . که در اواخر قرن اول واوایل قرن دوم میلادی ۲۳ سال حکومت کرده است . در دورهٔ حکومت او دولت کوشانی بازهم توسعه یافت . مناطق پنجاب ، کشمیر وسند تاماتورا در هند جزو امپراتوری کوشانی شد.دردوران کنیشکا زراعت ، پیشه وری ،تجارت، معماری وهنر پیشرفتهای قابل ملاحظه یی کرد . دولت کوشانی درین دوره به اوج اقتدارخود رسید .درواديهای دریاها زراعت که توسط آبیاری صورت میگرفت وهمچنین مالداری پیشرفت خوبی نمود. کندن کانالهاوساختن نهرهابرای آبیاری توسعه یافت درمناطق کوهستانی زراعت لمی نیز ترقی کرد. اسناد تاریخی و کشفیات باستانشناسان نشان میدهد که دردوران کوشانیها کشت و زرع حبوبات ونباتات مختلف رواج داشت .

پیشرفتهای عمرانی وشهرسازی:

حفریات باستانشناسان نشان میدهد که در دورهٔ کوشانیان بگرام ، کاپیسا، بامیان و بلخ شهرهای عمده زمان خود و مرکز تجارت وزندگی اجتماعی مردم بوده است . دراین دوره بناهای مختلف ازقبیل ارگها وقصرها، معابد، مراکز مذهبی مجلل ، عمارات مسکونی وانواع تحویلخانه‌ها ساخته شد .

دیوارهای قصرها ومعابد را با نقش ونگار تزئین واطراف این عمارات را با برجهای محافظتی احاطه میکردند.

پیشرفت تجارت:

یکی ازخصوصیات عمده دورهٔ کوشانیها پیشرفت تجارت وپیشه‌وریست. در این‌دوره‌تجارت خارجی آریانانیز انکشاف زیاد کرد. تجاردراین‌وقت‌به‌شهرهای اسکندریه درمصروروم درایتالیا رفت وآمد وتجارت داشتند . همچنان باچین نیز رابطه تجارتی داشتند راه مشهورابریشم ازسرزمینهای امپراطوری کوشانیها میگذشت. تاجران ابریشم راازچین خریده‌ذریعه قافله‌هابه‌مصروروم‌می بردند .

برای حفظ امنیت راه های تجارتی منارهای حفظ ومراقبت ساخته بودند . ازین مناره ها عساکرحکومتی راهها رامراقبت وپاسبانی میکردند. درجاهاییکه عبور ومرور مردم زیاد بود کاروانسرایها آباد کردند . پیشرفت تجارت اقتصاد دولت کوشانی را توسعه بخشید . سکه های پادشاهان کوشانی و دولتهای دیگریکه ازحفریات کاپیسا وارگ‌شاهی کوشانیان دربگرام بدست آمده است نشان میدهد که دولت کوشانی بادولت‌های دیگر روابط تجارتی داشت.

وضع طبقات دردولت کوشانیها

دولت کوشانی به‌نفع طبقه بالا یعنی برده داران و تاجران خدمت‌میکرد. طبقه بالااززحمت‌برده‌هاودهقانان‌فقیراستفاده وسیع‌میکردند. کندن کانالهابرای آبیاری

زمین های وسیع ،اعمار قصر ها و معابد همه بالای برده ها و دهقانان صورت میگرفت .
یك عده ای برده ها اسیران جنگی بودند و عدهٔ دیگر کسانی بودند که زیر فشار اقتصادی طبقه استثمار گر قرار میگرفتند . همزمان با نظام برده گی در دولت کوشانی رشد کرده بود ، درقریه ها جامعه های کوچك زراعتی نیز بفعالیت خود ادامه میدادند .

حکومت در دست طبقه بالا بود پادشاه نفر اول دولت و به اردوی خود متکی بود. طبقه یکه بر جامعه حکومت میکرد بیشتر از همه برده ها و دهقانان فقیر را استثمار میکردند. طبقه بالا متشکل از فامیلهای سلطنتی، صاحبمنصبان، روحانیون زمینداران وصاحبان کاروانسرایها بودند که هر کدام یك تعداد زیاد برده هارا در اختیار داشتند . طبقه بالا روز بروز غنی تر میشد . آنعده از اعضای جامعه که در دهات زندگی داشتند نیز تحت اشکال مختلف قیود اقتصادی قرار گرفته و بیش از پیش استثمار میشدند . تضاد بین طبقات بالا و پایین بیشتر و بیشتر میگردید .

قیام مردم بر ضد دولت کوشانی :

جنگهای غارتگرانه دایمی پادشاهان کوشانی و استثمار بیشتر مردم زحمتکش وضع زندگی خلق را خراب کرده بود . اکثریت مردم از دولت کوشانی ناراضی

شکل (۵۳)

یك سرباز کوشانی

بو دند . درسالهای آخر حکومت کنشکا نارضائیتهای مردم بیشترشد . قدرت طلبی وجنگهای پی درپی اوطبقه پائینی اردورا سخت ناراضی ساخته بـود . در نتیجـه قیامهای مردم وارد و کنیشکا کشته شد این امر نمایانگر تضاد شـدیـد بین طبقـات استثمار کننده و استثمارشو نده میباشـد .

آریاناازقرن سوم الی قرن هفتم میلادی :

دردوران حکومت کنشکادولت کوشانی به‌اوج قدرت خود رسید . باز مانده های کنشکا تحت فشارروزافزون دولت‌ساسانیهای فارس قرارگرفتند .ساسانیها یك قسمت سرحدات‌غربی‌دولت کوشانی را متصرف شدند . درقسمت‌شمالغرب هندوستان که تحت تسلط کوشانیها قرارداشت مناطق زیادی استقـلال بـدست آوردندوبه این ترتیب درهند شرایط مساعد برای پیدایش امپراتوری گـوپتـا بوجود آمد .

ازنـیمه قـرن د وم‌الـی‌قـرن‌چـارم میلاد ی دولـت کـوشانی‌برای مدتی دو باره نیرومند شد .

درد وران حکومت کیدارشاه‌امپراتوری کوشانیها به سرحدات سابق خودرسید . بعضاًدولت کیداریهارا بنام کوشانیهای کوچك نیزیاد میکنند .

دیری‌نگذ شت که بازهم‌حملات جد یدی‌ازطرف شمال‌متوجه آریاناگردید. درآنجااتحاد قبایل‌یفتلی قوت گرفت . قبایل‌مذکورنه فقط به‌آریانا بلـکه بردولت ساسانیهای فارس نیزحـمله میکردند .

ضعف وسقوط دولت کوشانی‌فقط مربـوط حملات خارجـی‌نبوده وعوامـل دیگری‌نیزداشت . کشفیات باستانشناسان نشان میدهدکه درسالها ی اخیردولت کوشانی ،اشراف یعنی‌زمینداران بزرگ‌وفیودالان زیادشده‌میرفت. فیو دالان‌قلعه های مستحکم‌ساخته بودندوصاحبان این‌قلعه ها استقلال بیشتری ازدولت مرکزی میخواستند .مبارزه‌آنهابرعلیه‌حکومت مرکزی‌سبب ضعیف شدن دولت کوشانی

گردیدو آهسته آهسته فیودالیزم درجامعه توسعه پیدا کرد .

فرهنگ دردوران کوشانیها :

زبان وخط

کوشانی ها دراوج قدرت خودساحهٔ وسیعیراتحت تسلط دراورده بودند. در سرزمین وسیع کوشانی زبان و عنعنات مختلف موجود بود . زبان دربار کوشانیان زبان تخاری بود. درزمان حکومت کوشانیان خط پیشرفت خوبی کرد . برای تحریر ازرسم الخط خروشتی ویونانی استفاده بعمل میاید . دراثر حفریات درسرخ کوتل ولایت بغلان کتیبه یی مربوط به زمان کوشانیان یافت شده است که درباره اعمار معبد کوشانیها معلومات میدهد . دربسیاری ازسکه های دوران کوشانی ازرسم الخط یونانی وزبان باختری استفاده بعمل آمده است :

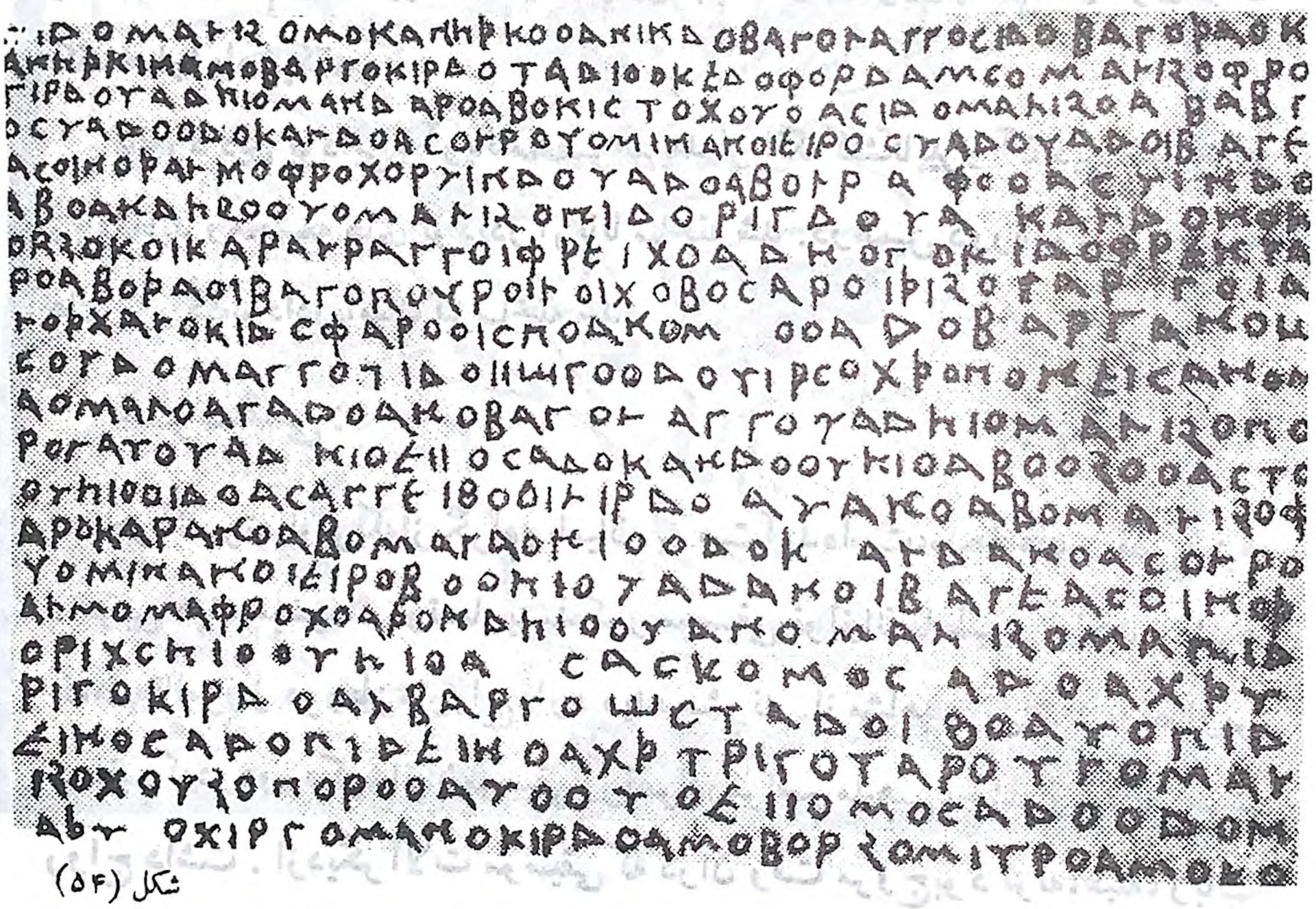

شکل (۵۴)

کتیبه سرخ کوتل بغلان که بزبان تخاری ورسم الخط یونانی

بروی سنگ نوشته شده ومربوط به دوره کنشکامی باشد

هنر :

دردوران کوشانیان هنر آریایی به اوج خود رسیده بود . دراین دوره ساختمان معابد و قصر ها و همچنان هنر رسامی، مجسمه سازی و زرگری بسیار پیشرفت کرده بود. از آثاری که بدست آمده معلوم میشود که هنرمندان آنوقت مهارت ولیاقت فراوانی ازخود به خرچ داده اند . دراین آثار اختلاط هنر خلقهای مختلف به مشاهده میرسد. آثار هنری که ازین دوره به دست مارسیده بیشتر از نوع هنر گندهارا میباشد. گند هارا نام قدیمی منطقه ایست که از کابل تارودسندرا دربرداشت . همچنین آثار هنری دوران کوشانی درمناطق مختلف افغانستان و آسیای میانه وقسمت های شمالغربی هندوستان نیز یافت شده است. لاکن چون اکثر این آثار از منطقه گندهارا یافت شده و باهم شباهت زیادی دارند از این سبب آثار مذکور را به نام آثار هنری سبک گند هارا یاد میکنند .

بانفوذ دین بودایی به آریانا مخصوصا بعد از انکه کنشکا پیرو آن دین شد تعداد زیادمعابد و مجسمه های بودا در آریانا ساخته شد .درهمین دوره بود که مجسمه های بزرگ بودا دربامیان نیز ساخته شد .

موسیقی :

در آثار و تصاویریکه از بگرام و بامیان بدست آمده است، صحنه های رقص و بزم به خوبی دیده میشود . درتصاویر مذکور موسیقی نوازان با طنبور چنگ ودایره که همه تاامروز در وطن ما رواج دارد دیده میشوند .از مشاهده این اشکال و تصاویر میدانیم که دردوره کوشانیان موسیقی ورقص درمراسم مذهبی، جشنها و محافل خوشی رواج داشت . ازدیگر آلات موسیقی که دران وقت مروج بود توله، طبله، رباب ودهل رامیتوان نام برد .

شکل (۵۵)

تصویر موسیقی نوازان که از بامیان بدست آمده است

مذهب :

چون امپراتوری کوشانی سرزمینهای مردمان مختلف را تحت تسلط خود در آورده بود لهذا در این سرزمین عقاید و ادیان مختلف از قبیل زردشتی، برهمنی و بودایی وجود داشت . پیروان این ادیان در اجرای مراسم مذهبی خود آزاد بودند.

سوالات :

۱ ـ کدام عوامل دولت یونان و باختری را در آریانا ضعیف ساخت ؟

۲ ـ دربارهٔ قبایل یوچیها چه میدانید ؟

۳ ـ کدام شخص قبایل پنجگانه یوچی را متحد ساخت و خود را شاه خواند ؟

٤ ـ کدام مناطق جزو امپراتوری کوشانی بود ؟

٥ ـ دربارهٔ امپراتوری کوشانی در دورهٔ کنشکا چه میدانید ؟

٦ ـ تجارت در دوران کوشانیها با کدام ممالك صورت میگرفت ؟

۷ ـ دولت کوشانی به نفع کدام طبقه کار میکرد ؟

۸ ـ اوضاع و احوال برده ها و دهقانان فقیر در وقت کوشانیها چطور بود ؟

۹ ـ چرا مردم وارد و بر علیه دولت کوشانی قیام کردند ؟

۱۰ ـ دربارهٔ مذاهب دورهٔ کوشانی‌ها معلومات بدهید ؟

بخش سوم

اروپای باستان

شمادرفصل های گذشته دربارهٔ مردمان قدیم آسیا ، فعالیتها وشیوهٔ زندگی آنها معلومات بدست آوردید. فهمیدید که آنها در کجا،چه وقت وچطور زندگی داشتند . چه مشغولیت ها داشتند وبالاخره چه تغییرات درمناسبات اجتماعی‌شان رخ داد .

دراین بخش کتاب سرگذشت مردمان قدیم را درقارهٔ اروپا مطالعه خواهید کرد شماخواهیدفهمید که اولین‌مردمی که درجنوب اروپا ازتمدن مردمان آسیای قدیم استفاده کردند ، ابتدایونانی‌ها وبعدرومی ها بودند . مردمان یونان وروم هم بنوبهٔ خود درانکشاف تمدن بشری سهم گرفتند .

یونانی ها نظام اشتراکی اولیه رارشد وتکامل‌بخشیده‌ونظام‌بردگی‌رابرقرار ساختند . البته درنتیجه تکامل این نظامها علم و دانش نیزدراین کشورها پیشرفت زیادکرد . همچنان این ترقیات به‌کشورهای دیگرنیزراه یافت ازین لحاظ مطالعهٔ تاریخ یونان وروم وتأثیرات آن دراروپا وآسیا برای همه ما بسیار مفید وجالب خواهد بود .

فصل نهم

یونان باستان

وضع طبیعی :

درجنوب اروپا جزیره نمائی‌وجود دارد که بنام جزیره‌نمای بالقان یاد میشود. درقسمت جنوب جزیره نمای بالقان مملکت کوچک و کوهستانی یونان قرار دارد . دراطراف یونان جزایر خورد وبزرگی وجود دارد . این جزایر آنقدر باهم نزدیک است که ازیک جزیره جزیره دیگر آن را میتوان دید .

دامنه کوههای یونان سرسبز و دارای درختان زیتون وتپه ها میباشد . همچنان یونان دارای اراضی هموار وحاصل‌خیزاست . سواحل شرقی یونان شکستگی داشته قابل کشتیرانی می باشد .

یونان دارای معادن آهن ، مس ، نقره ومرمر میباشد . دریونان زلزله‌زیاد میشود . زمستان یونان کوتاه وبارانی است . تابستان آن برعکس خشک بوده

شکل (۵۶)

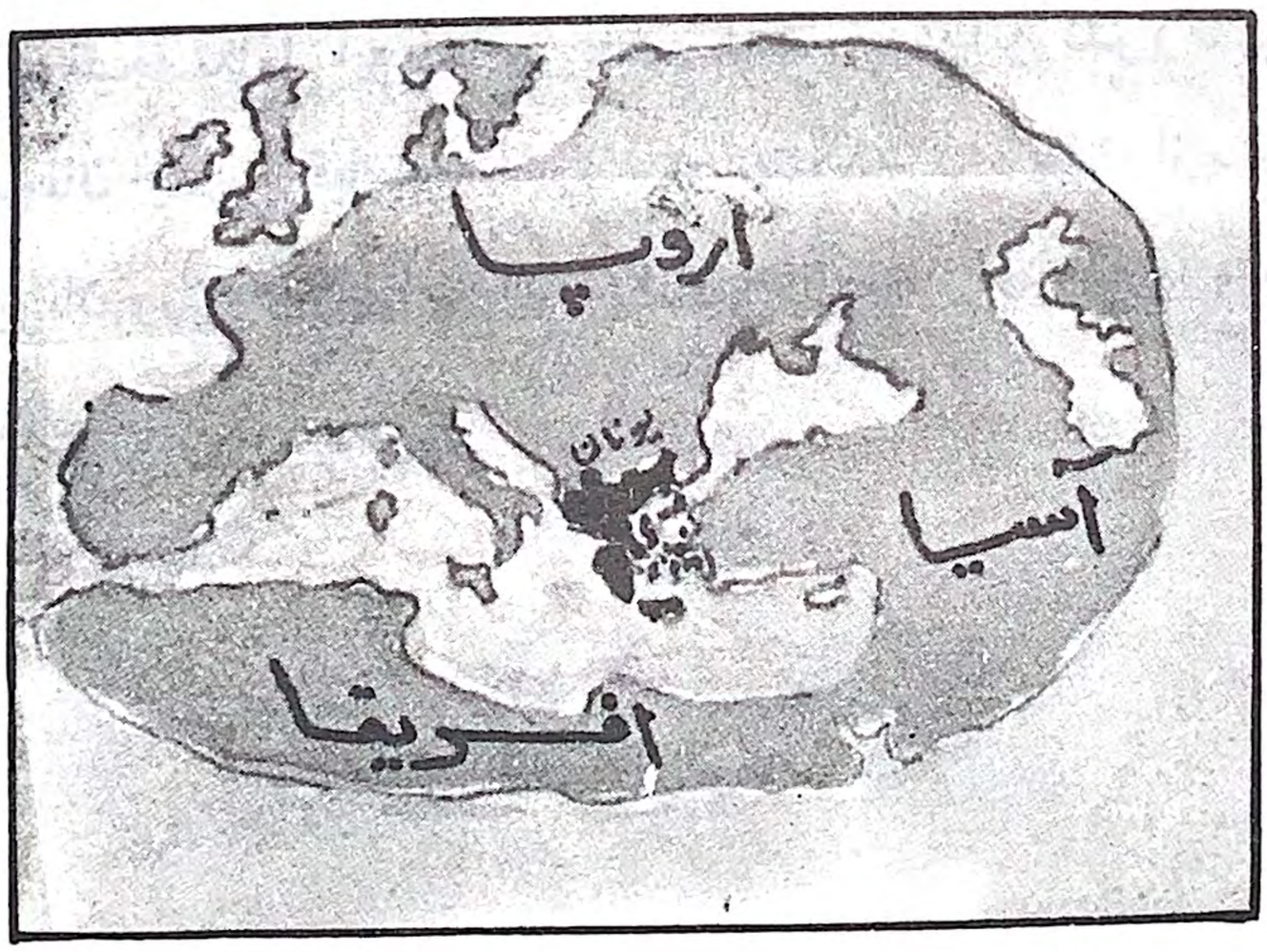

نقشه اروپا

شکل (۵۷)

حتی دریا های آن در تابستان کم آب و گاهی خشک می‌شوند .

وضع بشری :

دراثر حفریات باستان شناسان دریونان خرابه های یک شهر قدیمی بیرون آمده است . آثاربدست آمده توسط علمای تاریخ وباستان شناسی مطالعه وچنین نتیجه گیری شده که‌این شهرمربوط به‌تمدن‌میکن می باشد. تمدن میکن‌در اواسط هزاره دوم.ق . م.دریونان بمیان آمده بود. شهرمیکن بالای‌یک تپه اعمارشده ودیوارهای بلند سنگی دارد .

شکل (۵۸)

الف : شیردروازه‌ای که ازخرابه های شهرمیکن یافت شده .
به سنگ های بزرگی که درساختن دیوارکارگرفته شده دقت کنید .
ب : جام‌طلایی که ازشهرمیکن یافت شده .
ج : نقاب طلایی که ازقبریکی ازاشراف یونان درمیکن یافت شده.
د : لوحه های‌گلی بارسم الخط یونان قدیم .

ازقبر هائیکه درین شهروجود داشت نقاب‌های طلایی یافت شده همچنان داخل قبرها سلاح مسی، ابزار و آلات طلایی بدست آمده است این‌آبادی ها وابزار توسط‌پیشه‌وران‌آن زمان‌یونان ساخته شده بود. درآنوقت‌درشمال یونان مردمی زندگی داشتند که خودرا بنام دوري ها یادمیکردند.

فرهنگ یا کلتور این‌مردم‌نظر به میکن‌ها زیاد انکشاف کرده بود. دراواخر قرن ۱۲.ق م.دوری هابه سرکردگی سران قبیلوی به‌جنوب‌یونان حمله کردند دراثر این هجوم شهرهای میکن از بین رفته وتخریب شدند.بدین‌ترتیب عده ای ازساکنان این شهرها با مهاجمین آمیخته‌وتعدادی هم‌به جزایردیگرجای گرفتند.

افسانه های یونانیان:

افسانه های قدیم یونانیان درمورد قهرمانان وخدایان شان بود این افسانه ها در مطالعه تاریخ یونان بسیار کمك میکند. ازمطالعه افسانه‌ها وقصه هاشیوهٔ مبارزهٔ یونانیان باطبیعت روشن می گردد.ازسوی دیگردربارهٔ اینکه یونانیان قدیم چه شغل وپیشه داشتند ودریونان‌چه‌آلات، افزارواسلحه‌مروج بوده است،معلومات مفیدی بدست میاید. یونانی‌هااین‌افسانه هارادربارهٔ خدایان وقهرمانان‌جنگ‌های یونان ساخته وخیلی دوست داشتند. این افسانه ها ازیك نسل به نسل‌دیگربه طور شفاهی قصه می شد وتاحال باقیمانده است.

مهمترین این افسانه‌هارا دراشعارهومرکه بنام (الیاد) و(اودیسه) یادمیشود می توان یافت.

افسانهٔ هرکول:

حکایت‌است که درزمانهای قدیم‌یك شیر بسیار کلان دریونان پیداشده‌بود. این شیرخطرناك برآدمیان وحیوانات حمله میکرد وآنهارامیکشت. پوست‌این شیرآنقدرسخت بودکه نیزه وشمشیردران کارنمیکرد. هرکول به شکارایـن

مجسمه مبارزه هر کول باشیر
شکل (۵۹)

شکل اسپ چوبی که درافسانه فتح تروا دربارهٔ
آن ذکر شده است .
شکل (۶۰)

شیر برآمد . درراه یك درخت بلوط راازریشه کند. شاخ های درخت راجدا کرد وازتنهٔ آن یك گرز کلان ساخت. سپس داخل غاری شد که شیر دران زندگی میکرد. شیر نعره کشان برهر کول حمله کرد. هر کول باگرز خود به سر شیر محکم کوبید. باآن هم شیر دوباره برخاست وبراوحمله کرد. هر کول بادستهای قوی خود شیر راخفه کرد و بکشت. سپس ازپوست آن برای خود لباس ساخت .

افسانه تروا :

تروا نام شهری بودرسواحل غربی ترکیه امروزی . چنانچه درسرود های هومر حکایت شده است، مردم یونان بامردم تروا درجنگ بودند . مردم تروا به قلعهٔ شهر پناه بردند ودروازه های شهر را ازداخل بستند. یونانی ها شهر را محاصره کردند. محاصره شهر تروا نه سال دوام کرد اما شهر فتح نشده . آخر یونانی ها یك اسپ چوبی کلان ساختند وچهل عسکر خودرا درشکم اسپ چوبی پنهان کردند . سپس اسپ رانزدیك قلعه گذاشتند وخودشان دوررفتند .

وقتی شب شد مردم تروا ازدیدن اسپ چوبی ورفتن یونانی ها خوشحال شدند. اسپ را به داخل قلعه آوردندوجشن خوشی برپا کردند وقتی آنها سرگرم سرور وخوشحالی بودند سپاهی ها آهسته آهسته یکی بعد دیگر از شکم اسپ چوبی بیرون برآمده دروازه های شهر را باز کردند.

سپاهیان یونانی که دربیرون منتظر بودند داخل قلعه شدند وشهر تروا را فتح کردند. باستان شناسان ارزوی این افسانه به فکرپیدا کردن خرابه های شهر تروا افتادند. امروز آن خرابه ها کشف شده و به اثبات رسیده است که شهر تروا براستی وجودداشته است.

ایجاد طبقات:

یونانیان قدیم زراعت پیشه ومالداربودند. زمین های زراعتی به صورت قطعه قطعه دردره ها، وادی هاوجزایرخورد وبزرگ قرارداشت. این قطعات زمین به هرقبیله تعلق داشت وزمین قبیله بین خانواده هاتقسیم شده بود. تمام اعضای خانواده هادرآن کشت وکارمیکردند وحاصل می گرفتند. چراگاه ها مال همه بود. هرکس حیوانات خودرا درآنهامیچراند. این قسم زندگی راکه همه‌گی مردم درکارودرحاصلبر دارای اشتراك داشتند به نام نظام اشتراکی یاد میکنند. بنابراین یونانیان قدیم زندگی اشتراکی داشتند.

دراواخرقرن نهم ق. م. رؤسای قبیله کم کم زمین های بیشتری برای خود گرفتند. پسان ها افراد دیگری رادرزمین خود بکارانداختند. یعنی دیگران کار می کردند اماحاصل زمین رارئیس قبیله می گرفت. ازاین جااستثمار فردا زفرددر یونان شروع وجامعه به دوطبقه تقسیم شد طبقه دارا (اشراف) و طبقه نادار(عوام).

اشراف به مرورزمان زمین ها و دارایی خود حتی وظایف قبیلوی را موروثی ساختندمثلاً رؤسای قبیله پسران خودراجانشین خودمقرر کردند. کم کم رئیس

قبیله برای حفظ قدرت ودارایی خویش عسکرتهیه کرده خودراپادشاه خواند. بدین ترتیب اولین دولت دریونان باستان به میان آمد. همچنان د راثرجنگ ها باقبایل دیگر ملك وجایداد زیاد بدست پادشاهان افتاد. مردمانی که درجنگ شکست میخوردند واسیرمیگردید ند به قبیلهٔ فاتح آورده میشدند واشراف آنها رابه کشت و کارواداومیکردند. به این ترتیب کم کم برده داری شروع شد.

استقرار بردگی :

در اواخرقرن ششم قبل‌ازمیلاد تضاد طبقاتی‌دریونان بسیارشدید شده بود. اشراف که زمین های بیشتررا تصرف کرده بودند تعداد زیادی ازمردم عوام را دهقانان اجاره دار ساخته بودند. وقتی این دهقانان اجاره زمین را داده نمیتوانستند خودآنها وخانواده هایشان بردهٔ زمیندار میشدند. استخراج معادن آبادکردن خانه وشهرهای مجلل، اشتراك درجنگها، کشتی رانی، کوزه‌گری وغیره کارهای سخت وشاقه ازجمله کارهائی‌بود که‌توسط برده ها اجرأمیگردید. ثروت اشراف روزبروز زیاد میشد. این شرایط زندگی بردگی برقانون وطرز حکومت یونان نیزتأثیر کرد. چون حکومت بدست اشراف بود قوانین قسمی ساخته میشد که اگر برده ها از اطاعت اشراف سرکشی کنند باید سرکوب ویا نابود شوند. درشهرآتن که یکی ازدولت های شهری یونان بود از برده هالشکر بسیار منظم ترتیب شده بود. بوسیله این لشکر حکومت اشرافی یونان برده های دیگر را سرکوب میکرد.

قیام دموس ها و ایجاد دموکراسی :

اشراف یونان برای آنکه خود را ازمردم عوام تمیز بدهند. مردم عوام یونان راکه عبارت ازدهقانان، اهل کسبه وعساکربحری بودند بنام دموس ها یادکردند. روز بروز به تعداد دهقانان ورشکست که باخانواده خود برده میشدند افزوده میشد. برای حل این مشکل دموسها در اوایل قرن شش ق. م.

بر ضد حکومت اشرافی آتن قیام کردند . اشراف که میترسیدند مبادا برده ها نیز بادموس ها همدست شوند خود را مجبور دیدند که بادموسها سازش کنند .

بدینترتیب دموسها یعنی آنانیکه تبعهٔ یونان بودند درحکومت وادارهٔ یونان راه یافتند . درسال ٥٩٤ ق. م. شخصی بنام سولون که یک اشرافی غریب بود در مجمع ملی آتن به‌حیث رئیس دولت یونان انتخاب شد . سولون دموسهاو اشراف راآشتی داده وفیصله های ذیل درمجمع ملی تصویب شد .

۱ ـ قروض دهقانان لغوشود.

۲ ـ دهقانانی که برده شده بودند آزاد شوند .

۳ ـ برده ساختن اتباع آتن ممنوع گردد.

نماینده های مردم امور دولتی رادرمجمع ملی آتن که یک مجلس بسیار کلان بود حل میکردند. حاکم‌ها ، قاضی ها ودیگر مامورین دولتی وافراد مسؤل درمجمع ملی توسط مردم انتخاب میشدند . یونانیها این طرز حکومت را بنام دموکراسی یاد میکردند میتوان گفت که بنیاد اندیشهٔ دموکراسی در یونان پدیدآمد . اما فراموش نباید کرد که دموکراسی یونان طبقاتی بود . یعنی نزد قانون وحکومت یونان تنهااتباع یونان حق مساوی داشتند. درحالیکه برای صدها هزاربرده که درشهرهای یونان رنج وزحمت میکشیدند هیچگونه حق واحترامی وجود نداشت . از این لحاظ دموکراسی یونان را یک دموکراسی اشرافی میتوان گفت .

قیام برده ها در اسپارت :

اسپارت یکی ازدولت های شهری یونان بود که بعد ازآتن به درجهٔ دوم قدرت پیدا کرده بود . اسپارت هم ازمراکز بزرگ برده داری‌بشمار میرفت . مردم اسپارت بیشترتربیهٔ عسکری داشتند وجنگجو بودند . از این سبب تعداد برده ها نسبت به مردم اصلی اسپارت زیاد بود . برای اینکه برده ها شورش نکنند مردم اسپارت همیشه مسلح میبودند . یک نویسندهٔ قدیمی یونان

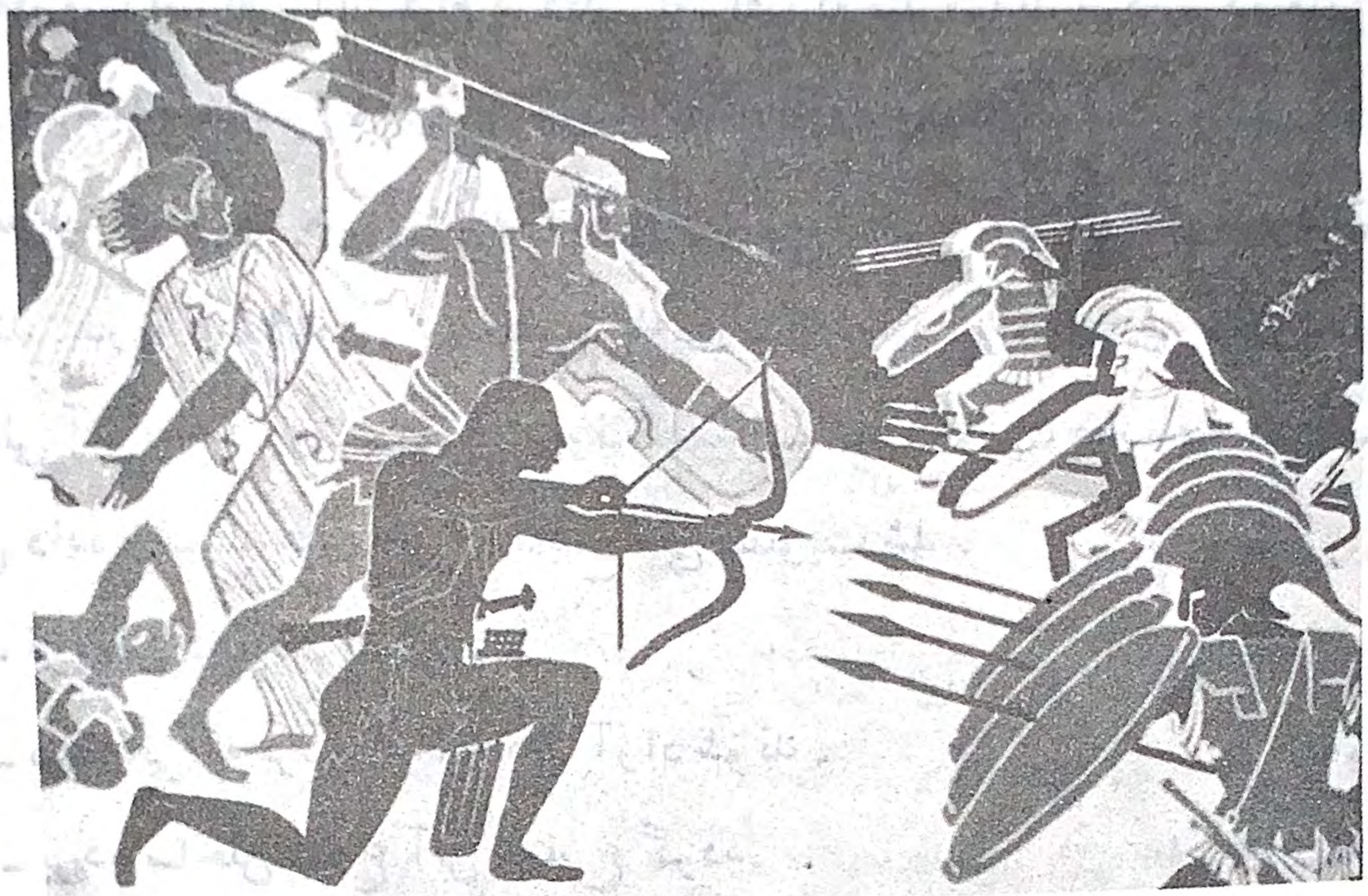

جنگ برده ها با اسپارتی ها شکل (٦١)

مینویسد « اسپارتیان همیشه نیزه بدست داشتند که نیرومندتر از برده ها بنظر برسند تامبادا برده ها شورش کنند »

برده های اسپارت چندین بار بر ضد برده داران قیام کردند . دریکی از این قیام ها برده ها که اتحاد محکمتر داشتند باعساکر اسپارت مقابله خونین کردند. چون تعداد این برده ها نسبت به عساکر اسپارت کمتر بود وازسوی دیگر عساکر اسپارت اسلحه بهتر داشتند برده ها به قلعه یی که برسریک کوه واقع بود عقب نشینی کردند . میگویند شبی بود بارانی و در زیر روشنی رعد وبرق یکی از سرسخترین جنگها بین برده ها واسپارتیان درگرفت . زنان و اطفال برده ها نیز در این جنگ شرکت داشتند . برده ها وخانواده های شان از بالای کوه مانند سیلاب برسر اسپارتیان سرازیر شدند و باسنگ ، چوب و هرچیزیکه بدست شان می آمد بر سر اربابان خود میکوبیدند . این برده ها شجاعت فوق العاده نشان دادند ، آنها مرگ را در راه آزادی نسبت به زندگی غلا می بهتر میدانستند . پس ازسه روزمقابلهٔ خونین سر انجام اسپارتیان مجبورشدند که این برده های

سرسخت را آزادی بدهند، اما به این شرط که از اسپارت خارج شوند. قیام برده‌های اسپارت نمونه یی از مبارزهٔ طبقاتی میان طبقات آشتی ناپذیر برده و برده دار بود.

مبارزات طبقاتی به زندگی اسپارتیان شکل خاصی داده بود. همچنانکه اسپارتها از ترس برده ها اطفال خود را از هفت سالگی با سلاح های جنگی آشنا میساختند و روشهای ابتدایی جنگ را به آنها میاموختند. آنها اطفال معیوب را میکشتند و تنها اطفال قوی و صحتمند را تربیه میکردند.

کودکان در مکاتب اسپارت اطاعت کورکورانه فرمانبرداری، تحمل سخت گیری و بیرحمی را فرا میگرفتند. اطفال اسپارت بر بوریا هایی که خود شان میبافتند برهنه میخوابیدند. آنها از بیست سالگی داخل لشکر اسپارت میشدند.

شکل (۶۲)

تربیه اطفال برای خدمت عسکری در اسپارت

دولت‌های شهری دوره طلا یی یونان:

همزمان باترقیات آتن واسپارت شهرهای دیگری نیزدریونان تا سیس شد یونانی ها دست اندازی برسر زمین های دیگران شروع کرد ند شهرها و کشور های دیگررا مستعمرهٔ خود ساختند به این ترتیب یونانیان درپهلوی د مو کراسی اساس استعماررانیز گذاشتند . مستعمرات یونان به نام دولت های شهری نیز یاد میشد یونانی هاازمستعمرات خود باج و خراج می گرفتند. همچنان دروقت جنگ کشورهای مستعمره مصارف جنگ های یونان راتهیه میکردند .

درقرن پنج قبل ازمیلاد بیش از ۲۰۰ دولت شهری مستعمراتی ازقفقازتا اسپانیه شمال افریقا زیربیرق آتن درامده بود .

در ۴۹۰ ق.م داریوش اول امپراتورفارس بالشکرخود به یونان حمله کرد اگرچه یونانیان تلفات زیاد دیدند وشهرهای شان آتش زده شد . امابرای حفظ آزادی یونان تمام یونانیان حتی مردم کشورهایی که توسط یونان اشغال شده بودندبا پارسی ها مقابله شدید کردند .

تشکیل مستعمرات یونانی درقرون هشتم الی پنجم قبل ازمیلاد

سرانجام پیروزی نصیب یونان گشت دراین جنگ یونانی هاصد ها هزارتن از سپاهیان فارسراسیر گرفتند وبرده ساختند بازاربرده فروشی درآتن ودیگرشهر های یونان رنگ ورونق خاصی گرفت . همچنان بعد هافارسی باز به یونان حمله کردند امابازهم شکست خوردند .

ثروتمندان یونان هر کدام بیش ازصدهابرده داشتند که آنها را درزمین ها وخانه‌های خود به کار وادارمیکردند . حتی مردم عوام یونان دویاسه برده داشتند میگویند بعد ازپیروزی برفارسیان تعداد برده ها دریونان آنقدرزیاد شد که حتی کارهاییراکه توسط حیوانات اجرا میشد بالای برده ها انجام میدادند اگر برده ها خوب کار نمیکردند باقمچینی که بنوك آن میخ های سربی کوبیده شده بود به

تشکیل مستعمرات یونانی در قرون هشتم الی پنجم قبل از میلاد

شکل (۶۴)

بازار برده فروشی دریونان قدیم

پشت آنها میزدند . ازاثراین لت و کوب پشت برده ها دا ئما زخم بود .

دراثر کارصدها هزاربرده درعرصهٔ دوصد سال شهرهای یونان مخصوصاً آتن واسپارت بـه اوج ترقی خود رسیـد . قصـرها ، جاده‌ها،عبادتگاه ها ، نمایشگاه ها، ورزشگاه ها کارخانه ها وبندرهای بزرگ آباد شد . بعضی ازاین آبادی ها تا امروزقابل استفاده است

صنایع کشتی سازی ، اسلحه سازی ، ظرفسازی شرابسازی وتجارت پیشرفت زیادکرده بود . به همین ترتیب مکاتب ومدارس بزرگ تاسیس وبرتعداد علمأ ودانشمندان افزوده میشد . سقراط ، افـلاطون ، ارسطو ودموکـرت ازجملـهٔ فیلسوفان این‌دوره استند .

عصر پریکلس :

درسال ٤٤٣ق،م،دررأس‌حکومت یونان‌شخصی بنام‌پریکلس‌قرارگرفت. پریکاس کارهـای زیادی‌به نفع‌دموس‌ها یا مردم یونان کرد . دولت های شهری‌رابیشتر

متحد ساخت بسیاری از بناها وعمارات بزرگ‌دردورهٔ اوساخته شد . از این سبب تاوقتی که زنده بود درمجمع ملی بحیث رهبر یونان انتخاب میشد ، چون صنعت ، تجارت وعلم وادب درین دوره پیشرفت کرده‌بود بعضی وقت ها این دوره بنام دوره طلایی یونان نیز یاد میشود .

سقوط یونان ومقتدرشدن‌مقدونیه :

هنوز پریکلس زنده بود که رقابت ها و بی اتفاقی ها بین دولت های شهری یونان شروع شد . بعد ازمرگ پر یکلس این رقابت ها به جنگ ها تبدیل شد . مخصوصاً آتن واسپارت سخت به‌جان هم افتادند . پس ازسی‌سال جنگ‌وجدال دولت شهری اسپارت آتن را شکست داد . پس از سقوط آتن این‌زد وخورد های داخلی یونان را بسیارضعیف ساخت . ازطرف دیگرظلم‌وستم‌اشراف بالای برده‌گان وگرسنه‌گان شدید شد . گرسنه‌گان ازهرسوبرضد اشراف برخاستند . هرجاکه‌آنها را میدید ند میکشتند . اشراف ازترس به‌عبادتگاه ها پناه میبردند . گرسنه‌گان آنها را تعقیب میکردندوصد ها نفرشان را میکشتند. ارسطومی‌نویسد که اشراف برضدخلق گرسنه چنین سوگندها یاد میکردند « سوگندیاد میکنم که دشمن ابدی خلق خواهیم بود . وهرچه ازدستم براید به خلق‌بدی خواهم کرد.»

همزمان بازوال‌یونان کشورمقدونیه که درشمال یونان‌واقع بود بسیارقوی‌شده بود . مقدونی‌ها ازضعف وگرسنه‌گی یونا نیان‌آگاه بودند . بنابراین به فتوحات خود دریونان شروع کردند . اشراف یونان که هستی ودارایی شان بنابرشورش گرسنه‌گان وبرده‌گان درخطر افتاده بود به مقدونی ها تسلیم شدند . زیرا مقدونیه نیزیك دولت برده‌داربود .

بدین ترتیب درسال ۳۳۸ ق . م. فلیب شاه مقدونیه فرمانروای یونان نیز گردید . مقدونی‌ها بسیارچیزها را ازیونانی‌هاآموخته بودند وخود را یونانی میدانستند ازهمین سبب است که اسکندر مقدونی پسرفلیپ‌گاهی به نام اسکندر

یونانی وگاهی به نام اسکندرمقدونی یاد میشود. بنابران تاریخ مقدونی هـا را میتوان ادامه تاریخ یونانی ها دانست.

فتوحات اسکندر وانتشاریونانی درآسیا.

پس ازمرگ فلیپ پسر ۲۰ ساله اش اسکندردرسال ۳۳٤ ق. م. پادشاه شد. اسکندریکی ازشاگردان ارسطوبود. اما به آزادی ودموکراسی چندان عقیده نداشت. اوکارهای حکومت خودرا ازطریق زور اجراء میکرد. اسکندر فتوحات زیادی کردوی با ۵۰۰۰۰ عسکرازراه ترکیه به مصر، سپس به فارس وآریانا وهندحمله کردوبسیاری‌ازاین‌سرزمین‌ها راجزء امپراتوری‌خودساخت.

اسکندر پس ازده سال سلطنت درسال ۳۲۳ ق. م. دربابل مردوامپراتوری اش بین چهارجنرال یونانی تقسیم شد. ۳۳ سال بعد ازمرگ اسکندر، یونان و مقدونیه بدست رومی‌ها افتادکه شما درفصل آینده‌درباره‌روم ورومیها معلومات

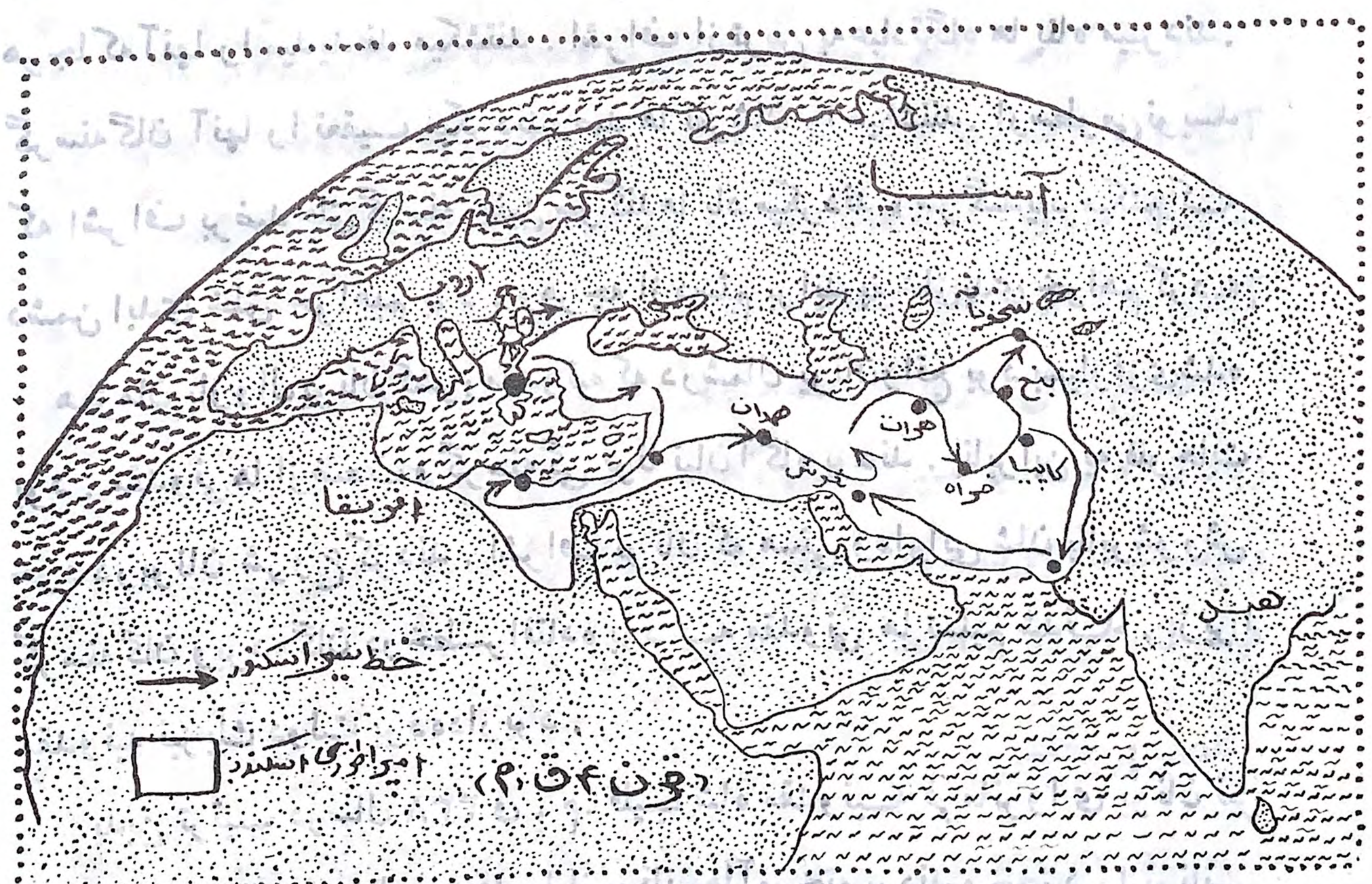

نقشه امپراطوری اسکندر مقدونی قرن ٤. ق. م شکل (٦٥)

بدست خواهید آورد. قسمت‌های آسیایی امپراتوری اسکندر تا دوصدسال دیگر بدست جنرال های یونانی ماند. این موضوع بسیار مهم است. زیرا فرهنگ و تمدن یونان در کشورهای آسیا و افریقا انتشار یافت. یونانی‌ها در کشورهایی مفتوحه شهرها آباد و فرهنگ و هنر یونانی را پخش کردند.

فرهنگ در یونان باستان:

وقتی از فرهنگ یونان باستان سخن میگوییم منظور ما بیان و توضیح کلی چگونه‌گی وضع علم و ادب، هنر و مذهب، عقاید و اندیشه‌های یونان باستان است.

همان‌گونه که یونانیان از فرهنگ و دانش مصری ها و فنیقی‌ها استفاده کردند مردم اکثر کشورهای دیگر جهان از دانش و علم و هنر یونانیان استفاده کرده‌اند. به طور مثال بازی های اولمپیک که تا کنون هر چهارسال بعد صورت میگیرد از یادگارهای تمدن یونان بشمار میرود.

یونانی ها در طبابت بسیار پیشرفت کرده بودند. از گیاه ها و نباتات دوا میساختند و مریضان را توسط آن علاج میکردند. طبابت یونانی بعد از آمدن اسکندر در آریانا هم رواج یافت.

مذهب در یونان باستان:

یونانیان مانند اکثر مردمان قدیم از نیروهای طبیعت مثل رعد و برق، باد، باران سیل و آتشفشان میترسیدند. آنها فکر میکردند که آفتاب منبع روشنی و گرمیست ولی علت اصلی این نیروها را نمی فهمیدو فکر میکردند که این کارها قدرت های دیگر بالاتر از انسان انجام میدهد. بنابراین به خدایان زیادی معتقد بودند و از ترس قربانی و نذرها میدادند.

خدای بارنده‌گی را (زیوس) و خدای زیبایی را (اپولو) نام نهادند. به همین ترتیب خدای جنگل، خدای دریا، خدای شکار، خدای پیروزی و خدای جنگ از

خدایانی بودند که به عقیدهٔ یونانیان در کوه اولمپ مثل یك خانواده زندگی داشتند.

یونانیان در مورد جنگ‌های خدایان‌شان افسانه های زیادی داشتند و مجسمه های خدایان را به شکل انسان میساختند. پسان ها که نظام برده داری استقرار یافت اشراف خود را از نسل خدایان میشمردند. از این رو در مجسمه ها خدایان در لباس اشراف نشان داده میشدند. به این ترتیب به برده ها میفهماندند که خدایان یونان آنها را برده ساخته است و نباید سر کشی کنند.

شکل (٦٦)

مجسمه های خدایان یونان قدیم

علم در یونان باستان:

درساحهٔ علم یونانی ها ازمصریان و بابلیان پیشتر رفتند. آنها صرف به توصیف وذکر مشاهدات خود و دیگران قناعت نمی کردند و علت اصلی هر چیز را جستجو میکردند ازجمله علمای مشهور یونان سقراط ارسطو و افلاتون را میتوان نام برد

تعلیم و تربیه:

تعلیم و تربیه دریونان ازشش سالگی شروع میشد. البته فرزندان اشراف از این نعمت برخور دار بودند. شاگردان درراه رفت و آمد بین خانه و مکتب توسط

برده ها همراهی میشدند. چون اکثر برده ها اشخاصی بودند که درجنگ ها اسیر شده بودند لذا دربین شان یك تعداد اشخاص با سواد نیزوجود داشت . اشراف یونان ازاین برده های باسواد بحیث معلم خانگی فرزندان خود کارمیگرفتند .

درمکتب های یونان خواندن، نوشتن، حساب ودرست گپ زدن به اطفال تدریس میشد شاگردان اشعارهومرودیگرشعرای یونان را زیاد میکردند. رسامی موسیقی، رقص وسپورت ازجمله مضامین دیگرمکاتب یونانی بود. جوانان از ۱۸ ساله گی الی ۲۰ سالگی به عسکری میرفتند ورزش که برای صحتمندی وجنگ ضروری بود بیشترمورد توجه یونانیان بود. نیزه اندازی، پرتاب دسك واسپ دوانی ازبازی ها معروف یونانیان باستان بود. قوی ترین ورزشکاران هرچارسال بعد دردامنه های کوه اولمپ درمسابقات ورزشی اشتراك میکردند ازاین سبب آن مسابقات به نام مسابقات اولمپیك یادمیشد که برای قهرمانان وبرنده گان جایزه ها داده میشد. وبه افتخار آنها جشن ها برپا میگردید. یونانی ها به مسابقات اولمپیك آنقدر علاقمندبودند که سال ۷۷۶ ق.م را که اولین مسابقهٔ اولمپیك صورت گرفته است مبداء تاریخ خویش قراردادند. امروزهم این مسابقات هر چهارسال بعد درکشورهای مختلف جهان برگذار شده وبنام مسابقات اولمپیك یاد میشود. دراین مسابقات ورزشکاران اکثر کشورهای جهان اشتراك می کنند.

مجسمه سازی ومعیاری:

یکی ازخصوصیت های هنریونانی پیشرفت مجسمه سازی بود. یونانی ها مجسمه های خدایان وقهرمانان جنگ وورزش را برفرازعمارات بزرگ ومعابد ویا درجایهاییکه مردم جمع میشدند میگذاشتند. مجسمه ها را بیشتر ازسنگ مرمر که دریونان بسیار پیدا میشد میساختند.

شکل (۶۷)

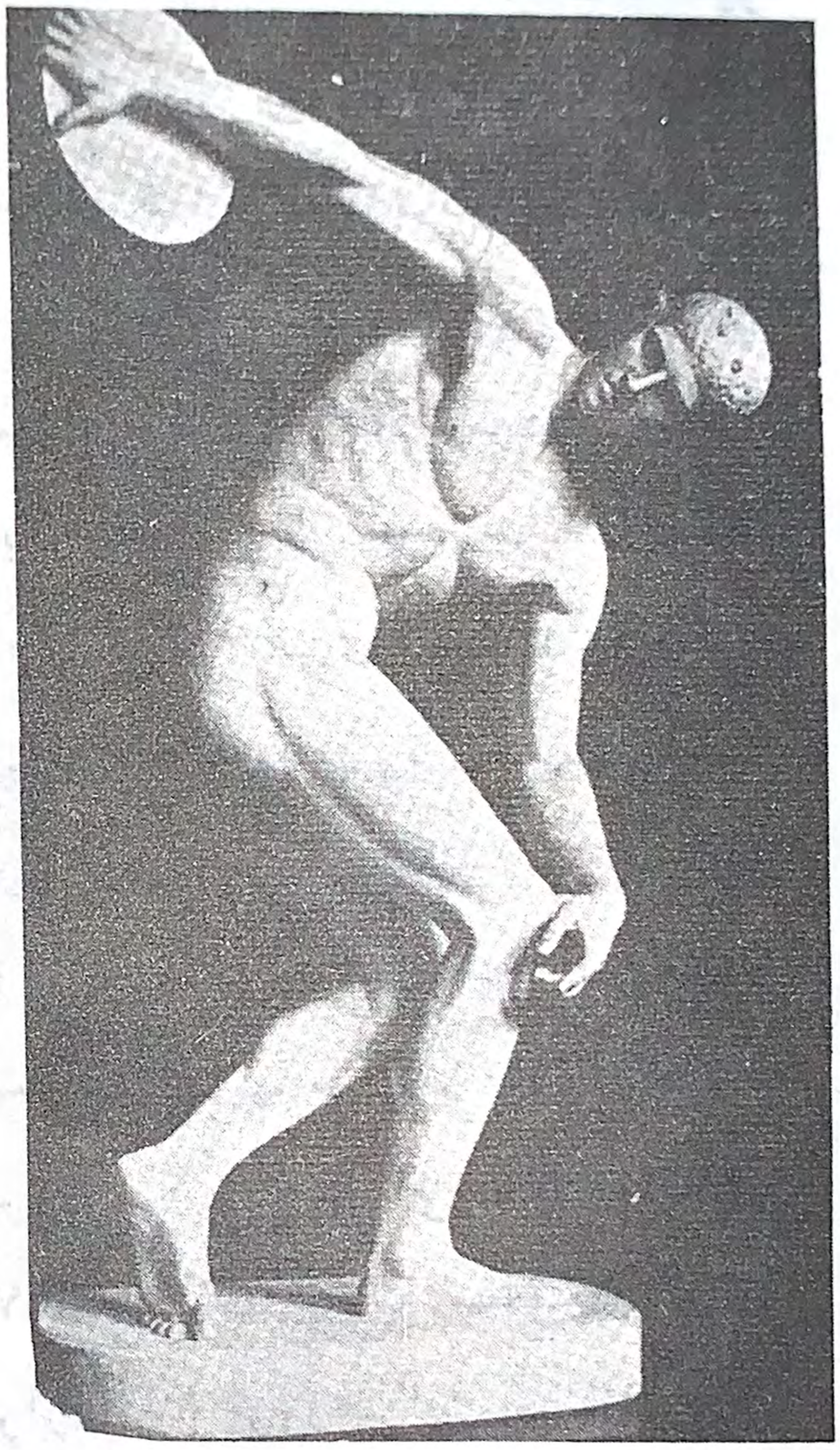

مجسمه دسک انداز از فدیاس

شکل (۶۸)

الف

ب

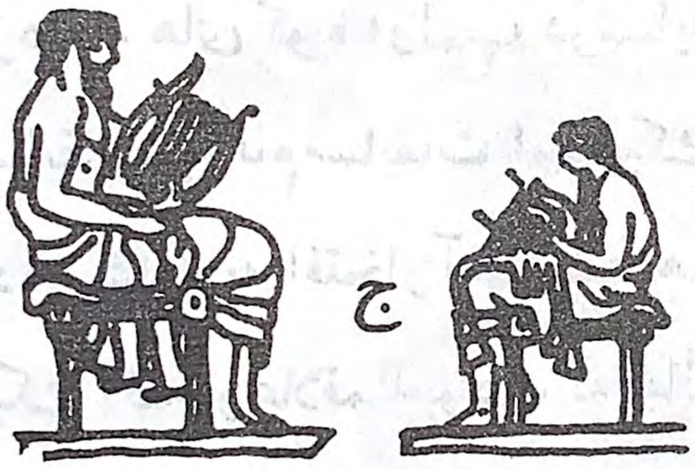

ج

طریقه تدریس در یونان باستان

الف. معلم کارخانگی شاگرد را می بینید

ب. درس نوشتن

ج. شاگرد از معلم درس موسیقی یاد میگیرد

درمجسمه ها بیشتر دلاوری وزیبائی اندام نشان داده می شد . ازین سبب در بسیاری مجسمه‌ها عضلات وجود زیبا و برجسته وبدن برهنه و یا نیمه برهنه نشان داده شده است .

معماری نیز در یونان باستان پیشرفت زیاد کرده بود یونانیان معابد و عمارت زیبائی ازسنگ مرمر میساختند که تاامروز زیبایی خاص دارد . یونانی ها درساختن

عمارات ازستونهای مرمری کارمیگرفتند . سرستونهارا بـه ترتیبی کـه در شکل (الف ، ب و ج) میبینید مزین میساختند .

همچنان بعضی اوقات ازمجسمه ها بحیث ستون کارمیگرفتند .

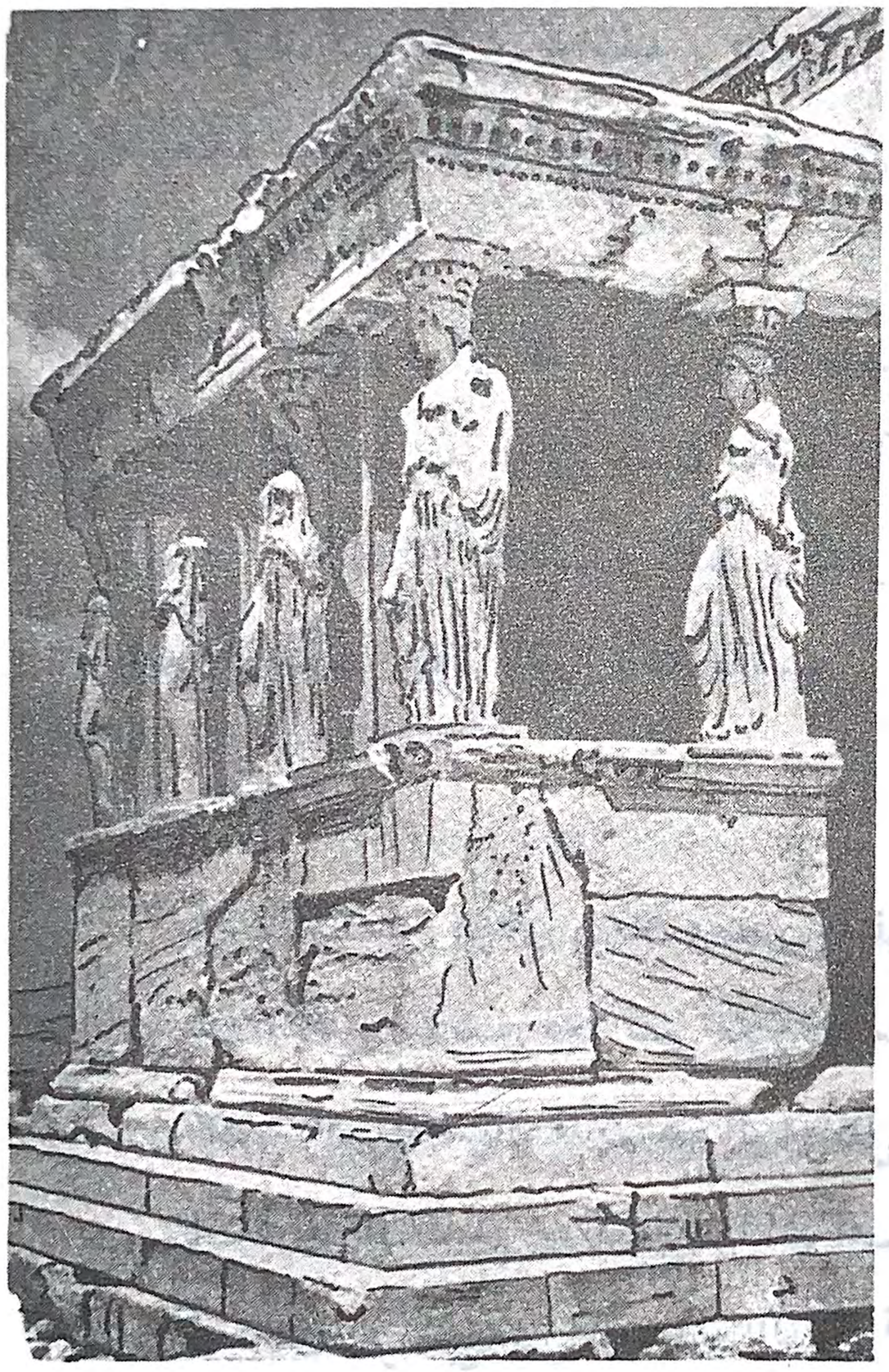

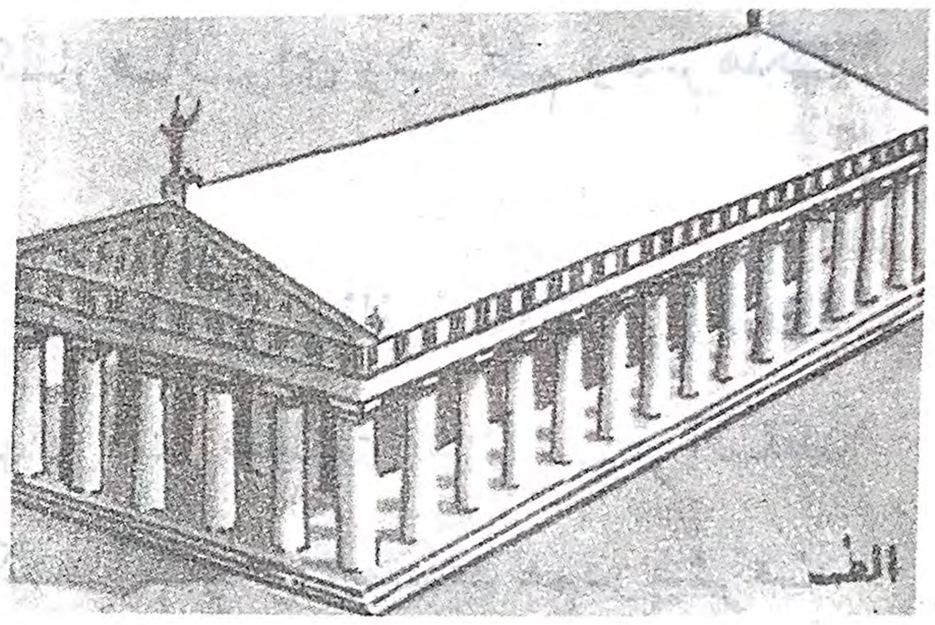

الف

ب

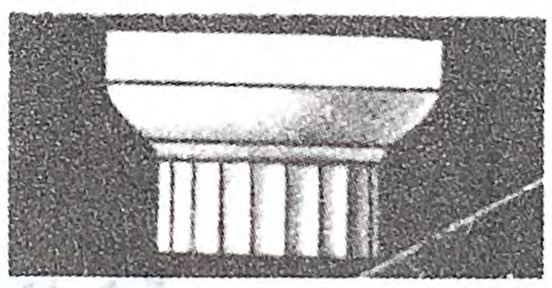

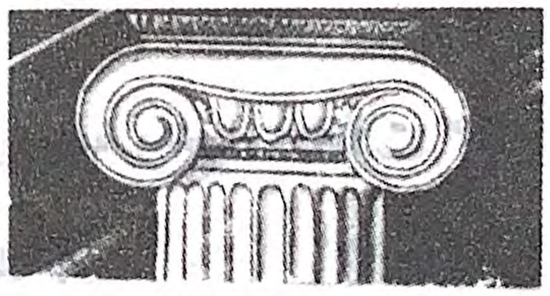

ج

شکل (٦٩)

نمونه های معماری و مجسمه سازی یونان قدیم

علل پیشرفت فرهنگ در یونان :

۱ ــ یونان یك مملکت بحریست که در بحیرهٔ مدیترانه قراردارد . ازایـن لحاظ کشتیرانان یونانی بامردمان متمدن آن وقت ازقبیل بابلی ها، فنیقی ها ومصری هارفت وآمد وتجارت داشتند . دربرابـرایـن روابـط تجارتـی خط ، دانش

وپیشرفتهای فرهنگی آن کشورهارا آموختند و آنهارا انکشاف دادند .

۲ــ پس ازرشد بردگی دریونان کارهای سخت و کمرشکن مانند زراعت و کندن معادن به دوش بردگان ودیگرزحمتکشان بود و همچنان درجنگها از نیروی بازو ودلیری بردگان استفاده میشد. ازاین سبب اشراف یونان غیرازخوردن وامر کردن کاردیگری نداشتند . بنابراین وقت خودرا به مطالعه ،شعرخواندن ، مباحثه وتجسس سپری میکردند همهٔ این کارهابرای رشد علم وفرهنگ دریونان کمک کرد .

۳ــ آب وهوای گوارای یونان سبب شده بود که یونانی هاآنقدرازلحاظ سردی وگرمی شدید دچارزحمت نباشند . آنهادرتمام فصلهای سال می توانستند بیرون ازمنزل کار،فعالیت وگشت وگذار کنند آب وهوای مساعد هم درپیشرفت علم وفرهنگ یونان تأثیرزیادی داشت .

سوالات:

۱ــ بین آب وهوای یونان ومصرچه فرق وجود دارد ؟

۲ــ الیاد واودیسه راچه کسی سروده است ؟

۳ــ آیادرافغانستان قدیم هم اثری مثل الیاد واودیسه وجود داشت ؟

٤ــ دریونان قدیم چه کسانی را اشراف مینامیدند ؟

٥ ــ حکمفرمائی اشراف دریونان چه قسم مذهب را مستحکم ساخت ؟

٦ــ چرادیموکراسی یونان رادموکراسی اشرافی میگویند ؟

۷ــ چرا دموس هاقیام کردندوقیام شان چه فایده کرد ؟

۸ــ دریونان قدیم چطور مردم به برده تبدیل می شدند ؟

۹ ــ برده هاکارهارا انجام می دادند ؟

۱۰ــ چرا مبارزه برده هارا دراسپارت مبارزه طبقاتی می نامند ؟

۱۱ــ چرا درجنگ یونانی ها فارسی هارا شکست دادند ؟

۱۲ - پیروزی یونان بر عساکر فارس چه تاثیراتی در یونان بار آورد؟

۱۳ــ مقدونی ها چطور یونان را فتح کردند و حملات اسکندر در افریقا و آسیا چه تاثیراتی در ان جا ها ببار آورد ؟

۱٤ــ کدام عوامل در پیشرفت علم و فرهنگ در یونان کمک کرد ؟

فصل دهم

روم قدیم

تشکیل نظام جمهوری درروم قدیم :

۱ـ اوضاع طبیعی : درغرب یونان حزیره نمایی قراردارد که بنام اپنین یاد میشود. سلسله کوهای اپنین درداخل این جزیره نمااز شمال به طرف جنوب شرق امتدادیافته است. دربین این کوهها وسواحل سطوح هموار وزمینهای حاصلخیز قراردارد. درشمال این جزیره نما کوههای بلندالپ که مانع جریان طوفانهای شمال میشود وجوددارد. مردم یونان قدیم درجایهای سرسبز، حاصلخیز وزراعتی این منطقه رمه هاو گله های فراوان راتربیه میکردند.

مردم قدیم یونان منطقه جنوب این جزیره نمارا بنام ایتالیایاد میکردند که بعداً همین نام برتمام جزیره نمااطلاق گردید.

۲ـ پیدایش شهرقدیم روم : دریای تیبراز کوههای اپنین سرچشمه گرفته ودروسط جزیره نماجریان دارد وتابحیره مدیترانه درسطوح هموار امتداد پیدا میکند. درین سطوح هموارقبیله هایی زندگی داشتند که بنام لاتینها یادمیشدند. در۲۵ کیلومتری دهنه این دریا هفت تپه مرتفع وجوددارد که شهر قدیم روم در اواسط قرن۸ ق. م. بالای آنها اعمارشده بود.

اجدادباشندگان روم قدیم بنام پاتریشینها یاد میشدند پاتریشینهادرهمین مناطق کمونهائیرا تشکیل داده بودند که زمینها وچراگاههارابه شکل اشتراکی در اختیارداشتند ودراین چراگاهارمه‌ها وگله‌های خودرانگهداری وپرورش میکردند .

پاتریشینها یك شورای ملی ومشورتی داشتند که دران کلانهایشان شرکت میکردند. اعضای این مجلس درزبان لاتینی بنام سناتوریادمیشدند. روم توسط شاهان وسناتوران اداره میشد. روم موقعیت بسیارخوب داشته ودراطراف آن زمینهای

حاصلخیز موجود بود. در روم تاجران و پیشه وران زندگی میکردند. رومنها زمینهای باتلاقی بین تپه هارا خشك میکردند و از آنهابه حیث جایگاه خرید وفروش (بازار) استفاده میکردند. که این بازارها درلاتین بنام فورم یادشده است.

مردمی که ازجایهای دیگربه روم آمده ودرآنجا سکونت اختیار کرده بودند بنام پلی بین ها یادشده اند. اکثراین مردم ناداروغریب بودند، مالیات میپرداختند وخدمت عسکری را متقبل شده بودند. آنهاباآنکه اززمینهای اشتراکی بهره نداشتند مجبوربودند که مالیه بپردازند چه درصورت عدم پرداخت مالیه خود به غلام مبدل میشدند.

تشکیل جمهوریت: میگویند که دراواخرقرن۶ق.م. درروم یك شاه بسیارظالم قدرت رادراختیارداشت. درسال۵۰۹ق.م. رومنها این شاه ظالم را از روم کشیدند وبه قدرت آن خاتمه دادند. بعد ازان شورای خلقی پاتریشینها هر سال دوتن از کلانهارابه رهبری انتخاب مینمودند که ایشانرا بنام کونسل یاد میکردند. این کونسلهاروم را برای یك سال اداره میکردند. کونسلهای موصوف وظایف قضائیرا نیزایفأ میکردند. آنها همچنان دروقت جنگ رهبری نظامیان را به عهده داشتند.

بمجردیکه یکسال این کونسل ها به آخرمیرسید آنهابه عضویت مجلس سنا پذیرفته شده بحیث سناتور انتخاب میشدند. سناتورهاقدرت بزرگی داشتند. اعضای سنامیتوانستند اوامراعدام ومسایل مربوطه به جنگ وصلح راصادر کنند.

جمهوریت: عبارت ازان نوع حکومتیست که اعضای آن ازطرف مردم انتخاب میشدند ولی پلی بینهاتااینوقت ازتمام حقوق خود محروم بودند وبا بمیان آمدن حکومت جمهوری خواهان حقوق وموقفی برای خودشدند.

جمهوریت اشرافی رومنها درقرن‌سوم‌ق. م:

مبارزه پلی بینها و پاتریشنها :

درقرن پنجم‌ق.م. مبارزات پلی بین‌ها بجایی رسید که پاتریشینهامجبور شدند حقوق شان رابدهند. بدین ترتیب پلی بین ها توانستند وکیل مدافع ازبین خود انتخاب کرده وبه مجلس سنابفرستند. نماینده‌های پلی بینهامیتوانستند فیصله ها ی کونسل وسناراکه برضدپلی بینهابوده رد کنند. همچنان هیـچ کسی نمیتوانـست وکیل مدافع ویا سناتورهای پلی بینهاراضرررسانده ویاایشانرا بقتل‌برسانند. سناتوران پلی بینها ازاین بعد میتوانستند قوانین را به نفع پلی بینها تغییربدهند وبرای آنکه این قوانین‌راپاتریشینهایارومیان اصلی قبول نمایند پلی بینها همواره پاتریشنهاراتهدیدمیکردندکه‌اگرحقوق‌شان پامال شود دیگرنه عسکری میکنند ونه مالیه میدهند وهم اگرلازم شود به قیام مسلحانه دست خواهند زد. لذاپاتریشینهاازترس‌قیام پلی بینها دربسیار موارد درمقابل شان گذشت‌میکردند. این‌مبارزه‌بین‌پاتریشینهاوپلی‌بین‌هادرحدود دوصد سال‌دوام کردتاآنکه دراوایل قرن سوم‌ق.م پلی‌بین هاحقوق‌مساوی بارومیان اصیل‌یاپاتریشینهاحاصل کردند.

حکمفرمایی اشراف روم درقرن‌دوم‌ق. م :

بعد ازموفقیت پلی بین ها هریك ازباشندگان روم چه پاتریشینها و چه پلی بین ها هروظیفه حکومتی را که میخواستند حتی به حیث سناتورنیزانتخاب شده میتوانستند ولی درمقابل اجرای این وظایف برایشان معاش داده نمی شد. البته کاربدون معاش برای اشرافیکه دارایی زیاد داشتند مشکل‌نبود. اما مردم غریب مخصوصاً پلی بین ها ازاین کارچندان‌راضی نبودند بنابران برای رفع احتیاجات زندگی خود مجبور بودند در زمینهای اشراف بابرده ها یکجا کار کنند. در مقابل اشراف وظایف مهم دولتی را دردست داشته وکو نسلها نیز از میان آنها

انتخاب میشدند . بدینترتیب جمهوریت روم یك جمهوریت اشرافی بود .

رومنها چطور ایتالیا را فتح کردند :

رومنها برای بدست آوردن زمین همیشه به دولت های همسایه حمله میکردند . چون قدرت عسکری روم ازلحاظ تعلیمات عسکری نظم و نسق و اسلحه نسبت به عساکر ولتهای همسایه برتری داشت لذا تا اواسط قرن سوم تمام ایتالیا را تسخیر کردند .

تبدیل شدن جمهوریت روم به دولت بزرگ برده داری

الف ـ جنگ روم و کارتاژ :

شهر کارتاژ درشمال افریقا اعمار گردیده بود ودر اطراف آن زمینهای حاصلخیز وجود داشت . این زمینها به برده دار هایی تعلق داشت که توسط برده ها بالای آن کشت وزراعت میکردند . رومنها و کارتاژیها کوشش داشتند جزیره سسلی را که منطقه حاصلخیز زراعتی و در سر راه تجارت بحری قرار داشت تصرف کنند . لذا درسال ۲٦٤ق .م. بین شان جنگ های سختی درگرفت که بنام جنگهای پونیك یاد میشود . درجنگ اول رومن ها بر کارتاژی ها پیروز شده و جزایر سسلی وساردینا را تصرف کردند .

باردیگر هر دو دولت آماده گی گرفتند وجنگ آغازشد . درجنگ دوم اگر چه در ابتدا کارتاژیها قسمتی از ولایات اسپانیا وبعضی جزایر مدیترانه رامتصرف شدند اما سرانجام قوای امپراتوری روم آنها را شکست داد . کارتاژیها مجبور شدند که ازقوای بحری وسرحدات شمالی خود صرفنظر کرده مبلغ گزافی بنام غرامت جنگ به رومیها بدهند . ولی کارتاژیها دست ازمبارزه نکشیده و به تجارت وسیع بحری ادامه دادند. بدین ترتیب کوشش میکردند تاخود را دوباره مقتدر سازند . ازطرف دیگر اشراف روم میخواستند که شهر کاتاژ را با تمام

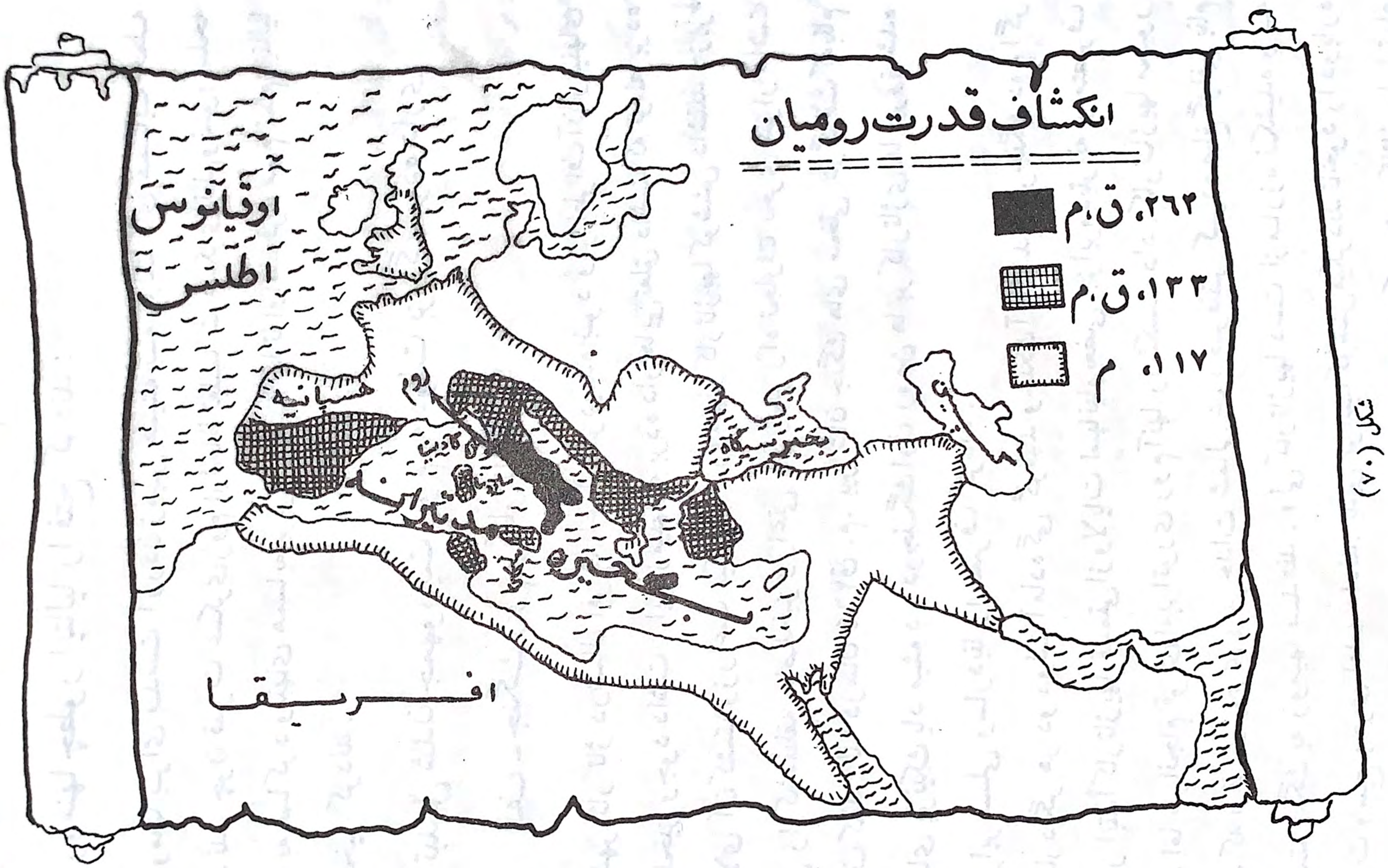
انكشاف قدرت رومیان
٢٦٣، ق،م
١٣٣، ق،م
١١٧، م
اوقیانوس
اطلس
هسپانیه
روم
کارتاژ
بحیره سیکاه
بحیره
افریقا

شکل (٧٠)

سرمایه آن تصرف کنند . لذادرنیمهٔ قرن‌دوم ق . م . رومنهابه کارتاژحمله‌برده وجنگ سوم پونیک آغاز شد . کارتاژیها سه سال از شهر زیبای خود قهرمانانه دفاع کردند ولی چون رومنها عسکر وسلاح زیاد داشتند بالاخـره کارتاژ را فتح کردند نظر به فیصلهٔ مجلس سنای روم شهر کارتاژ ویران شد و ۵۰ هزار نفر شهر نشینان آن بحیث برده به روم آورده شدند .

ب ـ جنگ با مقدونیها .

رومنها بعد از پیروزی بر کارتاژ متوجه دولت مقدونیه درشمال یونان شدند زیرادرانجانیزبرخورد های برضد دولت روم جریان داشت. رومنها ازیونانیها دعوت کردند که درجنگ بامقدونیها با اوشان کمك کنند . بعدازختم جنگ آنها یونان رابحیث یك دولت آزاد خواهند شناخت . امابعداز کسب موفقیت رومیها به وعدهٔ خـود وفا نکرده ویـونان را نیزتحت تسلط خود درآوردند . جنگها وپیروزی‌های رومیان درمقابـل کارتاژیهاومقدونیها سبب شد که مال ودارایـی وبرده های زیاد ازانجاهابه روم سرازیرشوند .

قوماند انهای جنگی روم وقتی یك منطقه رافتح میکردندآنرا به عساکرخود میدادند تاآنرا غارت کنند وهم یك‌حصه اموال تصرف شده رابه خزانهٔ رومنها تسلیم دهند . وقتیکه قوماند انها ازجنگ برمیگشتند بسیارسرمایدارمیشدند .

ج ـ موقف ولایات روم :ـ ممالـکی راکه‌رومنهاتصرف میکردند بنام ولایات روم یاد میکردند، ازباشندگان ولایات بسیار زیاد مالیه میگـرفتند. اشخاصیکه مالیه راتادیه کرده نمی توانست بافامیل هایشان بردهٔ رومیان میشد نـد . رهبری ولایات را والی ها ویاحاکمان رومی بـه عهده داشتند . والـی های ولایات از قـدرت عام وتام برخوردار بودند . راجع به یك والی‌چنین گفته شده است«والی غریب به ولایت غنی آمد وبالاخره سرمایدارازولایت غریب برآمـد.» بـدین ترتیب درقرن دوم‌ق.م. درنتیجه جنگهای غارتگرانه روم به‌یك دولت بـزرگ

برده داری تبدیل شده بود .

وضع برده‌های دولت روم در قرن اول ودوم .ق م :

قسمی که پیشتر نتیجه گیری شد پس ازفتح کارتاژعساکرروم غنایم واسیران زیادی ازتاراج کارتاژبدست آوردند . تعداد برده ها دراین وقت نهایت زیاد شده ازایشان بیشتردرزراعت و کارهای شاقه کار گرفته میشد مثلا چمنزارها را بانیروی آنها به زمینهای زراعتی تبدیل میکردند. برده دارها درروم میگفتند. «وسایل کار گنگ وجود دارد مثل گاوخر اسپ که قلبه میکند یاگادیهارا کش میکند . همچنان وسایل کاری هم موجود است که گپ میزند مانند برده» وقتی یک شخص برده میشد تمام اعضای فامیلش را ازدست میداد زیرا آنها نیز برده میشدند . برده ها را صاحبان شان همیشه به نامهای تحقیرآمیزیاد میکردند. بعد ازچند سال کار شاقه یک برده جوان وقوی به یک انسانی ضعیف مریض و معیوب تبدیل میشد . وقتی که برده ها ضعیف وناتوان شده ودیگر کارکرده نمیتوانستند آنهارابه صحراها وجزایرخشك میفرستادند تا ازگرسنگی بمیرند و به عوض شان برده های نووقوی ازبازارروم که‌درآنجاهمیشه بسیارزیاد میبود میخریدند . برای اینکه برده هافرارنکنند ازطرف شب آنهارادریک اطاق بندی میکردند. بسیاری برده هارا همیشه ولچك میکردند واین ولچك ها دروقت کار وخواب نیزبه‌گردن وپایهایشان میبود . این کاربجایی میرسید که برده ها زخمی شده وازچشم شان خون میریخت . برده داران به‌گردن برده ها قلاده هایی می آویختند که‌درآن‌نوشته‌شده‌بود مرا محکم بگیرید تا فرارنکنم. بروی برده‌ها علامت مخصوص مالك برده با آهن داغ نقش میشد .

گلادیاتورها برده گانی بودند که بایکدیگرویابا حیوانات وحشی به مقصد تفریح وخوشی اشراف روم به جنگ انداخته می شدند . در شکل یك برده که حریف خود را زخمی ساخته‌است انتظاردارد که‌آیا رومیان کشتن‌مغلوب رااجازه

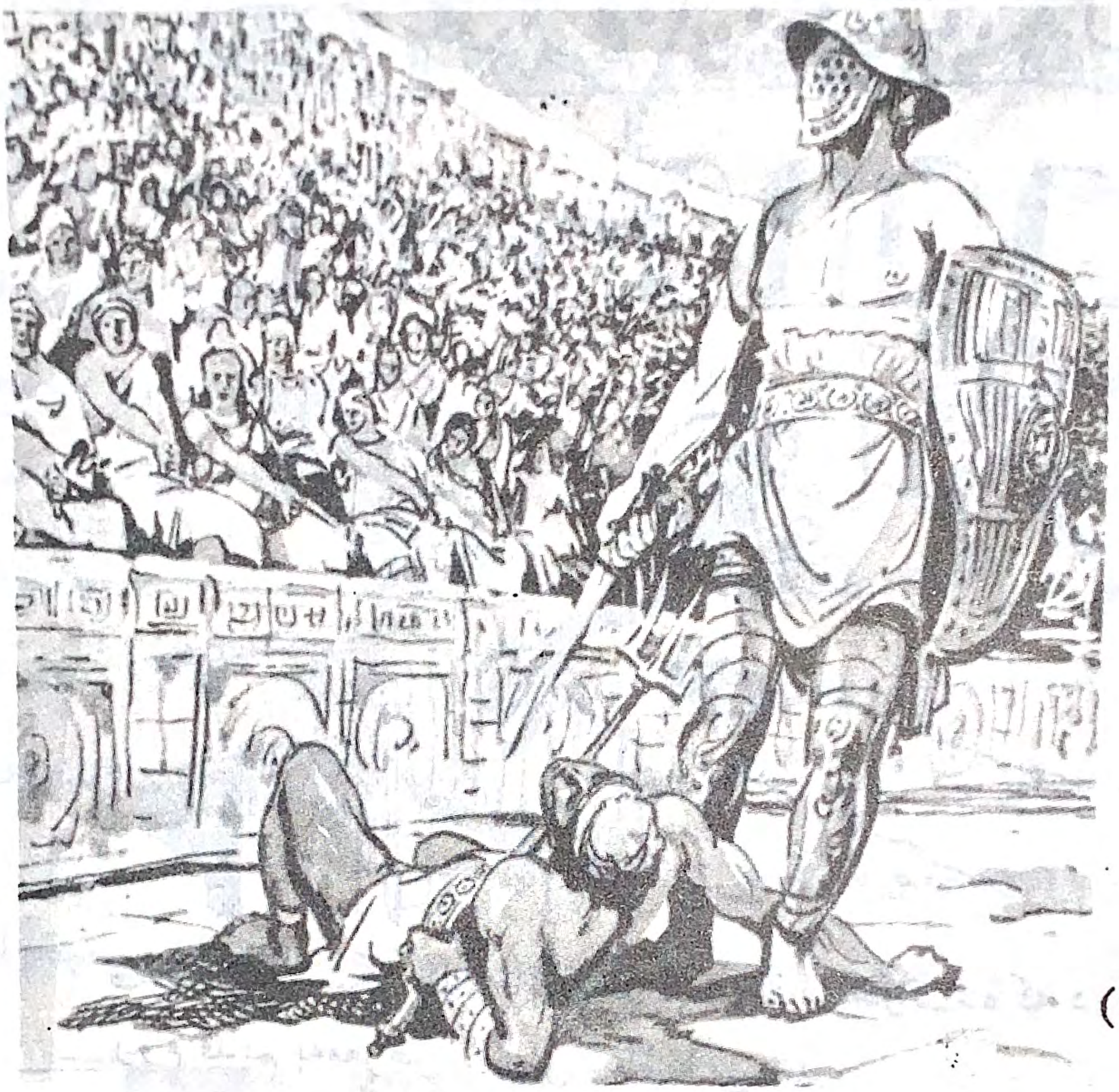

شکل (۷۱)

می دهند و یارها کردن اورا. درروم قدیم چنین معمول بود که اگر تماشا چیان شصت خودرا بلند کنند معنی رهائی واگر شصت را بطرف پایین بگیرند معنی کشتن مغلوب راداشت. آیادرین شکل رومیان کشتن ویارها کردن رااجازه می دهند؟ برده داران کوشش میکردند تا برده هاییرابخرند که زبان همدیگر را نه فهمند. استبداد واستثمار برده ها درروم بجائی رسیده بود که درهیچ جای دنیا نظیر آن دیده نشده بود. برده هانیز گاه گاهی بر ضد برده داران وستم شان برخورد های خونین مکیرد ند.

قیام برده ها به رهبری سپارتاگوس.

درقرن هفتم ق.م. تعداد برده هادرایتالیا زیاد شده میرفت. زندگی برده‌ها نسبت به سابق مشکلتر شده بود. این وضع خراب برده‌ها راوادارمی‌ساخت تامبارزه خودرا در مقابل برده در آن شدت بخشند. درسال ۷٤ق.م. برده‌ها به شکل مخفی به

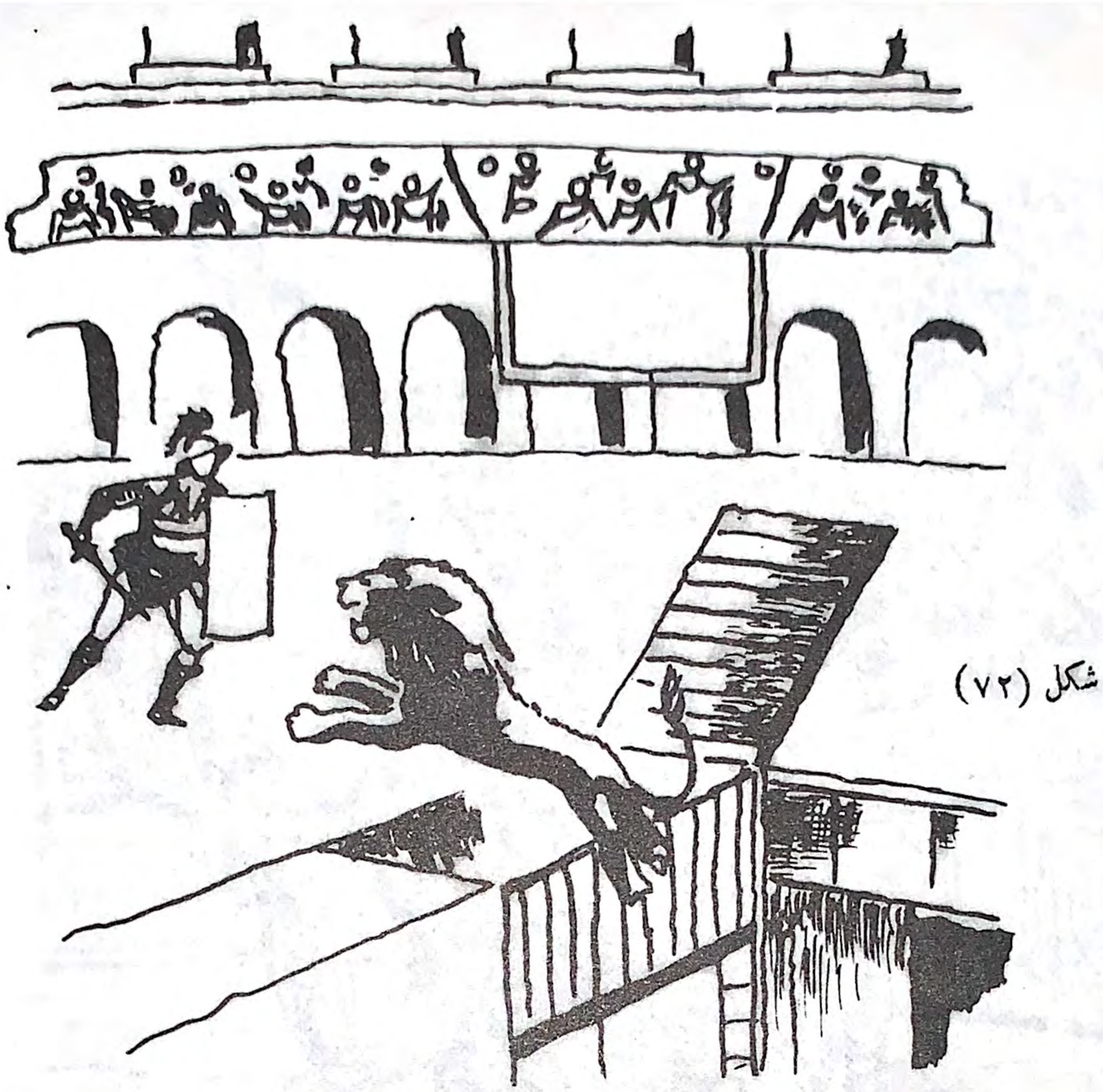

شکل (۷۲)

صحنه‌ای از جنگ گلددیاتورها باحیوانات درنده که در روم قدیم به‌معرض نمایش گذاشته می شد

قیام‌عمومی آماده‌گی میگرفتند. ولی‌برده داران ازاین موضوع معلومات حاصل کردند شاملین‌این پلان به‌کوه هافرار کرده ودرآن جا سپارتاگوس‌را بحیث رهبرخود انتخاب کردند. سپس‌قیام کننده‌گان بالای‌برده داران‌حمله کردند. برده هادراثرحملات پیهم برده داران راشکست داده واسلحهٔ بیشتربدست می آوردند. توسط این اسلحه با دشمنان خود مقابله میکردند به زودی‌برده های اطراف روم ازقیام‌برده هابرهبری سپارتاگوس اطلاع حاصل کرده وباایشان متحد شدند. میگویند که‌هزارها عسکرومی‌قیام کنندگان راکه‌بالای یک کوه سنگر گرفته‌بودند محاصره کردند و سه طرف کوه رابرده داران محافظت میکردند. یکطرف راکه چقری خطرناکی‌بود وهیچ گمان آن نمیرفت که انسان‌ازآن بدون هلاکت پایان شده بتواند دیده بانی نمیکردند. برده هازینه درازی ازریسمان‌تیار کرده و شب ازهمان‌راه پایین شده وبطورمخفیانه به لشکرومیها حمله‌برده وهمه‌آنهارا غافلگیر کردند.

سپارتاگوس قیام کنندگـان را بصورت فوج پیاده وسواره تنظیـم و ازآنها سپاه قوی برضد برده داران ترتیب کرد . سپارتاگوس باسپاه قوی‌خود عساکر رومیان را پیهم شکست داده پیشرفت و بجنوب ایتالیا رسید. مجلس سنا، کونسل ها وجنرالهای روم همواره پلان سنجیده وحتی ازجزایر بالـکان وهسپانیـا عسکر خواستند تا قیام برده ها را درهم شکنند . دراین وقت بین برده های فاتـح دو مفکوره پیدا شد . سپارتاگوس ویك دستـه بزرگ ازبرده‌گان میگفتند که بـه وطنهای اصلی خود رفته وبصورت آزادانه زندگی کنند . عدهٔ دیگرمیگفتند که به روم رفته ودولت برده دار روم را ازبین ببرند وتمامی برده‌ها را آزاد کنند. بدین ترتیب قوای قیام کننده‌گان بدودسته‌تقسیم شده ضعیف گشتند. درین وقت فرقه قوی عساکرروم به سرکوبی برده ها فرستاده شده بود .

سپارتاگوس ولشکرش برعساکرروم حمله بردند . سپارتاگوس میخواست

شکل (۷۳)

صحنه یی از قیام کننده‌گان به رهبری سپارتاگوس

کراسیس را بکشد تا لشکرش بی رهبرمانده وشکست بخورد . بدین ترتیب او قوماندان لشکرروم را ازبین برد اما خود سپارتاگوس هم زخمی شد. ولی باز هم به مقابله خود دوام داده و با یك پا استاده شده با دشمن جنگ میکرد . برده های دیگرنیزمردانه وار میجنگیدند . چون تعداد عساکر رومنها نسبت به لشکر سپارتاگوس بسیارزیاد بود نتیجه آن شد که قیام کننده گان شکست خورده و سپارتاگوس کشته شد . پس از کشته شدن سپارتاگوس وشکست لشکرش میگویند. رومیان بیش از ۶۰۰۰ برده را به دارزده و به درودیوارها ازدست وپاآویختند.

این جنگ جنگ طبقاتی بود میان برده ها وبرده داران . این مبارزات طبقاتی درجهان قدیم همیشه رخ میداد . روم دولتی بود که درآن بردگی بسیار انکشاف کرده بود . بهمین سبب دردولت روم سختترین برخوردها بین برده داران صورت گرفته است .

سقوط جمهوری وتأسیس امپراتوری روم :

تقویت قدرت جنرالها :

دولت جمهوری برده دار روم که به اساس تجاوز وچپاول بردارایی دیگران قدرت گرفته بود به یك جامعه برده داری تبدیل شده بود. اشراف که ازهرگونه عیش ونوش برخوردار بودند ، برده رایگانه وسیله پیشرفت کاروزندگی خود میدانستند . قیام برده هم ثروت شان را دچارخطر کرده بود. پس ازسرکوب شدن برده ها توسط قوای عسکرروم برده داران تنها ازکسانی حمایت میکردند که بتواند برده ها را سرکوب کرده وبرده های جدید برایشان بیاورند . بدین ترتیب آنها به قوماندانها وجنرالهای عسکری بیشترعلاقمند شده بودند . جنرالها برای اینکه برعلاوهٔ اشراف علاقمندی مردم فقیرایتالیا را نیزجلب کرده باشند درزمان ماریوس اصلاحاتی بوجود آمد که به اساس آن به اشخاص غریب وبیکاردرمقابل یك دورهٔ شانزده ساله عسکری یك مقدارزمین زراعتی داده می شد.

همچنان درختم جنگ قوماندانها ازغنایم به عسکرنیز سهم داده و برایشان معاش میدادند. به این ترتیب کوشش میکردند که وفاداری‌عسکررا به خود جلب کرده به هرسمت که بخواهند ایشانرا بهمان سمت سوق بدهند.

درسال ۵۸ . ق . م . سنا قوماندانی را بنام ژولیوسی سزاربه حیث والی ولایت گول انتخاب نمود . سزاردرطول هشت سال سر داری خود با قیام کننده گان وآزادی خواهان گول جنگهای خونین کرده لشکرش غنایم وافسران جنگی زیادی بدست آوردند . سزاراین دارایی را بین عسکرخودتقسیم کرده وبدینترتیب وفاداری‌عام‌وتام‌عساکروا به خود جلب کرد. همچنان سزاربه عساکرخود وعدهٔ دادن زمین را نیزداد . بنام سزاردرروم به مردم غریب‌گندم تقسیم میشد .

جولیوس سزاربحیث فرمانروای روم :

تا سال ۶۹ ق.م. ژولیوس سزارتمام ولایت‌گول وسرحدات آنرا مطیع خود ساخته ثروت وقدرت زیادی بدست‌آورد . وی بحدی مقتدر شده بود که دیگر به فرامین‌سنا احترام نکرده وبروم حمله کرد. عساکرروم که به ولایت جنوبی روم پراگنده شده بودند نتوانستند در مقابل حملهٔ سزار مقاومت کنند . از طرف دیگر ژولیوس سزار در روم طرفداران زیاد داشت به این ترتیب عساکرسزارتوانستند اول روم وبعد تمام ایتالیا راتصرف کنند . برده داران برای حفظ قدرت ودارایی‌خودومردم غریب‌به امیدآنکه سزاروضع زندگی شانرابهترخواهد ساخت ازسزارطرفداری کردند . سزار سه سال دیگر باوالیان مستعمرات‌روم‌درآسیا،افریقاوهسپانیه که تسلیم نشده‌بودند جنگ کرده وآنهاراشکست داد .

بعد ازانکه موفقیت عام وتام بدست آوردَ سزاربه روم برگشته و بحیث امپراتور بالای سناو کونسلهای ولایات حکمرانی میکرد . سزاربنام خود پول

شکل (۷۴)

عساکر فاتح روم درحال بازگشت باتعداد زیادی از اسیران وغنایم جنگی .

ضرب زده ومثل شاهان دربار باشکوهی داشت.

میگویند اودرسنادرچوکی یی می نشست که ازطلا وعاج ساخته شده بود. سزاربه جنرالها مدالها هدیه داده ودرمقابل به وعده های خود بامردم غریب‌وفا نکرده بانها دروغ میگفت. حتی مقدارگندمیرا که به مردم غریب درروم داده میشد دو مرتبه کمترساخت. بعضی ازاعضای مجلس سنا ازمقتدرشدن سزارواز بین رفتن جمهوری راضی نبوده میخواستند قدرت بدست سنا باشد. لذا توطئه برضد سزارچیده اورا درسال٤٤ ق.م. درداخل سنابه قتل رسانیدند.

امپرتوری روم دردورهٔ اکتاو:

توطئه‌گران که سزار را کشتند در بین مردم روم طرافدار نداشتند. دربین مردم روم تعداد کمی پیدا میشد که ازجمهوریت‌اشرافی که قدرت بدست یك تعداد خانواده های مقتدر بیافتد طرفداری کنند. لذا عساکروطرفداران‌سزار درهرجابرضد توطئه‌گران قیام کرده واکتاونواسه برادرسزار رابه حیث امپراطورانتخاب کردند.

ازجمله مخالفین یکی انتونی والی روم درمصربود اکتاویان بالشکرعظیم بحری به مصرحمله کرده‌ودرسال۳۱ ق.م.قوای‌انتونی راشکست دادند وانتونی ازغم خودکشی کرد. بدینترتیب اکتاو ازسال۱۲ ق.م.بحیث رهبر دولت روم برسراقداربا‌قیماند.

امپراتوری روم وخصوصیت برده داری آن:

اوکتاومخالفین خودرا ازسنابیرون کرده به‌عوض‌شان‌طرفداران‌خود رامقرر کرد. به این شکل فرامین‌اوکتاوازطرف سنابه بسیارا حترام قبول‌می شدواورا بنام اوکتاومقدس یادکردند.

قوانین راکه اوکتاواوگوست درسنابه تصویب رسانید پس ازمرگ‌اونافذ

بود . قدرت امپراطوری روم بطورموروثی به اخلاف امپراتـور تعلق میگرفت. بدینترتیب درروم حکومت درشکل ظاهری جمهوری امادراصل شاهی وموروثی بود که رومنها آنرا بنام امپراطوری یاد میکردند .

برقراری نظام امپراتوری حکمفرمائی بـرده داران را در روم ودرولایات روم مستحکمترساخت .

تشکیلات اداری امپراتوری روم درعهداوکتاو

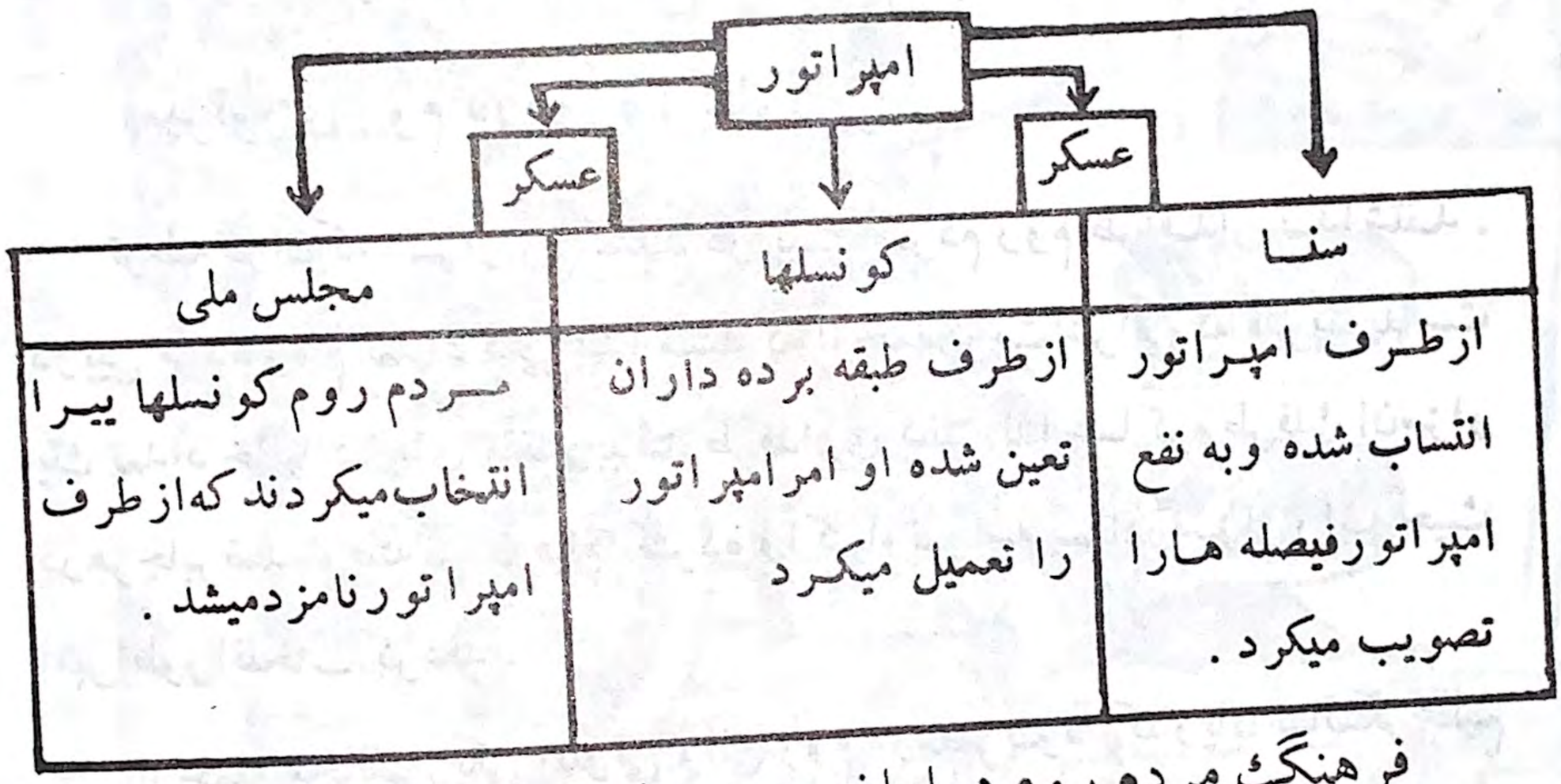

سنـا	کونسلها	مجلس ملی
ازطـرف امپـراتور انتساب شده وبه نفع امپراتورفیصله هـارا تصویب میکرد .	ازطرف طبقه برده داران تعین شده او امرامپراتور را تعمیل میکـرد	مـردم روم کونسلها پیـرا انتخاب میکردند که ازطرف امپراتورنامزدمیشد .

فرهنگ مردم روم دراواخرجمهوریت واوایل امپراطوری

ا-هنرروم قدیم :

فرهنگ یونانیان بالای فرهنگ وزندگی رومیان تـأثیرعمیق داشت . بدین معنی که رومیان علم ودانش یونانیهارا یادگرفته آنرا انکشاف دادند . مثلاً ازروی الفبای یونانی رومیهاالفبای لاتین راساختند. رومنهاآثارزیاد ادبی ازخود گذاشتند . مهمترین اثراد بی وعلمی روم کتابیست بنام (درطبیعت اشیا) که توسط لوکریتوس درقرن اول ق.م. نوشته شده است. دراین کتاب نظریـات مهم همان زمان راجع به طبیعت وتاریـخ بشر بیـان شده است . مثـلاً کشف آتش زراعت وآهن راچنین تشریح کرده که توسط کاروفعالیت خود انسانهابه میان آمده نسبت

به آنکه قدرت های سحر آمیز آنرا به وجود آورده باشد. لوکریتوس میگوید که ترس وبیم ونافهمی مردم ازعلل وقوع واقعات وترس آنها ازحادثات سبب بوجود آمدن مذهب میگردد. او کوشش می کرد که علت اصلی زلزله ودیگر عوامل طبیعی مثل آفتاب گرفتگی ومهتاب گرفتگی رایافته وتشریح کند.

۲ـ معماری :

درساختن شهر روم ودیگر عمارت ومنازل آن همیشه سعی میشد تابزرگ وباشکوه آباد شود تابه دیگر ولایات ومستعمرات نشان بدهند که امپراتوری روم واقعاً بزرگ ومجلل وباقدرت است. رومیها درمعماری نیزروش یونانیها را مانند استفاده ازستون بکاربرده

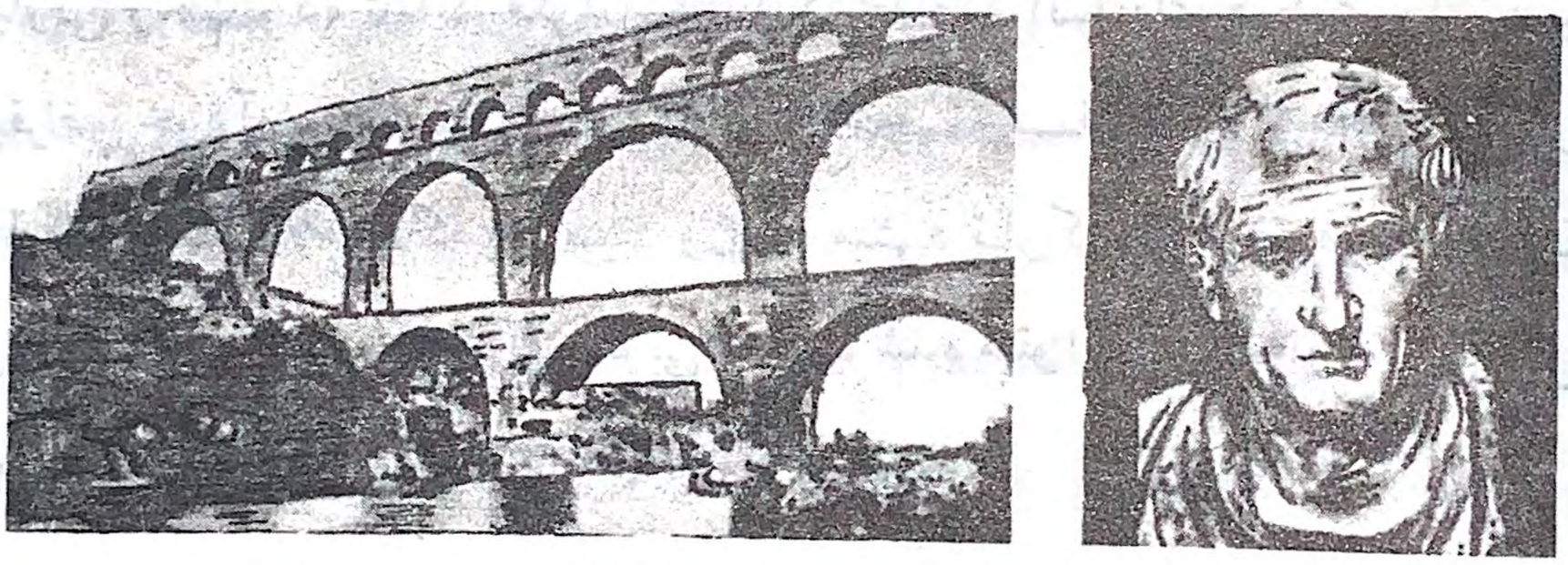

شکل (۷۵)

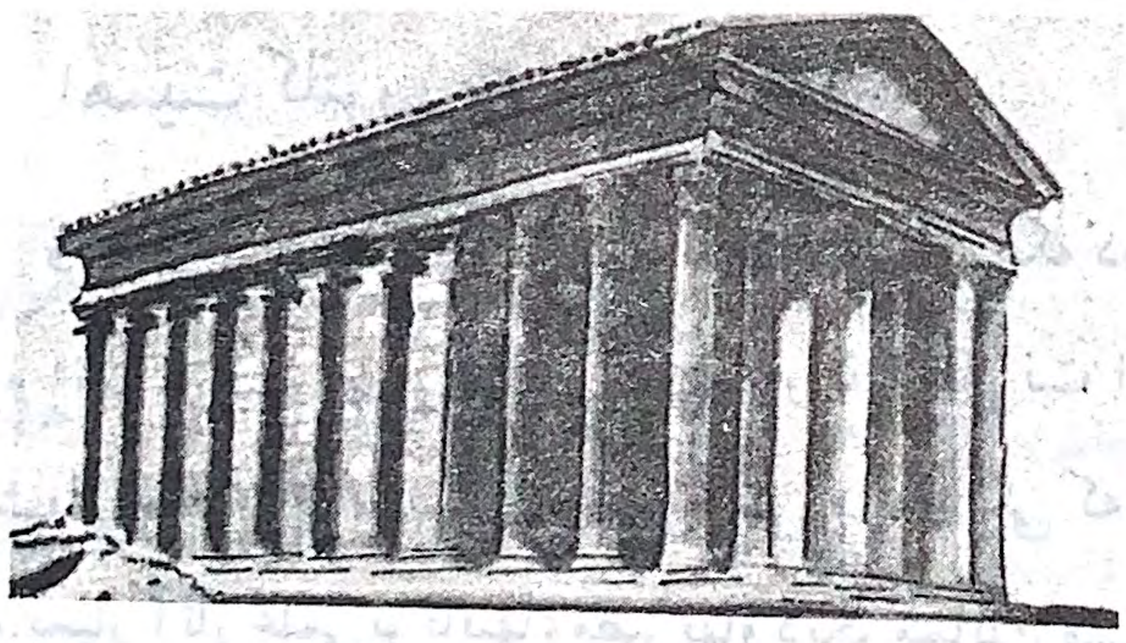

معماری ومجسمه سازی روم قدیم

وخود شان نیزروش نومعماری را ایجاد کردند. مانند تاقهاو گنبد های گرد شکل.رومیها آب چشمه هائیراکه درکوه های نزدیك روم وجود داشت توسط نل هاولولـــه ها بـــداخل شهرهاومنزل آورده ازآن استفاده میکردند . تقریباً ده مخزن بزرگ آبرسانی درشهرروم ساخته شده بود.

۳-مجسمه‌سازی :

رومیان درقسمت مجسمه سازی پیشرفتهای زیـــادی کـــرده بودند. مجسمه سازان روم درساختن مجسمه های نیم تنه مهارت زیاد داشته حالت روحی وحتی شخصیت انسانها را درمجسمه ها بخوبی مجسم میساختند. بطورمثال درمجسمه انسان سود خورورومی آنرا قسمی تیار میکردنـــدکـــه نشان میدادکه این مردم بسیاربی رحم بوده تنها درفکراین هستندکی‌چه قسم انسانهای دیگری را زیـــر بارقرض خودآورده استثمار کنند. همچنان مجسمه ســـازان روم مجسمه یکنفر نطاق‌ونویسندۀ روم راکه بنام سیسرون یاد میشود تیارکردند. مجسمۀ سیسرون را بقسمی تیارکرده بودندکه بخوبی فهمیده شده میتوانست کـــه‌اوانسان عاقل بوده‌وبشردوستی ازچهره اش نمایان بود .

اهمیت کلتورروم:

فرهنگ روم نه تنها درروم انکشاف کرد بلکه درسرتا سرامپراتوری وسیع روم انتشاریافت. درولایاتـــی کـــه رومنها سکونت اختیارکـــردند مخازن آب نوشیدنی اعمارگردید.لسان لاتین حتی درممالکی که زیراثرروم نبودند مروج شد.بسیار آثارعلمی‌یونانیها، مصریهاودیگرممالك مشرق زمین ترجمه شد. مردم تعلیم یافته اروپای غربی تا بسیاروقت به لسان لاتین‌مطالعه میکردنـــدومینوشتند. همین اکنون اکثرداکترهای طب دربسیاری ممالك جهان حتی افغانستان نسخـــه

هایشانرا بلسان لاتین نوشته میکنند. امروزازالفبای لاتین دربسیاری ممالك جهان استفاده میشود.

تزلزل اقتصادی امپراتوری روم :

شروع ورشکستکی اقتصادبرده داران دراواخرقرن۲واوایـل قرن۳ق.م. بود. کاربرده‌ها دراصل‌به برده داران بسیارارزان تمام‌میشد. اما ازلحاظ حاصل کاربرده ها آنقدرثمر بخش‌وپرعایـد نبود. مثلاً زمینیکه توسط برده هـا کشت میشد حاصل زیاد ویاکم آن برای برده ها بی تفاوت بود.زیرا به هرترتیب غذا ولباس بسیارخراب برای شان داده میشد. بنابرآن برده ها کوشش میکردنـد کمترکار کنند. کم کاری برده ها سبب میشد که برده دارهااز زمین حاصل کم به دست آرند. همچنان سامان‌ولوازم کشت‌و کارازقبیل‌بیل،داس، کلنگ وغیره که به برده ها برای کارداده میشد بسیارخراب بود.مثلاً همرای یك داس یـا بیل کندویك کلنگ دسته شکسته مخصوصاً با شکم گرسنه هیچ کس کارخوب کـرده نمی‌توانست ازاین سبب اقتصادوعایـدات بـرده داران بسیار پائین آمده بود چون نسبت به هرجای دنیا درایتالیاتعداد برده داران زیادبود ازین سبب رکود وپسمانی اقتصادی درایتالیا بسیارشدید شده بود.

وضع کولونها یا اجاره داران کوچك:

درقرن‌دوم‌ق.م. بسیاری‌اززمینداران قسمتی‌ازملکیت خودرابقسمتهای‌خورد تقسیم کردندوهرقسمت کوچك را بغریبان آزاد بقسم اجاره دادند.ایـن اجاره داران کوچك بنام کولونها یادمیشدند. اجاره داران یك قسمت حاصل را به‌مالك زمین داده متباقی آنرا برای‌خود نگهمیداشتند. به‌این‌نسبت اجاره داران کوچك یاکولونها کوشش میکردند تا حاصل زمین زیاد شودونسبت‌به برده ها کـارزیاد ترمیکردند.

کولونها نمی توانستند قروض خود را بپردازند نمی توانستند زمینداران را ترك بگویند. زمینداران ازاین قوانین و شرایط استفاده کرده و تادیه اجاره را بلند میبردند.

بعضی از زمینداران یك قسمت زیاد زمینهای خودرا به بردهها اجاره میدادند. این زمینداران به این فکر بودند کـــه ازیك طرف حاصل زیادگرفته وازطرف دیگر امکان ضرر رساندن برده ها را بخود ازبین ببرند.

قیام عمومی در امپراتوری روم:

اگر چه پس از قیام اولی برده ها به یك سلسله آزادیها رسیدند اما با آنهم فساد وظلم برده داران بالای برده ها بشکل سابق باقیمانده بود. ازاین جهت بـــرده ها نیز ازمبارزه دست نکشیدند.

قیامهای برده ها یکبار دیگر اوج گرفت. قیام برده ها اینبار ابتدأ درگول (نام قدیم فرانسه) وسپس درولایات شمال افریقا آغاز یافت. درروم نیزبرده ها برضد مالکان خود قیام کردند اما چون امپراتوری روم دراین وقت بسیار مقتدر بود بار دیگر برده ها را سرکوب کرده وقیام شانرا خاموش ساخت. این نارضائیتی ها وقیامهای برده ها یکبار دیگر تولیدات وعایدات اقتصادی امپراتوری روم را ضعیف ساخت زیرا تمام کار های سخت زراعتی معدنکاری وفعال نگهداشتن کارخانجات که اقتصاد امپراتوری روم را تقویه میکرد بدوش برده ها بـود.

ضعف امپراتوری روم درقرن سوم وچارم میلادی.

درقـرن سوم میلادی قدرت امپراتوری روم بسیار ضعیف شده بود. امپراتور کـه قدرت عام وتـام را بدست داشت جنـگها را نیز رهبری میکرد. امپراتور کسانی را به مقامهای بلند تعیین میکرد کـه وعده های تادیـه

مالیات زیاد را میدادند . امپراتورها بعد ازدو یا سه سال تبدیل میشدند . درین وقت امپراتورها بسیار کم به مرگ طبیعی میمردند .

بعضی اوقات در امپراتوری روم چندین امپراتور عرض وجودمیکرد وبر سرتاج وتخت بایکدیگر می جنگیدند .

شورش درلشکرازیکطرف جنگهای بین‌امپراتوان متعدد ازطرف دیگرباعث ضعف امپراتوری روم گردید . دراواسط قرن سوم ولایات گول ، هسپانیا ، مصروتقریباً تمام‌مستعمرات روم درآسیا از زیر ادارهٔ مرکز امپراتوری روم خارج شد .

دراوایل قرن چارم درروم شخص‌بسیارظالمی بنام کونستانتین به‌امپراتوری رسید . کونستانتین برای حفظ قدرت خود مخالفین‌خودرابصورت خیلی‌خائنانه ازبین برد حتی ازترس اینکه پسرش برضدش قیام نکند اورا نیز ازبین برد . کونستانتین باطبقهٔ زحمتکشان داخل‌امپراتوری‌رفتاربسیارزشتی‌رادرپیشگرفت وزمینهٔ‌استثمار رابرای‌زمینداران مساعدتر ساخت.قسمی که برای اجاره داران کوچک اجازه داده نمی‌شد که اززمین‌مالك بیرون شوند هر گاه‌کسی‌از زمین میگریخت دوباره‌بادستبندوزولانه‌پس‌آورده‌میشد.مالک‌زمین اگربرده را لت وکوب میکرد عمل بسیار خوب پنداشته می‌شد . به امر کونستانتین درسواحل آبنای باسفورس درشمال غرب ترکیه شهری بنام کونستانتینوپول (قسطنطنیه) ساخته شدکه امروز بنام استانبول یاد میشود . این شهر درسال ۳۳۰ م. بحیث پایتخت امپراتوری روم شرقی‌انتخاب شد .

حملات بربر ها بر امپراتوری روم :

وقتیکه قدرت‌امپراتوی‌روم روبه ضعف‌میرفت درسرحدات این‌امپراتوری حملات طوایف بربریا وحشی هاروز بروز تقویت میافت . رومنها انسانها ییراکه به‌زبان‌رومی گپ‌نمیزدندوحشی میگفتندامپراتورهادرابتدأ بادادن‌طلاودیگر

اشیا جلو این حملات را گرفتند ولی اینکار از یکطرف فشار امپراتوری را بالای مردم غریب زیاد میساخت و از طرف دیگر خزانهٔ امپراتوری روم را خالی میکرد.

تجزیه امپراتوری روم:

درسال ۳۹۵ م. امپراتوری روم بین دو برادر به دو قسمت روم شرقی و روم غربی تقسیم شد.

پایتخت امپراتوری روم شرقی شهر کنستانتین (قسطنطنیه) و پایتخت امپراتوری روم غربی شهر روم بود.

امپراتوری روم شرقی شامل جزیره نمای بالقان، مصر و مستعمرت آسیائی امپراتوری روم بود. اما امپراتوری روم غربی ایتالیا و بعضی مناطق اروپای غربی را در برمیگرفت. اوضاع امپراتوری روم غربی نسبت به روم شرقی بسیار خراب بود. حملات بربر ها ازخارج وقیام های برده ها در داخل آن جریان داشت.

شکل (۷۶)

نقشه تجزیه امپراطوری روم به روم شرقی و غربی در 395 م

حملات گوتها وتسخیر شهرروم :

قبایل گوتها به رهبری الاریك از ضعف امپراتوری روم غربی استفاده کرده عساکر سرحدی روم را درشمال شکست داده وارد روم شدند . چون هیچ کسی ازامپراطوری روم راضی نبود ازین سبب کسی درمقابل این حملات روم دفاع نکرد . علاوتاً برده ها واجاره داران بنوبهٔ خود زمین های ملاکان راتصرف کرده وبه لت کوب اشراف ومامورین دولت شروع کردند .

گوتها به‌پیشرفت شان ادامه داده شهرروم رامحاصره کردند . هنگامی که شب فرا رسید برده هاازداخل دروازه شهر روم راباز کرده وگوتها داخل شهرشدند. درظرف سه‌شبانه روز شهر روم را تاراج کرده ودار وندارآنرا باخود بردند .

مردم آسیا،اورپاوافریقاکه ازسالهاتحت حکمروایی این امپراتوری‌زندگی میکردند بالاخره درسال ٤١٠ م. به این حاکمیت روم خاتمه دادند .

شکل (٧٧)

صحنه ای جنگ بربر هابارومیان

ختم امپراتوری روم غربی :

به تعقیب گوتها طوایف نیمه وحشی جرمنها به امپراتوری روم غربی حمله کردند. چون هیچ کس در مقابل شان مقاومت نکرد لذا ولایات گول، ایتالیا وهسپانیا را متصرف شده از راه هسپانیه به شمال افریقا داخل شدند بالاخره در سال ٤٧٦م. جرمنها امپراتوری برده دار روم غربی راسقوط دادند . سقوط امپراتوری روم غربی پایان تاریخ دنیای قدیم به شمار میرود .

سوالات :

۱ــ سرحدات دولت روم رادر نقشه نشان بدهید.

۲ــ در روم قدیم بین کدام گروههای مردم مبارزه وجود داشت وعلت آن چه بود؟

۳ــ تشکیلات اداری دولت روم چگونه بود وچی تغییرات در اداره امور دولت رخ داد؟

٤ــ در طول تاریخ روم چه واقعات مهم پیش شده است ؟

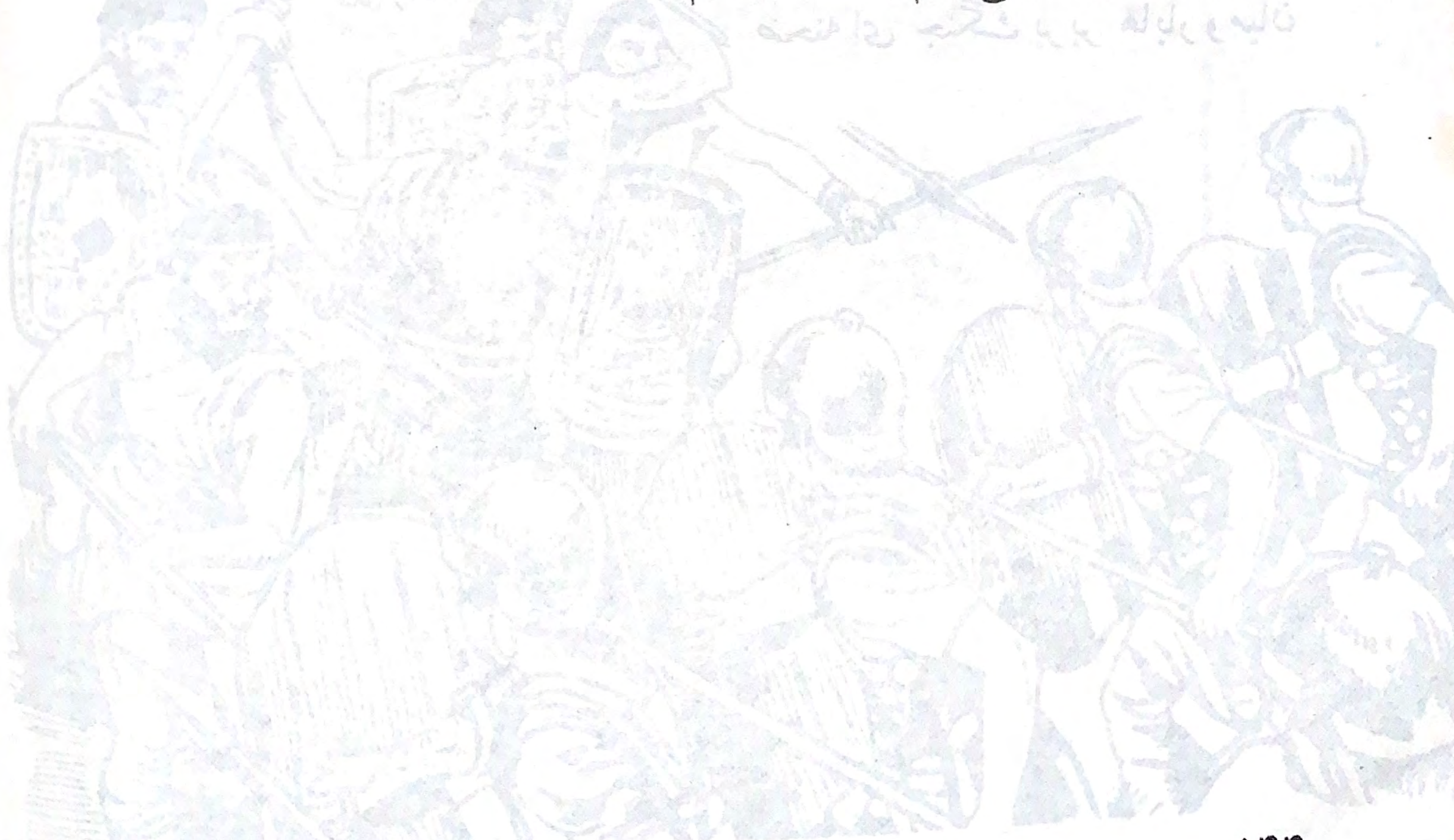

وقایع مهم	قرنها	دوره‌های مختلف تاریخ رو
فتح کامل امپراتوری روم ۴۷۶ م	۵	
تقسیم شدن امپراتوری روم به روم شرقی و غربی ۳۹۵ میلادی	۴	انحطاط و سقوط امپراتوری روم
	۳	
	۲	سقوط جمهوری و دورهٔ طلائی امپراتوری روم
	۱	
		سال اول میلادی ←
آمدن نژول سزار به روم در سال ۴۹ ق م قیام سپارتاکوس	۱	دوران قدرت و توسعه جمهوری برده دار روم
آخرین جنگ پونیک	۲	
فتح سرتاسر ایتالیا در ۲۷۲ ق.م،	۳	
	۴	تشکیل دولت جمهوری روم
	۵	
برقراری رژیم جمهوری روم در ۵۰۹ ق م	۶	

معنی و تشریح لغات و اصطلاحات :

ابزار تولید : عبارت از آن اشیائی است که توسط آن کار و تولید صورت میگیرد مانند ، داس ، بیل کلنگ ماشین وغیره .

ارواح : جمع روح و روح عبارت است از جان و روان .

آسیای میانه : آسیای میانه شامل تاجکستان، ترکمنستان، قزاقستان امروزی در اتحاد شوروی میباشد .

اسیر جنگی : کسیکه در جنگ بدست دشمن گرفتار شود اسیر جنگی گفته میشود .

امپراتور : پادشاه مقتدر و توانا که قدرت و بزرگی را در اختیار داشته باشد .

انبوهی : فراوانی ، زیادی .

انکشاف : پیشرفت و ترقی .

باتلاق : زمین پر از گل و لای .

بیگار : کار بی مزد ، کار رایگان و مفت که بزور بالای طبقات زحمتکش تحمیل میشود .

تضاد : ضد بودن و مخالف بودن .

تولید : عبارت از جریان کار و فعالیت انسان است که هدفش بوجود آوردن اشیای ضروری زندگی انسانها میباشد .

جزیره نما : جزیره نما یا شبه جزیره قطعه خاکیست که سه طرف آن آب و یکطرف آن خشکه باشد .

حکومت : عبارت از قوهٔ اجرائیه یك دولت است که قوانین را مورد تطبیق قرار میدهد .

خبیث : زیانکار و بد کردار .

خلق : عبارت اند از تمام زحمتکشان و استثمار شونده گان جامعه .

دین مسیح : یکی از ادیان بزرگ دنیا که در اروپا و امریکا پیروان زیادی دارد .

رژیم : روش ترتیب و طرز حکومت یا دولت .

روحانیون: رهنمایان مذهبی

شرق باستان : درزمانهای پیش مساحت واقعی کرهٔ ارض (دنیا) برای انسانها معلوم نبود . بعضی بحیرهٔ مدیترانه رامرکز دنیا میدانستند . ازین جهت ممالکیکه به‌طرف شرق بحیرهٔ مدیترانه واقع بود بنام شرق یاد میشد .

شرق باستان شامل سرزمینهایی میباشد که‌غرباً وشرقاً ازمصر تاچین امتداددارد.

طایفه : اشتراك گروهی افراد است که‌پیوندخونی واقتصادی دارند. اجتماع چندطایفه همنژاد قبیله‌را تشکیل میدهد .

طبقه : گروهی از مردمیکه باوسایل تولیدرابطهٔ مشابه‌دارندودارای عایدمشابه ازحاصلات تولیدی میباشند .مثلاً طبقهٔ حاکمه‌ممالك وسایل‌تولیدهستندوزحمکشان وسایل تولید را دردست ندارند . در دولت های سرمایه داری سرمایه داران به قسم‌سودوفایده‌و کارگران به‌شکل دستمزدسهم‌خودرا از تولیدمیگیرند .

طبقهٔ حاکمه : عبارت ازآن گروه‌مردم درجوامع طبقاتی‌است که‌وسایل تولید رادراختیاردارد .

غنایم جنگی : چیزهائیکه ازجنگ بادشمنان به دست‌میاید .

فرهنگ : فرهنگ عبارت‌ازمجموعه ارزشهای مادی‌و معنوی‌جامعه‌بشری که در جریان فعالیت اجتماعی وتاریخی بوجود آمده است . امافرهنگ در لغت عبارت است‌ازدانش،ادب، معرفت، تعلیم وتربیه، آثار علمی فلسفی و هنری .

فئودالیزم: بعد از انکه دورهٔ تاریخی بردگی به اثر قیام‌هاومبارزهٔ غلامان‌از بین رفت بجایی آن دورهٔ دیگر تاریخی بوجود آمدکه بنام فئودالیزم یاد شده است. یعنی اینکه‌درین‌دورهٔ تاریخی‌زمین‌داران بزرگ‌قدرت‌رابدست‌می آورند وبه استثماردهقانان ودیگر زحمتکشان می پردازند . دوطبقه اساسی که عبارت ازفئودالان یا زمین داران بزرگ‌ودهقانان‌یعنی کسانیکه زمین‌های زمین

داران را کشت و کار میکنند در بین خود باهم در حال مبارزه میباشند .

کـــار : کار عبارت است از فعالیت آگاهانهٔ فکری و جسمی انسان به خاطر تولید نعمتها ی مادی در جامعه.

کشـف : چیزی یا جایی را پیدا کردن .

گـول : نام قدیم فرانسه.

مبادلـه : با کسی چیزی را بدل کردن، چیزی را عوض چیز دیگر گرفتن بطور مثال امروز انسانها اشیای مورد ضرورت خود را در عوض دادن پول مروج بدست می آورند.

مبارزه طبقاتی : عبارت از مبارزه ایست که بین طبقهٔ استثمار گر و طبقهٔ استثمار شونده در طول تاریخ وجود داشته است. این مبارزه از وقتی بمیان آمد که جامعه به طبقات تقسیم شد و وقتی از بین خواهد رفت که طبقات در جوامع از بین برود.

متصرفات : مناطقیکه یك کشور علاوه از سرزمین اصلی خود در اختیار دارد.

مسیح : لقب حضرت عیسی.

معابد: جمع معبد، جای عبادت، عبادتگاه، پرستگاه.

معدن : ذخایر زیرزمینی مثل آهن، زغال سنگ و غیره

ملاك : زمیندار بزرگ .

طبع اول

دورهٔ استهلاک (۳) سال

تعداد طبع (۹۷۵۰۰) جلد

مطبعهٔ تعلیم و تربیه